

# اول ماه مه روز جهانی کارگر پرکارگران جهان

## خجسته باد!

کشتار کارگران مبارز شیکاگو در اول ماه مه ۱۸۸۶ و مبارزه هر ساله کارگران سراسر جهان در بزرگداشت خاطره این مبارزان، این روز را به روز نمایش همبستگی کارگران و به روز نمایش اشتیاق و عزم استوار طبقه کارگر جهانی به رهائی از همه مظالم و معاشب نظام سرمایه‌داری بدل کرده است.

در عوض دشمنان همیشه کوشیده‌اند تا این روز را از آنچه کارگران خواسته‌اند تهی سازند و مراسم اول ماه مه را به سطح کارناوال‌ها و فستیوال‌های مبتذل تنزل دهند.

امروز طبقه کارگر ایران بیش از هر زمان دیگر به همبستگی و اتحاد و آگاهی نیاز دارد و هم امروز دشمنان طبقه کارگر ایران بیش از هر زمان دیگر به همبستگی و آگاهی او پورش آورده‌اند.

بقیه در صفحه ۲

### در صفحات دیگر

- \* نوطه‌ای دیگر علیه کارگران!
- \* مبارزه کارگران کفرلی ولپهرا لیس مجاهدین!
- \* "مجاهد" مجاهدین را گمراه میکند!
- \* سکوت معنی دار "کار"!
- \* متن پاسخ کتبی جنبش مستقل کارگری به ستوالانها

### سرمقاله

#### سازمانهای سیاسی ما را تحریم کرده‌اند! کارگران به میدان بیایید!

در سرمقاله شماره ۷ گزارش ما را خواندید. در این گزارش به اطلاع شما رساندیم که ما برای تعیین تکلیف خود و پایان دادن به سکوت سازمانهای "کمونیستی" نامی رسمی به سازمانهای کومله، بیکار، چریک‌های فدائوسی خلق (اقلیت)، رزمندگان، نبرد، وحدت انقلابی، وحدت کمونیستی و راه کارگر نوشتیم و از آنان تقاضا کردیم که تا موعدی مشخص (۲۵ فروردین) پاسخ نامه رسمی ما را بدهند.

از میان آنها سازمان بیکار کتبا قول داده بود که پاسخ ما را در اولین فرصت بدهد که هنوز چنین فرصتی پیدا نکرده است. سکوت سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومله) را نیز هنوز می‌توانیم به حساب بعد مسافرت و شرایط ویژه بگذاریم. بهر حال امروز به دنبال همان گزارش و باکمال تأسف به اطلاع همه شما می‌رسانیم که نامه‌های رسمی ما نیز بی‌جواب ماندند و سکوت همچنان ادامه یافت!

اگر متن سوالات ما را خوانده باشید با حق می‌دهید که بگوئیم این سکوت دیگر تحریم است. سوالات ما را هر کسی که ذره‌ای از علم مبارزه بوبرده باشد می‌تواند به آسانی پاسخ دهد. یک سوال ما این بود.

بقیه در صفحه ۲

پیش بسوی "اتحاد کارگری علیه بیکاری"!

**اول ماه مهر و جهانی ۰۰۰ بقیه از صفحه ۱**

جمهوری اسلامی، این حکومت ضد کارگر حتی اول ماه مه را بمنوان تعطیل رسمی هم برسمیت نمی‌شناسد!

جمهوری اسلامی، هم اکنون بسا صدور حکم اخراج کارگران خارجی در صدد تفرقه افکندن در صفوف کارگران است. جمهوری اسلامی از هر جمله‌ای در جهت تحمیل کارگران ایران استفاده کرده و از هیچ شیوه سرکوبگرانه ای علیه کارگران فرو گذار نکرده است و نمی‌کند.

جمهوری اسلامی در پاسخ به اعتصاب کارگران تانک هایش را گسیل می‌کند و در جواب به خواست‌های برحق آنان جلادان مزدوران جانی اش را ...

جمهوری اسلامی با بی شرمی تمام خانه‌های زحمتکشان را بر سرشان خراب می‌کند و حتی در گردنشان نشان داده است که از مبارزان شهرها و دهات نیز راهم‌ای ندارد.

هر جا که کارگران اراده کرده‌اند جمهوری اسلامی برای درهم کوبیدن این اراده بجنگشان رفته است.

هر جا که کارگران دست اتحاد بهم داده‌اند جمهوری اسلامی کوشیده است تا متفرقشان کند.

هر جا که کارگر آگاه و مبارزی بوده است جمهوری اسلامی نیز گلوله فرزندان‌ش را حاضر کرده است.

پس اسامال باید مضم‌تر از گذشته در بزرگداشت روز جهانی کارگر بکوشیم.

**کارگران!**

بزرگداشت روز جهانی کارگر به معنای جمع آوری سیاه می‌لشکر و کشاندن جمعیتی چند هزار نفر به خیابان‌ها نیست. مسابقات فوتبال بهتر از هر چیز دیگر می‌توانند چنین جمعیتی را گرد آورند.

اول ماه مه روز نمایش اتحاد، روز نمایش اراده انقلابی، روز نمایش همبستگی جهانی، روز نمایش آگاهی، روز نمایش استقلال طبقه کارگر است. اول ماه مه را همانگونه که باید باشد برگزار کنیم.

آن مراسمی که در روز جهانی کارگر در ایران

نفرت طبقه کارگر ایران را از جمهوری اسلامی به نمایش نمی‌گذارد ...

عزم راسخ طبقه کارگر ایران را به انهدام موانع رشد آگاهی و همبستگی، نشان نمی‌دهد ...

شور و اشتیاق طبقه کارگر ایران به همبستگی با پرولتاریای جهانی بمنظور در هم کوفتن نظام جهانی سرمایه‌داری را عیان نمی‌سازد ...

ضرورت استقلال صف کارگران را از همه اقتدار و طبقات دیگر، نشان نمی‌دهد ...

ضرورت کسب قدرت سیاسی توسط کارگران را قوی بساد نمی‌زند ...

مراسمی است که دشمنان ما به مناسب اول ماه مه برگزار کرده‌اند و شرکت ما کارگران در چنین آکسیون‌هایی تنها می‌تواند بیانگر ضعف و عدم

آگاهی طبقه کارگر باشد.

اگر کارگری آگاه، در اول ماه مه برای پنجاه یا صد نفر برای دوستان خود، در باره منافع مستقل و تاریخی کارگران سخنرانی کند، این اوست که اول ماه مه را برگزار کرده است ...

اگر کارگری در این روز منادی اتحاد و همبستگی واقعی کارگران در مبارزه بخاطر دستیافتن به اهداف روشن و واقعی طبقه بشود، این اوست که اشتیاق کارگران را به همبستگی نشان داده و مردم بزرگداشت اول ماه مه را برگزار کرده است نه آن چند هزار نفری که به خیابان رفته است تا در ضمن شنیدن خطبه خطیبان عوام‌فروپ، به آتش زدن و دار زدن هرومک‌های پنبه‌ای و بادکنکی رنگان چشم بدوزد ...

کارگران! روز جهانی کارگر را هر چه با شکرتر و هر چه مضم‌تر برگزار کنید!

**مقاله پانزدهم ۰۰۰ بقیه از صفحه ۱**

آب‌بیکاری را یکی از مسائل مبرم کارگران و زحمت کشان ایران می‌دانید؟  
و سؤال دیگر ما ...

آیا بنظر شما کارگران نباید برای غلظی از صوازی فلاتکتیاری بیکاری مبارزه ویژه‌ای راه پیش‌برند؟  
سکوت در مقابل چنین سوالاتی، چه معنی می‌دهد؟ آیا برای پاسخ دادن به این سوالات باید کنگره تشکیل شود یا دراختیارات رهبری تجدید نظر بعمل آید؟  
ما حتی در نامه رسمی خود گفته بودیم که اگر به هر علتی نمی‌توانید تا موعده مقرر پاسخ این سوالات را بدهید، لافل همین‌را، با تاریخ ارائه جواب‌را، بما و به کارگران بگوئید ...

هرچه کردیم تا شاید بهانه‌ای برای توجیه این سکوت سازمانهای "کمونیستی" بیابیم، نتوانستیم. در تماس‌های حضوری با این رفقا هرچاکه توانستیم، اصرار کردیم. حتی به سازمان وحدت کمونیستی نامه‌ای دیگر نوشتیم، اما سکوت همه آنان تا امروز ادامه یافته است.

شاید مارا کوچکتر از آن دانسته‌اند که پاسخی بسا بدهند... شاید از ما خوششان نمی‌آید و فکر می‌کنند همبسته سازمانهای معتبری چون آنان اسم ما را به زبان بیاورند، خود به‌خود به اعتبار ما افزوده‌اند! ... شاید به آنها برغورده است که چرا یک "کمیته" جرات کرده است از یک "سازمان" سوال کند و مهلت هم برای پاسخ قرار دهد! ... شاید می‌خواهند به موضع ما بیایند اما نمی‌خواهند نشان دهند که ما هم در این حرکت نقشی داشته‌ایم ... شاید فکر می‌کنند که این یک خرده‌کاری است که جواب کمیته‌ای را بدهند که "نبروشی" نیست!! ... شاید نخواستند که خودشان را "سبک" کنند!! ... بهانه هرچه باشد، تا آنجا که به ما مربوط است، این سازمانها پاسخی به ما نداده‌اند.

اما اگر پاسخ ندادن به سوالات معین یک کمیته معنی قطعی و دقیقی نداشته باشد، ساکت ماندن در مقابل مجموعه آنچه ما می‌کنیم و می‌گوییم آنچه که دشمنان ما می‌گویند و می‌کنند معنی کاملاً مشخصی دارد. ما از کارگران

**بقیه مقاله از صفحه قبل**

دعوت کرده ایم که به کاریابی بیایند ... سکوت یک سازمان کمونیستی یعنی "هواداران ، شما نبودید." ما به کارگران گفته ایم که ما را در پیش و تویز بیع نشریه "علیه بیکاری" کمک کنند ... سکوت یک سازمان کمونیستی یعنی "هواداران ، شما نکنید." ما به کارگران گفته ایم که در محل زیست و مبارزه خود مبلغ اتحاد کارگری علیه بیکاری باشند ... سکوت یک سازمان کمونیستی یعنی "هواداران ، شما نباشید." دوستان ما در کاریابی مجبورند با جاسوسان و پاسبانان اران گلوپز شوند و در این کار نیاز به همکاری و پشتیبانی کارگران دارند ... سکوت یک سازمان کمونیستی یعنی "هواداران تنها یگان بگذارید." فروشندگان نشریه "علیه بیکاری" هر روز کتک میخورند ، ناسزا می شنوند ، مسرود ، تهاجم فالتیژها و حزب الهیها و اراذل و اوباش واقع می شوند ، دستگیر می شوند و همیشه از مردم استمداد می کنند ... سکوت یک سازمان کمونیستی یعنی " هواداران ، شما دخالت نکنید."

ما از کارگران خواسته ایم تا یکمک ما بیایند و گفتیم که بدون کمک آنان کاری از پیش نخواهیم برد بیایند تا با هم بسوی ایجاد اتحاد کارگری علیه بیکاری گام برداریم ... سکوت یک سازمان کمونیستی یعنی "هواداران ، کمک نکنید ، بگذارید تنها بروند ، تقویتشان نکنید." و کسی که از وجود و قدرت دشمن آگاه باشد می داند که "تقویتش نکنید یعنی بگذارید متلش کنند!" آری سازمانها در بازنگردند ، قلم بر کاغذ نگذاشتند ، پاسخ رسمی ندادند ، اما پیام خود را به مغز ما فرو کردند ...

ما دیروز با اطمینان می گفتیم که اگر حمایت سازمان های "کمونیستی" را برای مبارزه در جهت ایجاد اتحاد کارگری علیه بیکاری جلب کنیم ، به پایان راه خود نزدیک شده ایم و امروز از آنجا که تئوریهایمان را با پراتیک معک میزنیم ، با اطمینانی بیشتر اعلام می کنیم که: برای کمیته ایجاد هیچ امیدی به حمایت آن دسته از سازمان های "کمونیستی" که همچنان سکوت کرده اند باقی نمانده است .

بر هیچ کس اهداف کمیته ایجاد پوئیده نیست . هر کس که نشریه ما را خوانده باشد می داند که ما بارها و بارها تا کفید کرده ایم که "اتحاد کارگری علیه بیکاری" سازمانی نبوده ای است که با قدرت کارگران ایجاد می شود و بسا نیروی آنان با برجا خواهد ماند . و گفته ایم که بسیج کردن کارگران برای چنین منظوری ، خود احتیاج به نیرو و سازماندهی دارد . این کاری است که کمیته ایجاد امیدوار بود بتواند با کمک و همکاری سازمانهای کمونیستی دیگر با انجام رساند ، حال که ما را تحریم کرده اند ، این وظیفه بیش از پیش بر عهده خود ما قرار خواهد گرفت . ما باید بگوئیم تا با همین امکانات موجود سوده کارگران را بسیج کنیم و فراخوانیم . پس لازمست که دستمان را مستقیما بسوی کارگران - آگاهترین و پیشروترین کارگران - دراز کنیم و از آنان یاری بطلبیم . ما از آنان

میخواهیم که به دعوت ما پاسخ مثبت دهند. از آنان میخواهیم که وظائف معینی را بعهده بگیرند. اما قبل از پرداختن به این موضوع لازمست که نکته مهمی را تذکر دهیم.

**کارگران پیشرو و آگاه کجا هستند؟**

ما کماکان معتقد هستیم که پیشروترین و آگاهترین کارگران ، همان هائی هستند که در "سازمانهای کمونیستی" متشکل شده اند. کارگری که ضرورت پیروی از اصول کمونیسم و متشکل در سازمانهای کمونیستی را دریافته باشد ، یک سرو کردن از دیگران بالاترست . اگر ما در بدو امر می توانستیم موافقت سازمانهای کمونیستی را به منظور اتحادی اصولی جلب نماییم در عین حال موفق شده بودیم که آگاهترین و پیشروترین کارگران را برای ایجاد اتحاد کارگری علیه بیکاری بسیج کنیم . پس هیچکس نباید تصور کند که سکوت "سازمان های کمونیستی" تاکتیکهای کمیته ایجاد را زیر و رو کرده و همه نقشه هایش را بهم ریخته است .

ما هنوز در پی جلب حمایت کارگران آگاه و پیشرو هستیم . دیروز رهبری سازمانهای آنان را مخاطب قرار می دادیم و امروز خودشان را . دیروز غیر مستقیم و امروز مستقیم . شاید امروز بدلائلی بتوانیم ادعا کنیم که این سازمان "کمونیستی" (۱) منافع کارگران را نمایندگی نمی کند . اما هنوز نمی توانیم پیشرو بودن و آگاه بودن کارگران متشکل در همان "سازمان ها" را به زهر سوال بکشیم و البته ما نیز چنین کاری نکرده ایم .

آگاه بودن و پیشرو بودن امری نسبی است . اگر جنبش کمونیستی در بالاترین سطوح شعور مادیت یافته خود هنوز در چنگال انحرافات اسیر باشد باید پذیرفت که آگاهترین و پیشروترین کارگران نیز در ایران هنوز بر انحرافات چیره نشده اند . راه تصحیح انحرافات جنبش کمونیستی تخطئه کردن "سازمان ها" نیست . برای تصحیح انحرافات باید مبارزه کرد و این مبارزه نیز تنها می تواند مبارزه ای متشکل و از طریق جنبش سازمان هائی باشد .

کارگری که نتوانسته است درک کند که سازمانش از اصول کمونیسم منحرف شده است اما از سانترالیم و قوانین و مقررات سازمانش ، که "سازمانی کمونیستی" است بسا دل و جان تبعیت می کند ، از کارگری که انحرافات را درک کرده اما روزگارش را به بدگوشی و تخطئه کردن و بی اعتبار ساختن سازمانهای کمونیستی میگذراند ، آگاه تر است . پیشرو تر است ، و حتی باید گفت کمونیست تر است .

از سوی دیگر سازمانی که مبتنی بر اصول سانترالیم دمکراتیک برای اهداف کارگران مبارزه می کند ، از سازمانی که به افراد حق اظهار نظر و پیشبرد مبارزه عقیدتی (ایدئولوژیک) را نمی دهد ، اما آرم داس و چکش را در هر نشریه اش بجا می رساند ، پرولتری تر است . نظفه یک سازمان کارگری و واقعا کمونیستی تنها در اولی باور خواهد شد . کارگران منفردی که کار سازمانی را به بهانه منحرف بودن سازمان ها تخطئه می کنند و این تخطئه کردن را تبلیغ می کنند ، هر چند هم که کتاب و رساله کمونیستی خوانده باشند ، در واقع امر دشمنان کمونیسم و سده راه

**بیا! کارگر! امید خلق ایران! رهبر زحمتگشان!**

سیاسی، با طرفداری از یک هنرپیشه سینما با طرفداری از یک قهرمان کشتی فرق دارد. کارگری که ادعا می‌کند طرفدار اتحاد کارگران علیه بیکاری است لکن هیچ قدمی در راه تحقیق این هدف بر نمی‌دارد، در ادعای خود نیز صادق نیست.

ما از همه شما که با ما هم نظر هستید می‌خواهیم که فعلا نه در جهت اتحاد کارگران شاغل و بیکار بر علیه بیکاری بکوشید. اگر پلانفرم ما را قبول دارید اما تاکتیک‌های ما را صحیح نمی‌دانید، از یک سو با هر تاکتیک که خود درست تشخیص می‌دهید مبارزه را در جهت اتحاد کارگران به پیش برید و از سوی دیگر تلاش کنید تا تاکتیک‌های ما را نیز صحیح نشانید و اگر بر تاکتیک‌های کمیته ایجاد معمه می‌گذارید موظف هستید که در پیشبرد آنها فعلا نه و مسولانه بکوشید.

ما از همه هسته‌های کارگری در کارخانه‌ها و محلات و از همه تشکلهای دیگر کارگران و از تک‌تک آنان که پلانفرم کمیته ایجاد و حرکات مادر کمیته ایجاد را صحیح می‌دانند می‌خواهیم که علینا از ما حمایت کنند. هر هسته و تشکل کارگری نیز باید به سوالات مشخص ما که در برابر سازمانهای سیاسی با سکوت مواجه شد علینا پاسخ دهد و در محیط مبارزه و زیست خود مبلغ اتحاد کارگری علیه بیکاری باشد.

هستند بسیاری از کارگران که هنوز نامی از کمیته ایجاد نشنیده‌اند لکن هسته شما، تشکل شما و خود شما را بتوان یک رهبر مبارزاتی پذیرفته‌اند. ما از شما می‌خواهیم که از این قابلیت خود در جهت پیشبرد اهداف کمیته ایجاد استفاده کنید. ما از شما می‌خواهیم که همه کارگوانی را که هوادار شما بنده را متوجه ضرورت پیوستن به مفسوف طرفداران و مبارزان اتحاد کارگری علیه بیکاری نشانید. این وظیفه خود را بهیچ وجه دست کم نگیرید.

امیدواریم بیانشه‌های اعلام پشتیبانی شما یکی پس از دیگری بدست کارگران برسند و همه آنان که در مبارزه علیه بیکاری خود را تنها یافته بودند به وجد آید و بسا روحیه‌ای قوی‌تر از گذشته کار خود را ادامه دهند.

امروز شناساندن نشریه "علیه بیکاری"، گسترده‌تر کردن برد تبلیغاتی آن، رساندن آن بدست کارگران و زحمت کشان و دفاع از ایده‌های آن وظیفه هر فرد انقلابی است که از موضع کارگران علیه بیکاری مبارزه می‌کند.

نشریه "علیه بیکاری" کارگران پیشرو و مبارز را مخاطب قرار می‌دهد. مخاطب قرار دادن توده کارگران و تبلیغ نقطه نظرات کارگری در نزد توده‌های وسیع تر کارگران بسا زبان خود آنان، وظیفه شما کارگران پیشرو و آگاه است که در کارخانه و محله با آن‌ها زندگی و مبارزه می‌کنید و به روحیات و خصوصیاتشان آشنا شوید. پس از امروز منتظر اعلامیه‌های فابریک و اعلامیه‌های محلی شما در تاشید، بسط و تبلیغ نظرات کمیته ایجاد خواهیم بود.

علاوه بر این از شما می‌خواهیم که نشریه ما را بدست کارگران دیگر برسانید. اگر "علیه بیکاری" را نشریه‌ای کارگری می‌دانید، خود شما موظفید که مانند سایر فروشندگان آن، آنرا بدست بگیرید بدیگران معرفی کنید و بفروشید.

اجازه دهید به همه کارگرانی که نشریه علیه بیکاری

بقیه در صفحه ۳

جنبش کارگری هستند. آنها از مبارزه می‌ترسند و سلاح را (تشکیلات را) بر زمین انداخته‌اند و خلع سلاح رابکارگران توصیه می‌کنند. آنها از کار بیکار طفره می‌روند و طفره رفتن را تبلیغ می‌کنند. آنها با کوبیدن ابزارهای مبارزه سیاسی در واقع نفس مبارزه سیاسی طبقه کارگر را تنفس می‌کنند. اینان بدانند که هیچ شباهتی بین آنان و کمیته ایجاد نیست. اینان بدانند که کمیته ایجاد با انحرافات این سازمان‌ها مبارزه می‌کند تا به سهم خود این سازمان‌ها را به سمت کمونیسم، با انزوا سوق دهد. این هیچ شباهتی با گرایشات "فد تشکیلاتی" آنان ندارد.

ما در این کمکش چیزی نمی‌خواهیم مگر اینکه آن سازمان‌هایی که ادعا می‌کنند کمونیست اند و اما کمونیست نباشند، با ادما ننگند با باشند. و از کارگران - از پیشرو ترین و آگاه ترین کارگران نیز که در این سازمان‌ها مشغول شده‌اند، می‌خواهیم که چنین کنند.

درخواست از کارگران و رفقای هوادار "کمیته ایجاد" متشکل در سازمانهای کمونیستی

رفقا! ما مستقیما از تک‌تک شما می‌خواهیم که با رعایت کامل اصول و مقررات سازمانی خود کتباً سوال زیر را از سازمان متبوعتان بپرسید. به ارگان‌های مسئول بنویسید:

"اگر من تضمین کنم که به انجام وظایف سازمانی که بمن سپرده شده است لطمه‌ای وارد نشود، آیا اجازه می‌دهید که به کمیته ایجاد اتحاد کارگری علیه بیکاری در پیشبرد مبارزه‌اش کمک کنم؟"

مربحا پاسخ به این سوال را از سازمان بخواهید. پاسخ آنان بهر حال یکی از صورت‌های زیر را خواهد داشت... اگر پاسخ مثبت بود. در این صورت از سازمان رسماً بخواهید که توضیح دهد که اگر باری رساندن به کمیته ایجاد صحیح است، چرا در سطح علنی این اجازه رابه هواداران خود نمی‌دهد؟

اگر پاسخ منفی بود. در این صورت بپرسید که چرا در صورت غلب بودن بر آنیک کمیته ایجاد، سازمان علنا کمیته ایجاد را از آنج می‌کند سرختر نمی‌دارد و از اعمال آنها مانع به عمل نمی‌آورد؟

اگر پاسخ سکوت بود بکوشید تا معلوم کنید که علت این سکوت چیست. در این کار با هم به کمیته ایجاد باری رسانده‌اید.

اگر تصمیم گیری را بخودتان محول کردند، لیبرالیم را در سازمان به نقد بکشید و اگر درحاکمی که خود سکوت کرده‌اند، بمناسبت هواداری از کمیته ایجاد تو بیخستان کردند، اختناق و انسورا...

رفقای کمونیست! به تاخیر انداختن مبارزه علیه اپورتونیسیم به هر بهانه‌ای، خود چیزی جز اپورتونیسیم نیست. بهوش باشید تا لحظه‌ای منافع تاریخی طبقه رابه فراموشی نسپارید.

کارگران هوادار اتحاد کارگری علیه بیکاری!

هواداری از یک هدف سیاسی و طرفداری از یک نیروی

بیکاری میلیونی، حربه سرمایه‌دار، علیه زحمتکشان!

# توطئه‌های دیگر علیه کارگران

اخراج کارگران خارجی - توطئه‌های دیگر علیه

اتحاد و مبارزه کارگران

این اولین بار نیست که وزارت کار جمهوری اسلامی تصمیم علیه کارگران می‌گیرد. در واقع باید گفت این وزارتخانه هم ارگانی برای سرکوب کارگران و در خدمت تدوین بخشیدن به حاکمیت سرمایه است.

ما در اولین سرمقاله "علیه بیکاری" با معنی کردن قول صحابی گفتیم که بیکاری کارگران تا آنجا که به عاملی در جهت مبارزه متحدانه کارگران بدل نشود، در شرایط بحرانی اقتصادی بنفع سرمایه‌داران است. و گفتیم که مسئله بیکاری برای رژیم جمهوری اسلامی در واقع مسئله جنبش و مبارزه بیکاران است و آنزمان که رژیم بتواند گریبان سرمایه را از چنگ مبارزه کارگران و زحمتکشان علیه بیکاری برهاند، وظیفه خود را در قبال مشکل بیکاری تمام شده خواهد دانست.

سعی ما بر این بود تا این حقیقت را به همه خوانندگان گمان بهمانیم تا بالاخره آقای رجائی نخست وزیر مکتبی خود با صراحتی باور نکردنی، این بار را از دوش ما برداشت و گفت "تا بیکاران به خیابان نریخته‌اند باید فکری کرد". امی - بپند که بیکاران اگر از گرسنگی بمیرند و در خفا زوزه بکشند اما به خیابان نپایند مشکل برای آقای رجائی و دولت‌ش حساب نمی‌آید.

تصمیم جدید وزارت کار نیز در اخراج کارگران خارجی که ظاهراً به نفع کارگران ایرانی جا زده می‌شود پیرو همین سیاست است. در جهت ممانعت از آمدن بیکاران به خیابان و در واقع جلوگیری از مبارزه آنان علیه بیکاری و نه حل مشکل گرسنگی و بیماری میلیونها بیکار!

بارها و بارها گفته‌ایم که شرط بیرون آمدن و جان به سلامت بردن بیروزمیزی از بحران، تحمیل فقر و فلاکت بیشتر به کارگران و زحمتکشان و تشدید استثمار آنان است. چنانکه می‌دانید بیکاری وسیع و چلپوشی کارگران سرمایه‌داران نعمتی است تا به این هدف، شوم خود دست یابند.

هر روز شاهدیم که عده‌ای از کارگران شافل، به دلایل مختلف از کار اخراج می‌شوند و جای آنان را کارگران جدید بر می‌کنند. این همان روندی است که در طی آن دانش کارگرانی که شرایط سخت‌تر را به جهت گرسنگی مفروضه نابسامان اقتصادی پذیرا می‌شوند، بجای آن کارگرانی قرار می‌گیرند که در مقابل این بیورش وسیع به سطح معیشت شان عاقبت می‌ورزند.

این روند - اگر کارگران از پیشروی این جلوگیری نکنند - به طرز خود بخودی بدون اینک هیچ نقشه‌ای در کار باشد

در اسفند ماه سال گذشته یعنی یک ماه پیش وزارت کار و امور اجتماعی کارمندان را اخطار کرد که کارگران خارجی را اخراج کنند و به جای آنان کارگران ایرانی را استخدام نمایند. به متن اخطار وزارت کار که در روزنامه میزان در تاریخ ۱۲/۱/۸۶ صفحه دوم به چاپ رسیده توجه کنید.

## وزارت کار و امور اجتماعی اخطار کرد

سرویس شهر - سخنگوی وزارت کار و امور اجتماعی به خبرنگار شهری میزان گفت: با توجه به وضع بیکاری موجود در جامعه و لزوم اشتغال کارگران ایرانی به کلیه کارفرمایان سازمانهای دولتی و خصوصی اخطار میشود که استفاده از خدمات کارگران خارجی غیر مجاز ۶۱ روز تا یک سال و جزای میباید مقتضی است هر چه رودتر به کار این قبیل حاشه سد

در یکی دو هفته اخیر، باز هم وزارت کار اخطار خود را تکرار کرده است و نشان داده است که قصد دارد تهدیدهای خود را به اجرا درآورد.

ما در گذشته نیز با خواست اخراج کارگران خارجی مواجه شده بودیم. روزنامه "بیکاران" در شماره اول خود مصوبات نشست سراسری کانونها و شوراها بیکاران را منتشر کرده بود و این خواست بعنوان یکی از مطالبات این نشست اعلام شده بود.

چه اتفاقی افتاده است؟ همیشه تجربه "بیکاران" به وزارت کار راه یافته یا وزارت کار ب فکر کارگران افتاده است؟ حماقت است اگر تصور کنیم حکم جدید وزارت کار حکمی است در جهت منافع کارگران. همانطور که قبلاً گفته بودیم اراجیف نشریه "بیکاران" تنها به درد ضد انقلاب برای سرکوب کارگران می‌خورد و بی جهت نیست که امروز این چنین توافقی بین اخطار وزارت سرمایه و مصوبه شورای بیکاران به چشم می‌خورد.

کارگری که با شنیدن خبر اخراج اجباری کارگزاران خارجی خوشحال شود و تصور کند که این اقدام وزارت کار گرهی از مشکل بیکاری کارگران حل خواهد کرد کارگر به حساب خود و نا آگاهی است که نه از علت بیکاری خود سر در می‌آورد و نه از طرق حل آن. و باید بگویم که نشریاتش چون "بیکاران" یکی از عوامل گمراهی و فریب خوردگی او محسوب می‌شوند.

برقرار باد جمهوری انقلابی - دموکراتیک کارگران و زحمتکشان ایران!

زنده باد سوسیالیسم!

با ادا خود، سرمایه داران را در راه حل بحران اقتصاد - دی به پیش خواهد برد و درآمد کل طبقه کارگر را دافعا کاهش خواهد داد.

نکته‌ای که باید به آن توجه کنید این است که این جابجایی بی‌دری کارگران بیگار و شافل اثرات مغرب دیگری نیز به همراه دارند. یعنی حتی اگر فرض کنیم که این جابجایی دائمی به کاهش درآمد کل طبقه هم منجر نشود باز هم به زبان کارگران خواهد بود، چرا که وضع همیشه و درآمد طبقه کارگر کلا از طریق مبارزه تعیین می‌شود و این جابجایی‌های بی‌دری به اتحاد و مبارزه کارگران در همه سطوح لطمه می‌زند.

اولا در حالیکه حجم بیگاری هیچ تغییری نکرده است بیگاران و اتحاد آنها در اینها رفتن کار باقی خواهند ماند و از طریق فردی تلاش در جهت زنده ماندن خواهند کرد و حاصل چیزی جز تشدید رقابت در بین کارگران و تضعیف اتحاد آنان نخواهد بود. و از سوی دیگر حل بنیادی مسئله بیگاری و مبارزه عمومی کارگران در مقابله با آن بخطر خواهد افتاد.

ثانیا با تغییر و تبدیل دائمی مکان مبارزاتی کارگران تلاش آنان در جهت بوجود آوردن تشکلهای مبارزاتی که نیاز به کار پیگیر دارند دچار اغلال خواهد شد. رهبران کارگران در هیچ عرصه‌ای فرصت کافی برای سازماندهی و مقابله با کارگران فرصت کافی برای شناخت رهبران واقعی خود را نخواهند داشت.

با رشد آگاهی و اتحاد در بین کارگران و مقاومت آنان در مقابل اخراجهای همکارانشان افزایش پیدا کرده است و دیگر سرمایه داران و حکومت حامی آنان دریافتند که اخراج کارگران از کارخانه کار ساده‌ای نیست. آنها شاهد بودند که کارگران نه تنها از اخراج همکاران خود با اتحاد مقاومت کرده‌اند بلکه گاهی همکاران و جیره‌خواران آنان راهم از کارخانه بیرون انداخته‌اند. اعتماهایی نظیر اعتصاب کارگران ایران نامیونال خود کافی است تا سرمایه داران بفهمند که دیگر زمانی که کارگر را به آسانی می‌فروختند و متفرق می‌کردند بسر آمده‌است.

در چنین شرایطی است که ناگهان وزارتکار، که وظیفه حل مشکل بیگاری را دارد یعنی وظیفه دارد که از آمدن کارگران بیگار به خیابان مانع کند، بهیاد کارگران خارجی می‌افتد. او حکم اخراج تمام کارگران خارجی را صادر میکند تا با اشتغال بخشی از کارگران که میروند تا با اتحاد و تشکل خود لوزه بر اندام جمهوری اسلامی بپندازند و در صفوفشان تفرقه بیاندازد.

وزارت کار امیدوار است که کارگران در مقابل اخراج کارگران خارجی از خود مقاومتی نشان ندهند!

وزارت کار امیدوار است که بتواند با تبلیغات مسموم کننده‌اش که گویا کارگران خارجی جای برادران و خواهران کارگر ایرانی را گرفته‌اند، در آن کارگاههایی که کارگران خارجی مشغول بکار هستند بین کارگران ایرانی و خارجی درگیری بوجود بیاورد!

وزارت کار که خود روزگاری ترتیب ورود کارگران خارجی را، برای جلوگیری از افزایش دستمزدها، به بازار کار ایران داده بود، اینک می‌خواهد از ناآگاهی کارگران سو استفاده کند و رذیلت آنان را بار دیگر قربانی مقاصد پلید سرمایه گرداند.

فافل از اینکه کارگران ایران بیش از هر زمان دیگر آگاه و بیدار شده‌اند و کمونیسم راهنمای پیشروان آنان گشته است.

### اتحاد و مبارزه تهنه راه دستیابی

#### کارگران به اهدافشان

اگر فرب و تحقیق، تبلیغ گمراه کننده و تخدیر اعم از مذهبی و غیر مذهبی از سوی استثمارگران بکار برده نمیشد این اولین درسی می‌بود که هر کارگری به مجرد قرار گرفتن در مکان یک کارگری آموخت. طبقه کارگر ایران جوان و نو- پا است و قبل از شروع انقلاب علی‌رغم این جوانی خصوصی درک کرده بود که راه تحقق خواستهایش مبارزه و اتحاد است. آنطور که بعدا و با روی کار آمدن جمهوری اسلامی معلوم شد، کارگران مبارزه و اتحاد را به این جهت لازم تشخیص داده بودند که شاه را ظالم، ضد کارگر، دیکتاتور و سفاک می‌دانستند و تصور می‌کردند که با روی کار آمدن یک حاکم "عادل" ضرورت مبارزه برای تحقق خواستهایش خواهد رفت. فعالیت بعضی از انقلابیون در زمان شاه که در تبریز چهرگی با دیکتاتور" خلاصه می‌شد، خود بر این توهم کارگران دامن می‌زد.

با روی کار آمدن جمهوری اسلامی و قدرت یافتن خصنی سرعت کارگران از صحنه مبارزه عقب کشیدند و در حالی که مجبور بودند برای مطالباتشان مبارزه کنند را پایان یافته تصور کردند.

طولی نکشد که کارگران ایران فوج فوج به غلط بودن این توهمی بردند و بار دیگر برچم مبارزه را در دست گرفتند و فریاد زدند "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!" در طول این دو سه سال امواج توفنده انقلاب، که هر فردی را وای دارد که از لاک خود بیرون بیاید و به طبعه‌اش، به سرنوشتش، به جامعه و به آینده فکر کند، کارگران بیش از هر کس دیگر دریافتند که تنها با اتحاد و مبارزه می‌توان به اهداف خود رسید و جامعه را از یوغ بندگی رها ساخت.

باید گفت کسانی که هنوز چنین درسی آسانی را نیاموخته باشند، و برای حل مشکل بیگاری به اخراج کارگران دیگر دلخوش کرده باشند، کوبیدن تیرن افرازدند. با اینحال ما بار دیگر به همه آنها می‌گوییم که:

نظام سرمایه‌داری منشا تمامی مشقات و محرومیت‌های مادی و معنوی آنهاست. در این نظام اقلیت کوچکی از جامعه بخش اعظم و عمده وسایل تولید و مبادله را در مالکیت خود دارد و اکثریت محروم جامعه مجبور است که برای زنده ماندن به اسارت این اقلیت درآید. و کارگران بالاخص چاره‌ای جز این ندارند که به استثمار خفین و وحشیانه سرمایه‌داری تن در دهند و از فروش نیروی کار خود امرار معاش کنند.

این وضع ناپسند کارگران و زحمتکشان در جامعه سرمایه‌داری ربطی به عادل بودن و یا ظالم بودن حکام ندارد. این نظام است که این حقارت و پستی را دائما به آنان تحمیل می‌کند و حکومتی که بخواهد حافظ این نظام باشد، حتی در بهترین شکلش چیزی جز دیکتاتوری سرمایه نیست.

کارگران بدانند که هر حقی را باید با زور از حلقه‌موم

دشمنان طبقاتی اشان بیرون بکشند و بدانند که حتی کوچکترین اصلاحات در وضع آنان تنها می تواند حاصل مبارزات آنان باشد و بدانند که هرگونه اصلاحی در وضع آنان مادام که این نظام را واژگون نکنند بهبودی موقت، ناپایدار و محدود است. پس تحقق خواستهای کارگران، از کوچکترین و بیش پاینده ترین، تا بزرگترین و آرمانی ترین آنها، مشروط و منوط به مبارزه و اتحاد آنانست.

تنها کارگران خواهان فروپاشی و انهدام کامل نظام سرمایه داری هستند. زحمتکشان دیگر اگر چه برعلیه مصائب این نظام در امان مبارزه می کنند لکن هنوز امید ارتقا یافتن به موقعیت های بهتر را در چهارچوب همین نظام از دست نداده اند. کارگران در سراسر جهان امیر بیخ و سرمایه هستند و در سراسر جهان کمر به انهدام این نظام بسته اند.

پس کارگر ایرانی بدانند، این کارگران جهانند که پیغمبرترین و مطمئن ترین متحد او در مبارزه علیه این نظام محسوب می شوند.

امروز وزیر کار به حساب خود می خواهد کارگران " هموطنش!" را با بنده اشتغال بفروشد و آنان را از متحدین بیکسر خود جدا سازد!

ما زبان سرمایه داران ایرانی، زبان وزیر کار، زبان بنی صدر و رجائی، زبان هیئت تحریریه نشریه بیکاران را چون زبان مادری ماست می فهمیم. اما در واقع کارگران نپلیمینی، کارگران کوه ای، کارگران افغانی، کارگران عرب و ترک و بلوچ و کارگران سراسر جهان هموطنان و همزمان ما هستند.

اگر کسی باید از ایران اخراج شود و حق زندگی در ایران از او سلب گردد آن کس کارگر افغانی نیست بلکه سرمایه دار و استثمارگر ایرانی است. ای کارگر ایرانی!

بکروز به بهانه تعمیر به خانه یکی از سرمایه داران ایرانی در شمال شهر تهران برو و بکروز به خانه یک کارگر خارجی در جنوب شهر تهران برو از خود بپرس: بچه های تو به بچه های کدامیک شبیه ترند؟ اتاق و محل زندگی تو به مال کدامیک شبیه تر است؟ فذاهایی که می خوری به فذاهای کدامیک شبیه تر است؟

آداب و رسوم تو به آداب و رسوم کدامیک شبیه تر است؟ لباسهایت به لباس کدامیک شبیه تر است؟ دستبایست، دندانپایست، موی سرت ... به کدام - یک شبیه تر است؟

پس بدان که همان او هموطن توست! پس بدان که کارگران در هیچ جای جهان میهن ندارند. پس بدان که با چه کسی علیه چه کسی باید متحد شوی ... پس بدان که کارگر با هر رنجی، با هر زبانی، با هر مذهبی، با هر شناسنامه ای در هر کجای جهان که باشد اول یک کارگر است و هر کارگری قبل از هر چیز سراسر ارتش جهانی پرولتاریاست که باید به خدمت در ارتش

رهايي بخشش فرا خوانده شود .

### مادر مقابل اخراج کارگران خارجی

#### چه باید بکنیم؟

پاسخ این سوال از روز روشن تر است. برای ما کارگران، حکم اخراج کارگران خارجی، فرقی با حکم اخراج دیگر برادران و خواهرانمان ندارد.

اگر وزارت کار اجازه کار را از کارگران عرب خوزستانی سلب کرده بود چه می کردیم؟

اگر دستور داده بود که اشتغال زنان کارگر ممنوع است چه می کردیم؟

اگر دستور داده بود که کردها و لرها نباید در کارخانه ها کار کنند چه می کردیم؟

امروز هم همان کار را می کنیم: مقاومت! مبارزه! افشاکری! - متحد می شویم و دست پرقد رتمان را برگزینیم این خادمان سرمایه آنچنان می نشانیم که از شکر خسوردن خود پشیمان شوند!

اما از آنجا که این حمله زبانه، قصد ایجاد کردن تفرقه و درگیری در بین صفوف خودمان را دارد در شمال کارگران دیگر وظایف ویژه ای به عهده مان قرار می گیرد.

امروز همه کارگران وظیفه دارند از اخراج بی دلیل برادران و خواهران غیر ایرانی خود معانعت کنند. همه ما وظیفه داریم تا آن عده از کارگران را که این وظیفه خطیر خود را درک نمی کنند آگاه سازیم و به آنان با حوصله توضیح دهیم که افتادن در دام سرمایه داران و خواستار اخراج کارگران خارجی شدن چه لطافت سنگین و جبران ناپذیری به مبارزه و اتحاد کارگران خواهد زد.

باید به کارگران بگوئیم که نشستن در جای کارگران خارجی که بی هیچ دلیلی از حق زنده ماندن در ایران محروم شده اند چیزی جز فرصت طلایی نمی تواند باشد.

اگر بیکاری کمزبان را خرد کرده است چاره آن اتحاد و مبارزه است و ما راه مبارزه را نشانان داده ایم. کارگری که از مبارزه می هراسد و بزود لانه به جای حمله بردن به دشمن لفته نان کارگر دیگری را از دستش می رهايد، اگر ناآگاه و فریب خورده نباشد، فرصت طلب است، خائن است، جبهون و پست و فرومایه است!

کدام کارگر است که نداند که کارگران خارجی از فرط فقر و فلاکت و بیکاری، خانواده و شهر و دیارشان را ترک کرده اند تا این سر دنیا به زندگی پر مشقتشان ادامه دهند! ...

کدام کارگر است که نداند لفته نانی که شکم خانواده کارگران خارجی را سیر می کند بخش ناچیزی از حاصل کار خود آنان است!

کدام کارگر است که تصور می کند کارگران خارجی نان او را می خورند!! وای بر او که گوش قصد دارد تا ابد در جهل و نادانی بماند.

نباید اجازه دهیم که سرمایه داران و دولتشان با قربانی کردن بخشی از کارگران، کارگران دیگر را به سرکار

تصمیم گیری در مورد اخراج حق مسلم و جمع عمومی کارگران است!

بفرستند .

ما می گوئیم هزینه معاش کارگران بیگار از جیب سرمایه دار برداخت باید گردد .  
اگر کارگران بخواهند از فقری که بیگاری به آنان تحمیل می کند خلاصی یابند باید دولت و سرمایه داران را وادارند تا با به کارگران بیگار کار بدهد و یا بیمه بیگاری .  
برای دست یافتن به این منظور کارگران شاغل و بیگار باید متحد شوند و مبارزه انقلابی را به پیش برند . در این مبارزه کارگران خارجی نیز می توانند و باید شرکت داشته باشند .

در اولین حکومت کارگری جهان یعنی در کمون پاریس یک کارگر لهستانی که سهم بسیاری در رهبری و پیروزی کارگران داشت به وزارت رسید . بی شک کارگران خارجی نیز می توانند به همه در مبارزه علیه بیگاری و دیگر مصائب این نظام باری رسانند .

اما آنان که در کنار کارگران خارجی کار کرده اند ممکن است بر ما خرده بگیرند که ما واقعتاً را ندیده میگیریم . واقعتاً این است که کارگران خارجی معمولاً در صارتات کارگران شرکت نمی کنند ، آنها معمولاً حتی نقش اعتماد - شکنان را بازی کرده اند ! آنها بسیار دیرجوش هستند و به مراد به کارگران دیگر رفتی نشان نمی دهند . آری این يك واقعتاً است .

بی شک اگر مبارزات کارگران در کشورهای آنان پیشرفتتر و متعالی تر بود و وضع مادی و معنوی کارگران خوب بود هرگز آنها به ایران سفر نمی کردند . پس کارگران خارجی ستم ایران عموماً از نظر آگاهی طبقاتی عقب مانده اند . علت دیگری که به عقب ماندگی آنها كك می کند مشکلاتی از قبیل زبان و فرهنگ است که مانع جوشش آنان با سایر کارگران می شود و از طرف دیگر از آنجا که آنها کاملاً شناخته شده اند و هرگز حمایتی جدی از آنان به عمل نیامده است در مقابل حملات کارفرمایان و تهدیدات آنان به اخراج یا حتی لغو اوقات بسیار حساس و ضربه پذیر و تا حدودی محافظه کارند .

این درست است که آنها نسبت به طبقه کارگر انقلابی ایران عقب مانده اند ، اما مگر ما اجازه می دهیم که کارگران ایرانی عقب مانده و ناآگاه بی دلیل اخراج شوند که اجازه دهیم به این بهانه واهی حق زندگی از آن برادران و خود اهرانی که در کنار ما دوش بدوش ما کار کرده اند و جان کده اند و مبارزه خواهند کرد سلب شود ؟

پس اگر زبان همکاران خارجی تان را نمی فهمید و اگر تاکنون آنها نیز سعی نکرده اند که زبان شما را بفهمند امروز با زبان اتحاد به آنان حائلی کنید که آنان نیز سرنوشته و خواهران ما هستند . آنها نیز در مبارزه و در سرنوشته ما شریکند . در مقابل اخراج کارگران خارجی سینه سپر کنید تا آنان همگی بمغوف رزمنده ما بپیوندند . . . تا درمی از همستگی و اتحاد به همه کارگران داده باشید .  
بیا بید دست بدست هم بدیم و پرده از روی چهره گریه جمهوری اسلامی و توطئه شوم علیه کارگران که توطئه های علیه انقلاب ماست برداریم . در این راه کارگران خارجی نیز که اکنون می روند تا قربانی توطئه های جمهوری اسلامی

شوند بی شک در کنار ما خواهند بود .  
بهبوش باشید تا فریب دشمنان را نخورید و کارگران خارجی را از صف انقلابی کارگران بیرون نرانید .  
بهبوش باشید تا توطئه تفرقه افکنانه رژیم را به ضد خودش بدل کنیم و متحد تر ، مستحکم تر و پر قدرت و آگاه تر از گذشته راه خود را بسوی پیروزی نهائی ادامه دهیم .

## کارگران آگاه و انقلابی !

اینبار جمهوری اسلامی می خواهد از ناآگاهی توده های کارگر بر علیه آنان و بر علیه انقلاب سوء استفاده کند .  
اینبار می خواهد از احساسات ناسیونالیستی و شوونیستی کارگران که خود در چند ماه اخیر شدت به آنان تزریق کرده است بهره برداری کند .  
این با شصت که کارگران ایرانی را به منافع تاریخی و طبقاتیشان آگاه کنید .

این با شصت که مانع تفرقه در صفوف کارگران شهید .  
این با شصت که هر جا دعوائی بین کارفرمایان و کارگران خارجی بر سر اخراج در می گیرد ، کارگران دیگر را به طرفداری از کارگران خارجی و بر ضد کارفرمایان و وزارت کار بسوج کنید .

این با شصت که توطئه رژیمانه جمهوری اسلامی را افشا سازد و از این طریق در ارتقاء سطح آگاهی ، همستگی و اتحاد کارگران بکوشید .

نگه و نفرت بر جمهوری اسلامی ایران !  
زنده باد همستگی جهانی پرولتاریا !  
زنده باد سوسیالیسم !

تقی

## "علیه بیگاری" به کمک مالی شما نیازمند است

### کمکهای مالی دریافت شده

م. مبلغ - ۲۲ ۲۰۰ تومان  
م. ح. ۱۲۵ ( کارگر باغل ) ۱۰۰۰ تومان  
کمکهای مالی دیگری هم دریافت کرده ایم که بدلیل اینکه فاقد کدبیا نام بوده اند ذکر آنها را لازم نمی دانیم .

از دوستان و کمیته ها بجا دقتاً ما می کنیم و این پس کمکهای خود را با نام ما یک علامت مشخص برای ما ارسال دارند .

کارگر ! کارگر ! بر علیه بیگاری ، اتحادی مستحکم ، سازمانی رزمنده ، ایجاد باید کرد !



# مبارزه کارگران کفش ملی و لیبرال‌یسم مجاهدین

رفقا!

در مجاهد شماره ۱۱۳ گزارشی در ارتباط با مبارزات کارگران کارخانه کفش ملی و سرکوب آنها بوسیله رژیم وجود دارد که نمونه بارز حاکمیت مشی لیبرالی بر سازمان مجاهدین است. این گزارش بطرق مختلف سعی می‌کند که سرکوب کارگران و حتی عدم پرداخت سود ویژه به کارگران را گناه "حزب جمهوری قلمداد کند و جناح دیگر را از منحصه و از تیریر حمله کارگران مبارز ببرداند!

این گزارش پس از ذکر مقدمه‌ای درباره اتفاقات مسئله مورد اعتراض اینطور می‌نویسد:

"هیئت مدیره جدید کارخانجات کفش ملی که بخاطر وابستگی به حزب انحصارطلب حاکم بر کارخانه مسلط شده است، اخیراً با زد و بند های خاصی قرار بود فقط دو سه ماه دستمزدها بدون مزایا بعنوان سود ویژه و پاداش سالانه به هر یک از کارگران پرداخت نماید."

ببینید چگونه وابسته بودن هیئت مدیره به هر طرح می‌سازد تا سپس با بحثهای بی پایه دیگری چگونگی "زد و بند های خاص" و فیره خشم کارگران را از جناح دیگر رژیم و به عبارتی از کلیت آن متوجه حزبین کند! انگار که برای عدم پرداخت سود ویژه در شرایطی که مدتهاست رژیم لایحه مصوبه شورای انقلاب در ۲۳ تیر ۵۹ را هرروزه بر سر کارگران فرود می‌آورد و مخالفان آنرا "ضد انقلاب" می‌نامد، می‌بایستی "زد و بند های خاصی" انجام شود که اینگونه زد و بندها هم تنها از حزبین بر می‌آید و بنی صدر یون و لیبرالها هیچگاه دست به انجام چنین کارهایی نمی‌زنند! انگار دوستان مجاهد فراموش کرده‌اند که این آقای بنی صدر رئیس جمهور محبوب بود که بعنوان رئیس شورای انقلاب زیر لایحه لغو سود ویژه امضاء گذاشت که می‌نویسد "کارگران بعنوان اعتراض به مقابله با خود سرپیضا مدیریت ارتجاعی و تورجش می‌های وابسته به آن..."

دوستان مجاهد! کدام خود سرپیضا! دیگر این مسئله که این لایحه ضد کارگری با توافق کامل هر دو جناح و از قضا با امضای آقای بنی صدر به تصویب رسید، بر همه چون روز روشن است و با این وجود شما سعی می‌کنید این مسئله را بعنوان "خود سری"، "زد و بند" از طرف وابستگان حزب جلوه دهید؟ حتی یک سال هم از صدور این لایحه بوسیله شورای انقلاب و به ریاست ریاست جمهوری نمی‌گذرد و شما کاملاً فراموش کرده‌اید که در این مورد دو جناح هیئت حاکمه با هم نه تنها اختلافی نداشتند بلکه کاملاً هم‌نوا و یکدل بودند؟! فریادهای بنی صدر برای تولید بیشتر و دستمزد کمتر را فراموش کرده‌اید؟ یا اینکه مصلحت اینست که فراموش کنید!

دوستان! فریاد بنی صدر که می‌گفت: "شورا پسر ما مالیده به‌اید تولید کنی جانم" را فراموش کرده‌اید؟ یا اینکه هنوز زمان آن نرسیده که توده‌ها را، کارگران و زحمتکشان

تاکیدها همه جا از من است.

در ارتباط با برخورد "علیه بیکاری" به "مجاهد" و بحث پیرامون حاکمیت لیبرال‌یسم بر این سازمان، به‌خوبی بسیار روشنگرانه در "مجاهد ۱۱۳" در ارتباط با اعتصاب و اعتراضات اخیر کارخانه کفش ملی در رابطه با سود ویژه منتشر شده است. با وجود اینکه علیه بیکاری متذکر شده است که تنها به "مجاهد" و بیکاری برخورد خواهد کرد، ولی از آنرو که بهر حال این برخورد در ارتباط با مسئله حاد کارگری جاری یعنی مبارزه برای دریافت سود ویژه می‌باشد و نیز از آنرو که حاکمیت لیبرال‌یسم بر "مجاهد" و سعی آن در منحرف نمودن از همان کارگران در این گزارش بگونه‌ای برجسته مشهور است، لذا تصمیم گرفتیم که این گزارش را همراه با نقدی برای علیه بیکاری بنویسیم. فکر می‌کنم که افشاء آن بسیار مفید خواهد بود. حال هر جور که صلاح می‌دانید عمل کنید.

صفحه ۲۴

## تهاجم مسلحانه

### و پرتاب

### گاز اشک آور،

### پاسخ

## انحصارطلبان ان به خواسته های کارگران کفش ملی

کارگران با نزدیک شدن پایان سال مسالهی سود ویژه و پاداش سالانه به عنوان یکی از مهم ترین مشکلات کارگران در این سال، روز انبار و تزیینات، در تمام ایران و شهرستانها، روز ورود کارگران به صورت انبساطی و سرخوردگی در تمام نقاط، گروه صمیمی کفش ملی، حیوانات و جربانات، دستگیری را به دنبال دست مبارک و خرم اعتراض کارگران نیست، عدم حمایت و توجه به حق خود که همانا آزادی، دستگیری و آزادی است، بوداخت کامل بود، می‌باشد پای می‌فرستد. این اولین بار است که انحصارطلبان حاکم سعی کرده‌اند با زور اسلحه و سرکوب جواب خواستهای به حق زحمتکشان را بدهند. واقعه

شماره ۱۱۳

## تهاجم و گاز اشک آور به خواسته های کارگران کفش ملی

دوستان! اخیراً باز هم بنی صدر قرار بود فقط سود بدون مزایا به ویژه و پاداش هر یک از کارگران نماید. وی در که با نمایندگان خانه داشت اظهار برداشت سود ویژه قانونی است و من به توافق قبلی مان کارگران به عنوان قابل با خود سری های بیت ارتجاعی و ای وابسته به آن در دستهای کارخانجات تولیدات جلوگیری از سه شنبه ۱۳ اسفند کارگران کفش ملی و نظرات کارگران در دشت مدیره به تکلیف بود ویژه پای خود را در روی نمایندگان شورا در زج به اطلاع هیئت نمایند که انحصار طلبان به هیچ وجه نماینده نیست و آنها باید کارگران را که به هر طرح می‌نویسد.

# مرگ بر سرمایه داری! مرگ بر امپریالیسم! زنده باد پرولتاریای انقلابی!

بنیما از صفحه قبل

مبارزه کارگران کفش ملی و...

را در جریان کامل مسائل همانطور که هست، بگذارند چون اگر چنین کنید بقول "برادر مسعود" چپ روی خواهد بود؟ بالاخره کن آزمون فرا می رسد که شما به توده ها حقیقت را بگویند و به جای آنها تصمیم نگیرید که چقدر از وقایع را الان بهتر است بدانند، و چقدر را چند وقت دیگر؟ این نشانه "باز فرصت طلبی رهبران سازمان شما است. بخود آئید، وگرنه امواج عظیم انقلاب کارگران و زحمتکشان شما را با خود شسته و خواهد برد.

نکته جالب دیگر این است که "مجاهد" حتی دست به تحریف وقایع می زند تا به هدف خود یعنی تطهیر لایبرالها و کپییدن حزبین برسد، مثلا می گوید، خشم کارگران برآ نسبت به انحصار طلبان حاکم بر کارخانه برانگیخت بهینید که چگونه با ظرافت قلم! و چشم بستن بر نمی از وقایع سعی می شود که خشم کارگران را تنها متوجه حزبین سازد تا بتواند جناح دیگر را نجات دهد. منتهی دوستان! مطمئن باشید که کارگران مبارز کارخانه کفش ملی و کارگران مبارز دیگر کاملا به یکی بودن دست و دل هر دو جناح آنجا که سرکوب کارگران مطرح می شود و آنجا که پای منافع ضد کارگری و ضد انقلابی، بورژوازی مطرح است، آگاهند و این ظرافتتها قلم و ظرافت های نوع دیگر در نوشتن اینگونه مطالب آنان را فریب نخواهد داد!

برخورد گزارش به پاسدارها و حمله آنها به کارگران بسیار خواندنی است. در تمام گزارش صحبتی از پاسداران به میان نمی آید، تنها "در باره عناصر صلح" (آنها هم بیش از ۱۰۰ نفر مجبزه به ۳- و گاز اشک آور...!) و "شما هم مسلحانه ارتجاع" صحبت می شود. در پایان هم باز به صحرای کربلا می زند و چند فحش نثار حزبین میکند: "البته این اولین بار نیست که انحصار طلبان حاکم سعی کردند با زور و اسلحه و سرکوب جواب خواسته های بحق زحمتکشان را بدهند". و آنگاه نمونه هایی از این نوع سرکوب را ذکر می کند. ما در اینجا تنها برای یادآوری به دوستان مجاهد چند نمونه از سرکوب های ضد انقلابی که جناب بنی صدر، "مهندس صریح و صادق" و کلاً جناح لایبرالیون کاملا در آن شریک و با پیشقدم بودند را تنها نام می بریم: سرکوب و کشتار و خونریزی در کردستان (در زمان دولت موقت آغاز شد و این آخرین بار آقای بنی صدر بود که به ارتشیان فرمان داد تا "پاکسازی" کامل ضد انقلابی در کردستان چک های خود را از پای در نیاورند!) ترکمن صحرا (پادتان رفته که بنی صدر چگونه عنوان داشت که آن چهار رهبر خلق ترکمن باید به جای ترور اعدام می شدند!) سرکوب و کشتار دانشجویان انقلابی و کمونیست در دانشگاهها به بهانه انقلاب فرهنگی (پادتان رفته که صبح روز بعد از کشتار دانشجویان کمونیست در دانشگاه تهران، زمانی که هنوز خون این انقلابیون بر زمین خشک نشده بود، بنی صدر به دانشگاه آمد و گفت که باید به شما پاسداران تبریک بگویم که حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی



## ۱۸ فروردین دومین سالروز ترور

### رفیق کمونیست ناصر توفیقیان

#### گرامی باد!

دو سال پیش در اولین فروردین پس از قیام، در تظاهرات کارگران بیکار اصفهان، رفیق ناصر توفیقیان بوسیله گلوله های پاسداران نهن سرمایه ترور شد.

این از اولین هدیه های رژیم جمهوری اسلامی بفاصله کوتاهی پس از قیام و بفاصله چند روز پس از سرکوب خونین کردستان و ترکمن صحرا بود.

کارگران بیکار اصفهان در روز ۱۸ فروردین در اجتماع خود مورد یورش جنای بدستان و پاسداران قرار می گیرند. رفیق ناصر توفیقیان دانشجوی کمونیستی که مدتها کارگری می کرد و به علت فعالیت پرشور خود در میان کارگران از قبل شناسائی شده بود در این حمله آگاهانه بوسیله پاسداران ترور می شود. چندین نفر از کارگران دیگر نیز زخمی میشوند رفیقان ناصر، زندگش را با عشق به کمونیسم، با وفاداری به مبارزه برای رهایی کارگران از یوغ سرمایه، با فعالیت مستمر خود در راه متحقق ساختن آرمان انقلابی کارگران به پایان برد.

او با شرکت فعال در مبارزات کارگران، بخصوص کارگری ان بیکار بعنوان یک کارگر رزمنده، یک کمونیست انقلابی شناخته شده بود. ترور او بوسیله مزدوران رژیم با برانگیختن بیش از پیش تنفر کارگران نسبت به رژیم خود به زمینه ای برای تظاهرات گسترده کارگران اصفهان بدلگشت. کارگران!

اکنون دو سال پس از شهادت رفیق ناصر توفیقیان بپایید تا با یاد شور انقلابی و اراده استوار او پاسداران وفاداری به آرمان انقلابی او، وحدت خود را در تمامی عرصه های مبارزه مستحکم سازیم.

بپایید تا پرچم اتحادمان را با یاد ناصر، یاد تمامی شهیدان جنبش کارگری، برافرازم.

درد بر رفیق شهید ناصر توفیقیان!

زنده باد سوسیالیسم!

امروز تثبیت شد! و... در ضمن دوستان مجاهد فراموش نکنید که در طول این دو سال اخیر رئیس جمهور محبوب و "مهندس صادق" حتی بیکار هم در مقابل سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان و از آنجمله ترور کارگر بیکار ناصر توفیقیان در اصفهان، کارگران بیکار درود، بروجرد و ماهشهر و... حتی لب از لب باز نکردند، چه رسد به اعتراض!

م.آذر  
۰۹/۱۲/۲۹

کارگران شاغل! کارگران بیکار! اتحاد، اتحاد، بر علیه بیکاری!

## “مجاهد” مجاهدین را کمره میکند! (قسمت آخر)

جامعه بورژوازی، مولد بودن کارگران تنها از زاویه تولید ارزش انسانی و “سود” است که اهمیت دارد و معنی میدهد و نه جز آن. و اینکه بورژوازی نیز به پیوند تعابلی به عاقل نگه داشتن این “نیروی فولد” ندارد و تنها پائین آمدن نرخ سود و گذشتن اینباشت سرمایه است که مانع از استفاده از این نیروی مولد میشود و برای استفاده از آن و تولیدهای بیشتر تنها یک شرط کوچک من بایست فراهم شود: سرکوب انقلاب!

جالب اینجاست که توجه کنیم “مجاهد” که درست در سطر قبیل از این قسمت و در برخورد به علت اساسی بیکاری به پنهان راه بودن هر مسئله اقتصادی و اجتماعی به سیاست، ما را مقدمتا به “ماهیت و عملکردهای ارتجاعی و انحصارطلبانه” حواله کرده بود، اکنون و در برخورد به مسئله وابستگی ما را به “برنامه اقتصادی انقلابی و ضد امپریالیستی” و به “تولیدهای بیشتر برای نفع و وابستگی” دلالت میکند و بیکاری را از جهت مولد بودن کارگر بیکار و استفاده از این “نیروی مولد و پالنده” در جهت “تولیدهای بیشتر و نفع و وابستگی و استقلال اقتصادی” طرح میکند. براساسی چنین شیوه تحلیل و برخوردی را چه میتوان نام نهاد؟

از چنین زاویه برخوردی به مسئله بیکاری یعنی توجه بدان از زاویه تولید بیشتر و... کاملاً طبیعی است که از “مقاصد مسئول” حل مشکل بیکاری طلب شود و متعجبانه سؤال کرد که “آیا راه حل مشکلات انکار آنهاست؟”، چرا که براساسی هم مشکل بیکاری بنهضم “تولیدهای هرچه بیشتر” مشکل “مقامات مسئول” رژیم جمهوری اسلامی پشمار میورد.

با چنین دیدگاهی همچنین طبیعی است که “مجاهد” از کنار “خنگ” و تشدید بیکاری بوسیله آن و تشدید فقر و فلاکت میلیونها نفر در اثر آن بشناهد امری بی اهمیت که “سایه اش را روی همه مسائل از جمله بیکاری انداخته است” رد شود. و بالاخره با چنین دیدگاهی کاملاً طبیعی است که همچنانکه خواهیم دید “مجاهد” هیچ راه حل و هدیه هیچ پیشقدمان و رهنمود مشخصی برای کارگران و زحمتکشان بیکار و برای جلوگیری از فقر و فلاکت روزانه آنان نداشته باشد و آنان را برای “حل مشکلات” به تحقق “برنامه اقتصادی انقلابی و ضد امپریالیستی” خود و استفاده از “نیروی مولد و پالنده” شان در جهت “تولیدهای هرچه بیشتر و نفع و وابستگی اقتصادی” حواله دهد!

### “مجاهد” و مبارزه کارگران و زحمتکشان علیه بیکاری

لنین میگوید “دموکرات کسی است که به مردم ایمان دارد، به جنبش تودهها ایمان دارد” و “مجاهد” در برخورد به مشکل بیکاری کمترین نشانی از چنین دموکراتیسمی ندارد. ما قبلاً دیدیم که “مجاهد” به کارگران تنها از جنبه نیروی مولد بودن آنها نگاه میکند و در سطر سطر مقاله چیزی بیشتر از این و بجای این نمانده نمیشود. “مجاهد” نه تنها به تاثیر بیکاری بر مبارزه کارگران میگردد، اهمیتی برای

در شماره های قبل ما برخورد لیبرالی “مجاهد” به مشکل بیکاری را از زاویه برخورد های “مجاهد” به حاکمیت و جناحها مثنویت و عملکردهای آن مورد بررسی قرار داده و نشان دادیم که چگونه “مجاهد” در برخورد به جناح با اصلاح انحصارطلب و ارتجاعی حاکمیت تاغییر است، لیبرالها را در پوشش حملات پناه بر تند و تیز به مرتجعین و انحصارطلبان تطهیر و در مقابل کل حاکمیت بورژوازی کرفش می کند.

اکنون نوبت آنست که وجه دیگر و به تعبیری وجه مهمتر برخورد لیبرالی “مجاهد” یعنی چگونگی برخورد “مجاهد” به کارگران و زحمتکشان بیکار و مبارزات آنان را مورد توجه قرار دهیم چرا که بدون این بررسی، عمق لیبرالیسم حاکم “مجاهد” و رهبری مجاهدین غیرقابل درک می ماند.

### “مجاهد” از چه زاویه های به مسئله بیکاری برخورد میکند؟

برای بررسی چگونگی برخورد “مجاهد” به کارگران و زحمتکشان بیکار و مبارزات آنان، نخست لازمست اساساً به چگونگی برخورد “مجاهد” با مشکل بیکاری و زاویه های که “مجاهد” از آن به این مسئله برخورد میکند توجه کنیم. “مجاهد” می نویسد: “آنچه مسلم است مشکلات عصر انقلاب، راه حلها انقلابی طلب میکند. هرزرد بیکار یک نیروی انسانی و مولد است، بنابراین اگر ادا نمیشود که ما خواستار قنای و وابستگی و افزایش تولید هستیم تنها با اتکا به این نیروی پالنده و مولد و در چهارچوب یک برنامه اقتصادی انقلابی و ضد امپریالیستی است که میتوان به تولیدهای بیشتر و نفع و وابستگی و استقلال اقتصادی نایل شد.”

برای “مجاهد” بیکاری از جهت گرسنگی، بیماری، درددری، آوارگی و از جهت فقر و فلاکت روزانه و طاق نرسای میلیونها بیکار و خانواده هایشان مطرح و مهم نیست؛ برای “مجاهد” بیکاری از این جهت مطرح و مهم نیست که بورژوازی با اتکا آن و با استفاده از حربه اخراج و بستن کارخانجات، سرکوب مبارزات کارگران شاغل، رهبرگونه خواست حق طلبانه آنان و استثمار شدیدی و بیشتر کارگران را عملی میسازد!

برای “مجاهد” بیکاری از این زاویه اهمیتی ندارد که کارگران شاغل و بیکار را در مقابل یکدیگر قرار میدهد، صفوف کارگران را متفرق میسازد و به وحدت طبقاتی آنان آسیب می رساند و با پائین آوردن سطح معیشت کل طبقه کارگر، زمینه های اقتصادی حل بحران سرمایه داری را بنبغ بورژوازی و امپریالیسم فراهم می نماید.

برای “مجاهد”.....

آری! برای مجاهد هیچکدام اینها اهمیت ندارد، “مجاهد” از این زاویه به بیکاری برخورد میکند و آن را مورد توجه قرار میدهد که هر بورژوازی عاقل یا نادانی، “انحصار طلب” یا لیبرالی چنان میکند. “مجاهد” از زاویه “نیروی مولد بودن کارگر بیکار و عاقل و باطل مانند این” مولدیت “بدلیل بیکاری وسیع و میلیونی به بیکاری توجه میکند! در این میان “مجاهد” تنها این نکته “کوچک” را فراموش میکند که در

**حل قطعی و نهائی بیکاری، جز با برقراری سوسیالیسم امکان پذیر نیست!**

سرکوب مبارزات کارگران شاغل میشود، به تفرقه بین کارگران و ویژه به تفرقه بین کارگران شاغل و بیکار دامن میزنند و آنان را در مقابل یکدیگر قرار میدهند و به وحدت طبقاتی و مبارزه کل طبقه کارگر مدعیه وارد میسازد، کاری ندارد بلکه حتی به مبارزه کارگران و زحمتکشان علیه بیکاری، علیه اخراج و تصفیه، علیه بسته شدن کارخانجات و... مبارزه‌ای که از قبل از قیام آغاز شده بود و در طی دو ساله گذشته مداوماً و بشوهرهای گوناگون ادامه داشته نیز مطلقاً بی توجه است و این بی توجهی یکی از دلایلی است که به "مجاهد" اجازه نمیدهد سرکوب خشن و وحشیانه‌ای را که رژیم جمهوری اسلامی بر علیه کارگران و زحمتکشان بیکار و بر علیه جنبش مبارزه علیه بیکاری بکار برده است ببیند و انشا کند. برای "مجاهد" هیچ رابطه‌ای بین بیکاری و مبارزه کارگران و زحمتکشان بر علیه آن با مبارزه علیه کل نظام سرمایه‌داری تحت سلطه ایران و یا آنچنان که "مجاهد" دوست دارد مبارزه علیه وابستگی نیست؛ نه بیکاری به این مبارزه صدمه میزند و نه مبارزه علیه بیکاری به وحدت طبقاتی کارگران و به بالا رفتن توان طبقاتی آنان و در نتیجه به بالا رفتن توان مبارزه ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان یساری میسازد. به همین دلیل گاه ملاحظاتی است که مجاهد در بررسی راه‌حل‌های مشکل بیکاری نیز مطلقاً هیچ جانی برای این مبارزه قائل نشود و تا این معیشت کارگران و زحمتکشان بیکار و خانواده‌هایشان هیچ جانی در این مجموعه راه‌حل‌های "حمله جانی" پیدا نکند.

### راه‌حل‌های "مجاهد" برای "مشکل بیکاری"!

با چنان مقدّماتی "مجاهد" به راه‌حل‌های خود برای مشکل بیکاری می‌رسد. ما قبلاً گفتیم که "مجاهد" نمیتواند سرمایه‌داری و بحران آن را بنیادهای علت اصلی بیکاری بطور کلی و بیکاری وسیع و میلیونی کنونی درک کند و آن را برده‌موشی مینماید. چنین درکی طبیعی است که مبارزه علیه سرمایه‌داری در راه‌حل‌هایش برای بیکاری از تم بیافتد و در واقع راه‌حل‌های "مجاهد" جز این هم نیست.

سرتاسر راه‌حل‌های "مجاهد" را بررسی کنید، آن را در پارا و چند باره بخوانید، حتی کلمات هم از سرمایه‌داری و ضرورت مبارزه با آن و نابودی آن برای حل مسئله بیکاری نمی‌بایند؛ همچنین در این راه‌حل‌ها هیچ اثری از جابجایی بحران سرمایه‌داری ایران و چگونگی مبارزه با آن برای مقابله با بیکاری وسیع و میلیونی آئونی پیدا نمی‌کند. راه‌حل‌هایی که "مجاهد" ارائه میکند در بهترین حالتش برنامه ناقصی برای تعلق و واردات ایران از خارج و خودکفایی اقتصادی ایران بشمار می‌روند.

ما بهمانگونه که در ابتدای مقاله تذکر دادیم، چنین نقطه نظراتی را در "علیه بیکاری" مفضلاً نقد کرده و اثبات کرده‌ایم که این تصورات جزایر جام ایرانی و بنا بر این ارتجاعی جزوای متوسط ایران چیز دیگری نیست و آنجا که به بیکاری چگونگی برانداختن و مبارزه با آن مربوط میشود هنر آن در شرایط کنونی تنها آنست که از مبارزه کارگران و زحمتکشان بر علیه علت اصلی بیکاری جلوگیری و دست آن را منحرف گرداند. چنین نظراتی که وابستگی را علت العمل کلیه مصائب و مشکلات اجتماعی و از جمله بیکاری اعلام می‌نماید و علاوه بر این نفسی وابستگی نیز تولید بیشتر و خودکفایی اقتصادی را موعظه میکند

تنها به بورژوازی ایران نرست میدهد تا کارگران و زحمتکشان را به "مبارزات انقلابی" انزوتتر، به تحمل مصائب بیشتر، به قبول فقر و فلاکت شدیدتر و به کار و زحمت بیشتر برای بالا بردن تولید، ایجاد صنایع سنگین و مادر و بوجود آوردن خود-کفایی در جهت با اصطلاح قطع وابستگی دعوت نماید و زمینه‌های اقتصادی حل بحران نظام سرمایه‌داری تحت سلطه ایران را بنفع بورژوازی و امپریالیسم آماده کند. چنین نظراتی همچنین به بورژوازی ایران نرست میدهد تمام اقدامات ضد کارگری و ضد مردمی خود را، تمامی سرکوب‌ها و کشتارهای وحشیانه‌اش را، تمامی کوشش‌هایش برای نفی آزادی‌ها و بی‌ایمان کردن دستاوردهای قیام را در پوشش با اصطلاح مبارزه ضد امپریالیستی، قطع وابستگی و ایجاد خودکفایی اقتصادی توجیه نماید.

ما همچنین تک‌تک بندهای "برنامه اقتصادی انقلابی و ضد امپریالیستی" "مجاهد" را در مقالاتی که در شماره "علیه بیکاری" در پاسخ و نقد نظرات نشریه "بیکاران" درج نمودیم، مفضلاً بررسی کرده‌ایم و بنا بر این جرات خود بر روی آن مکتب نگزیده و تنها به نگاهی گذرا به برخی از این بندها اکتفا می‌کنیم و خوانندگان را برای بررسی تفصیلی آن به مقالات مذکور رجوع می‌دهیم:

۱- قطع دست سرمایه‌داران وابسته از طریق ملی کردن واقعی صنایع.

اولاً- "سرمایه‌داران وابسته" یعنی چه؟ آیا این بدین مفهوم است که "سرمایه‌داران غیر وابسته" و با اصطلاح ملی نیز وجود دارند؟ در این صورت باید بگوئیم که گویا "مجاهد" عمدتاً دارد که حتی واقعه‌بت‌های روشن‌تر از روز راحم گنجان کند و گویا "مجاهد" چشمها و گوشهایش را محکم با دستانتش گرفته است تا جنایات این با اصطلاح سرمایه‌داران ملی- نظیر آقای بازرگان و شرکا- را برای سرکوب مبارزه ضد امپریالیستی مردم نبیند و در او فریادها و ضجه و التماس‌های آنان را برای برقراری روابط آشکار و پنهان با امپریالیست‌ها نشنود!!

ثانیاً- با فرض اینکه راه‌حل "مجاهد" صحتی بر قطع دست سرمایه‌داران وابسته صحیحی برای بیکاری باشد، ما از "مجاهد" سؤال میکنیم برای حل مشکل بیکاری بچه دلیل نباید دست کل سرمایه‌داران را قطع کرد و تنها به قطع دست "سرمایه‌داران وابسته" می‌بایست اکتفا نمود؟ در رابطه با بیکاری این سرمایه‌داران با اصطلاح غیر وابسته و ملی چه تفاوتی با سرمایه‌داران وابسته دارند؟ آیا آنها برای کسب سود کارگران را بیکار نمی‌گیرند و مثلاً برای خدمت به مردم سرمایه‌هایشان را بیکار می‌اندازند؟ آیا آنها نیز در صورتی که سودشان کم شود مبادرت به تعطیل کارخانه و اخراج و بیکار کردن دستجمعی کارگران نمی‌کنند؟ آیا آنها مبارزات کارگران را سرکوب نمی‌کنند و برای این سرکوب دست به اخراج و تصفیه کارگران مبارز نمی‌زنند؟ برآستی چه دلیلی دارد که در مبارزه علیه بیکاری، "مجاهد" بخشی از طبقه سرمایه‌دار را تحت عنوان "ملی" از تیررس کارگران خارج می‌کند و عدم تعرض بدانان را موعظه می‌نماید؟

۲- راه‌اندازی صنایع متوقف شده و افزایش تولید کارخانجات تا مرز ظرفیت نهایی کارخانجات!

اولاً- "مجاهد" بیکار دیگر نشان میدهد که از سرمایه‌داری و بحران آن هیچ درکی ندارد. "مجاهد" چنین وانمود می‌کند که گویا توقف صنایع و کاهش تولید آنان هیچ

ربطی به سرمایه‌داری و جبران آن ندارد؛ یا ناشی از اراده و بد طبعیتی این یا آن سرمایه‌دار است و یا آنچنان که رژیم و نمود میکند ناشی از انقلاب بنا بر این بدون آنکه بخواد سرمایه‌داری را مورد تهاجم قرار دهد و به اساس آن خدشهای وارد کند - و "مجاهد" نه در این مقاله و نه در هیچ مقاله و موضعی دیگری دیگری نشان نداده است که چنین قسمی دارد - اراده میکند که صنایع متوقف شده براه‌اندازد و تولیدشان تا مرز ظرفیت نهایی افزایش یابد؟! برآیست آیا مجاهد نمی‌داند که رژیم و بورژوازی نیز تمایل زیادی به براه‌اندازی صنایع و افزایش تولید دارند؟ آیا "مجاهد" نمی‌بیند و نمی‌شنود که آنجا هر روز واز هزاران بلندگوی تبلیغاتی این تمایل خود را تیرا می‌کنند؟ آیا "مجاهد" فکر نکرده است که چرا رژیم و بورژوازی علیرغم تمایل خود، به براه‌اندازی تولید توفیق نیافته‌اند؟ آیا جز این است که کارکرد سرمایه وابسته به کسب سود در کشور تحت سلطه وابسته به کسب نوب سود است و در شرایط امروز ایران، مبارزه انقلابی کارگران و زحمتکشان کسب چنین سودی را اجازه نمی‌دهد و بنابراین سرمایه‌داران نمی‌توانند در این صورت "مجاهد" چگونه میخواهد بدون خدشه وارد کرد در این قانون اساسی سرمایه‌داری، تولید را براه‌انداخته و تا حد ظرفیت نهایی صنایع آنرا افزایش دهد؟

ثانیاً - مجاهد که "نفی وابستگی و استقلال اقتصادی" و یا در حقیقت همان خودکفایی اقتصادی را نیت "برنامه اقتصادی" میخواهد صنایع را که اگر از نظر مواد اولیه، تمکین، قطعات یدکی و... به خارج وابسته‌اند، براه اندازد؟ با وارد کردن نیازهای این صنایع از خارج؟ "مجاهد" براه‌اندازی صنایع میتواند رادار کادر سیاست خودکفایی اقتصادی خود - که آنرا هدف درجه اول و اساسی خود تعریف میکند - چگونه توجیه می‌نماید؟

۳- برنامه‌ریزی همه‌جانبه اقتصادی به‌طور ایجاد صنایع مستقل و رسیدن به خودکفایی و مالا بمانندان صنایع سنگین و مادر.

در رابطه با این بند جز اینکه همان توجیه‌ای را که در شماره ۱ علیه بیگاری به هیئت تحریریه نشریه "بیگاران" کردیم برای هیئت تحریریه "مجاهد" و رهبری "سازمان مجاهدین" تکرار کنیم حرف دیگری باقی نمی‌ماند؛ لازم است "مجاهد" راه حل خود را به کارگران و زحمتکشان انگلستان نیز ارائه کرده و آنان را در حل مسئله بیگاری یاری دهند؟! چرا که در انگلستان در نوبی یکسال گذشته بیش از ۸۰۰/۰۰۰ نفر بزرگ تعداد بیگاران افزوده شده و تعداد بیگاران از مهرز ۲/۵ میلیون نفر گذشته است و بنابراین "مجاهد" میگوید لایسنس بیگاری وسیع در انگلستان نیز ناشی از نداشتن صنایع مستقل و صنایع سنگین و مادر است؟!

۸- اجرای طرحهای وسیع خانسازی در جهت تامین مسکن برای عموم مردم بویژه زحمتکشان

در رابطه با این بند نیز ما چاره‌ای نداریم که سوالی را که در مورد بند ۲ راه حل "مجاهد" مطرح کردیم، تکرار کنیم؛ مگر نه اینکه اجرای طرحهای وسیع خانسازی احتیاج به سیما، تیر آهن و... دارد و مگر نه اینکه اگر بخواد طرح خانسازی برای زحمتکشان واقعا بطور وسیع اجرا شود، نیاز هست که این کالاها از خارج وارد شود؟ در این صورت "مجاهد" چگونه این بند از راه حل خود را با هدف قطع

واردات کالا و خودکفایی اقتصادی تطبیق می‌دهد؟ مگر آنکه "مجاهد" تصمیم داشته باشد برای زحمتکشان خانه‌های گاه گی بسازد؟!

### "فقر و فلاکت" یا "سرکوب"

اینست نسیم کارگران و زحمتکشان از راه حل‌های "مجاهد" برای "مشکل بیگاری"!

"مجاهد" در ابتدا و تیل از ارائه راه حل‌های "انقلابی و ضد امپریالیستی"ش برای بیگاری میگوید: "مشکل بیگاری در شرایط بحرانی کنونی، در کنار سایر مشکلات اجتماعی و اقتصادی مردم، با اجرای برنامه‌های انقلابی قابل حل است. اگر از این مسئله بگذریم که چه کسانی میتوانند برنامه‌های انقلابی را ساده کنند و به الزامات آن تن در دهند، رفوس چنین برنامه‌های رادری می‌آوریم؛ و پس از ارائه راه‌حلهای گدائی اضافه می‌کنند: "البته طبیعتی است که انجام کارهای نسوق تنها در کادر سیاستی انقلابی و به دور از انحصار طلبی و با استفاده از همه نیروهای مردمی و انقلابی امکان پذیر است. و گرنه در کادر سیاست جای ارتجایی فعلی حتی در رابطه با براه‌اندازی و ازدیاد تولیدات صنعتی کارخانجات، مثل دو ساله گذشته نتیجه‌ی کار یا عدم موفقیت است و یا استفاده از مدیران و صاحبان سرمایه‌ی وابسته به غرب".

در همان ابتدا "مجاهد" آب باکی را بر روی دست کارگران و زحمتکشان بیگار صریح و از مسئله "کسانی که میتوانند برنامه‌های انقلابی را بیاده کنند و... میگرد و به معنای دیگر می‌گویند و انمود کند که مسئله اصلی یعنی مسئله قدرت، سیاسی را سکوت گذاشته است. اما واضح است که این سکوت جز یک سکوت ظاهری نبوده و هزاران حرف و موضع‌گیری در پس خود دارد. "مجاهد" زیرکتر و با صاحب‌بخت بگوئیم عوام‌فریب‌تر از آنست که دستش را رو کند و موضع واقع‌ساش را سرچا ابراز نماید و بنابراین ترجیح میدهد تا آنچه را که میخواهد، بطور غیر مستقیم و در پوشش موضع سکوت به کارگران و زحمتکشان القا کند.

ما در همین مقاله چگونه برخورد "مجاهد" با هیئت حاکمه و جناحهای مختلف آنرا بررسی کردیم و نشان دادیم که چگونه "مجاهد" در برخورد به حاکمیت و جناحهای مختلف آن، متزلزل است و بویژه چگونه لیبرالها را در پوشش حملات تند و تیز به "مرتجعین" و "انحصار طلبان" تطهیر می‌کند. بنابراین خود قضاوت کنید در مورد کارگر و زحمتکشی که این مقاله "مجاهد" را بخواند؛ او از یکطرف از "مجاهد" می‌شنود که تنها "انحصار طلبان" هستند که در وعده و نریب و درونگویی دست اسلاف خود را از پشت بسته‌اند و تنها آنها هستند که شیوه‌های ارتجایی تصنیف و باکسازی را بکار می‌برند و علت بیگاری را نیز مقدماتی می‌بایست در ماهیت و عملکرد "ارتجایی" و "انحصار طلبانه" جستجو کرد و از سوی دیگر از "مجاهد" نمی‌شنود که لیبرالها دروغ می‌گویند، کارگران را تصنیف و باکسازی و اخراج میکنند، دست به سرکوب و کشتار می‌زنند و دارای ماهیت و عملکردی ارتجایی هستند (و ما فعلا نمی‌گوئیم که "مجاهد" حتی سرچا به کارگران و زحمتکشان می‌گوید که مهندسران بزرگان، "مادق و سربح" است و کارگران کفش ملی را مرتجعین سرکوب کرده‌اند و لیبرالها خواهان بازگشایی دانشگاه هستند و مخالف "انقلاب نرهنگی" بوده‌اند

۰۰۰) و بالاخره در کار این دو می بیند که "مجاهد" نیز همان راه حل‌هایی را پیشنهاد میکند که لیب‌الها هرروز و هرساعت تریاد میکند: تولید بیشتر، قطع واردات و خود کفایی اقتصادی، بوجود آوردن صنایع سنگین و مادر و... در این مجموعه وقتی "مجاهد" در مورد کسانی که قادرند برنامه‌های انقلابی را پیاده کنند، سکوت میکند، کارگزار و زحمتکش خواننده مقاله "مجاهد" چه نتیجه‌ای جز اینست میتواند بگیرد که پرچم مبارزه او بر علیه بیگاری، همان پرچم لیب‌الهاست و لیب‌الها هستند که می‌توانند برنامه‌های انقلابی را برای حل مشکل بیگاری اجرا کنند ۱۴ اما "مجاهد" بهبوده تلاش میکند، او با این "توسعه‌ها" تنها "ارز خود میرود زحمت ما میدارد". کارگران و زحمتکشان ایران، در جریان زندگی و مبارزه خود و با کم‌کم بشروان واقعی خود، کمونیست‌ها، ماهیت لیب‌الها را نیز درک خواهند کرد، و واضربسیبای "مجاهد" را انشا خواهد نمود و راه واقعی و تشبها راه مبارزه با بیگاری به نسی مبارزه برای نابودی سرمایهداری و برقراری سوسیالیسم را در پیش خواهند گرفت.

اکنون نوبت آنست، که از "مجاهد" سؤال کنیم که تا آنگاه یعنی تا زمان روی کار آمدن "کسانی" که قرار است نلان و بهمان کار را بکنند و "برنامه‌های اقتصادی انقلابی" و شد امیربالیستی "را پیاده کنند و برای روی کار آمدن آن "کسان" کارگران و زحمتکشان بطور اهم و کارگران و زحمتکشان بیگار بخیر اخیس چه کار باید بکنند؟

اجازه بدیهیت ما از جانب "مجاهد" پاسخ بدیم: "مجاهد" به کارگران و زحمتکشان بیگار نمی‌گوید که برای تامین معیشت خود مبارزه کنند.

"مجاهد" حق بیمه بیگاری و تامین معیشت بیگاران بوسیله سرمایه‌داران و دولت سرمایه‌داری را بوسمیت نمسی شناسد.

"مجاهد" نسی‌گوید که کارگران و زحمتکشان برای جلوگیری از اخراج و تسفیه کارگران از کارخانه‌جات مبارزه کنند و وحدت طبقاتی خود را تحکیم کنند.

"مجاهد" هیچ نقشی برای مبارزه کارگران و زحمتکشان بر طبقه بیگاری، در کل مبارزه انقلابی کارگران و زحمتکشان قائل نیست.

"مجاهد" ...

همه آنچه را که در فوق گفتیم در طول مقاله بطور غیر قابل انکاری اثبات کردیم، بنابراین "مجاهد" می‌تواند و تنها چاره‌اش اینست که یکی از راه‌هایی زیر را پیشنهاد کند:

۱- مجاهد میتواند به کارگران و زحمتکشان بیگاور و خانواده‌هایشان پیشنهاد کند که فکر و فلکت بیشتر روزافزون را تحمل کنند و... مرگ تدریجی ناشی از گرسنگی را تحمل کنند و در صورتی که تحمل چنین مرگی دشوار باشد، دستجمعی خودکشی کنند!

۲- "مجاهد" میتواند همان "راه حلی" را که نخست وزیر مکنی آقای رجایی به کارگران و زحمتکشان بیگار توصیه کرد، بداندان پیشنهاد کند: "بروید گدایی کنید!" البته بسته به نصل "مجاهد" میتواند پیشنهادات دیگری هم بداندان بدهد و مثلا بگوید: "در ایام عید حاجی نهموز شوید"...

۳- "مجاهد" میتواند به کارگران و زحمتکشان بیگار توصیه کند که بروند عضو "سباه پاسدار انقلاب اسلامی" و "سباه کمیته‌های انقلاب" شوند. این کار علاوه بر آنکه مسئله معیشت کارگران و زحمتکشان بیگار را حل میکند (از جمله با گوشت دم تپه شدن آنها در جنگ سرمایه‌داران)، تعداد کارگران و زحمتکشان عضو سباه را هم زیاد می‌کند و مشروطیت و ماهیت مردمی این ارگان‌ها را افزایش میدهد. البته اگر این کارگزاران و زحمتکشان بدلیل "سیاست‌های ارتجاعی" حاکم بر سباه یا بدلیل "سیاست‌های پاندهای ارتجاعی" موجود در سباه، مجبور شدند مبارزات برادران و خواهران خود را در کارخانه و روستا، در کردستان و گنبد، در خپایان و دانشگاه سرکوب کنند اشکال ندارد، از نظر "مجاهد" ماهیت بیگار ارگان را از سیاست‌های آن تشخیص نمیدهند بلکه ماهیت هر ارگان را از روی کسانی که آن را تشکیل میدهند تفاوت می‌کنند!!

آیا "مجاهد" در مقابل استتاجات ناگزیرمان از حرف‌های خودش، هیچ حرف دیگری هم دارد که بزند؟ بنظر ما بهیچوجه!

اما هنوز کار ما با "مجاهد" و راحلهای او برای مشکل بیگاری بیابان نرسیده‌است. ما نغز می‌کنیم که "کسانی" که می‌توانند "راحلهای اقتصادی انقلابی و ضد امیربالیستی" "مجاهد" برای مشکل بیگاری را در کادر سیاستی انقلابی، اجرا کنند، بروی کار بیایند. روشن است که بهترین "کسانی" که می‌توانند چنین کاری بکنند، خود پیشنهاد دهندگان این راه حل یعنی "رهبری سازمان مجاهدین" و "هیئت تحریریه نشریه مجاهد" است. بنابراین ما نغز می‌کنیم که "رهبری مجاهدین" بر سرگرا آمده و قدرت را در دست گرفته باشند. علاوه بر این ما با زعم نغز می‌کنیم که "سیاستی" که "رهبری مجاهدین" در پیش گرفته‌اند و در آن زمان نیز در پیش می‌گیرند سیاستی واقعا انقلابی باشد. در اینصورت بیستم تکلیف کارگران و زحمتکشان بیگار در چنان حکومتی - مثلا "جمهوری دموکراتیک اسلامی" - چه خواهد بود؟

اگر "جمهوری دموکراتیک اسلامی" بخواهد سیاستی انقلابی را در پیش بگیرد، واضح است و نگر می‌کنیم که "مجاهد" نیز قبول داشته باشد که امیربالیستها ساکت ننشسته و دست روی دست نخواهند گذاشت و انواع تندیقات را برای دولت "رهبری سازمان مجاهدین" فراهم خواهند کرد، انواع توطئه‌ها را با اجرا در خواهند آورد از جمله تحریمهای اقتصادی مثل تر یا سفت تری را با اجرا خواهند گذاشت. در چنین صورتی برای اجرای "برنامه اقتصادی انقلابی" و ضد امیربالیستی "طوبعی است که راه‌اندازی صنایع متنوع، شده و افزایش تولید، تاملز ظرفیت نهایی کارخانه‌جاتی که اکثرا از نظر مواد اولیه، کالاهای نیم‌ساخته، لوازم یدکی و... به خارج رده همان امیربالیستها وابسته‌اند، باسانی و در عرضی یکماه و دو ماه امکانپذیر نخواهد بود، "ایجاد صنایع سنگین و مادر" هم که بویژه بنا بر آنچه در فوق گفتیم گسی زمان و کلی گاری بود: آنها "انقلاب ارض و حمایت‌نازدهقانان تولیدکننده" و بدون پول، کود، آب و تراکتور هم در عرض مدتی کم مملکت بهشت برین نخواهد شد، ایجاد و گسترش

هزینه معاشی، کارگران بیگار، از جیب سرمایه‌دار، پرداخت باید کرد!

راه‌های روستائی هم که کار بکروز و دوروز نیست و همینطور  
الی آخر. باین ترتیب و اگر خوشبین باشیم و یا صمیمی‌تر  
بگوئیم بخواهیم خود را فریب دهیم و باور کنیم که با "راه حل"  
های "مجاهد" مسئله بیکاری حل خواهد شد، حداقلش  
اینست که ریشه‌کن کردن بیکاری مدتی طول خواهد کشید و تا  
مدتی توده‌های کم و بیش وسیعی از کارگران و زحمتکشان بیکار  
وجود خواهند داشت. بینیم "رهبری سازمان مجاهدین"  
با اینان چه خواهند کرد؟

واضح است که حکومت "رهبری مجاهدین" تامین معیشت  
بیکاران از جیب سرمایه‌داران و دولت، "حق بیمه بیکاری"،  
حق استفاده رایگان از بهداشت، درمان، آموزش و مسکن را  
برسمیت نخواهند شناخت. چرا که کسانی که این حقوق را در  
رابطه با دولت "مردم‌چین" و "انحصارطلبان" برسمیت نمی-  
شناسند و آن در برزانه و راه‌حلهای خود حتی بر سیل  
و دهه نیز طرح نمی‌کنند، چگونه ممکن است پس از روی‌کسار  
آمدن خود، چنین مطالباتی را از جانب کارگران و زحمتکشان  
پذیرند و با چرا بگذرانند؟ بنابراین حکومت "رهبری مجاهدین"  
از کارگران و زحمتکشان بیکار خواهد خواست که "صبر"  
انقلابی بپوشانند و با به با آن روزی که آنها خواهد خواست  
که فقر و فلاکت بیشتر را تحمل کنند. اگر حکومت مزبور بتواند  
کارگران و زحمتکشان بیکار با بخشی از آنان را به داشتن  
"صبر انقلابی" بیشتر قانع کند و یا صمیمی‌تر بگوئیم بتواند  
آنها را تریب دهد، در آنصورت نصب کارگران و زحمتکشان  
بیکار از "حکومت رهبری سازمان مجاهدین" فقر و فلاکت  
خواهد بود.

اما اگر حکومت مزبور نتواند - که نمیتواند - کارگران و زحمت  
کشان را فریب دهد، واضح است که آنان به حداقل بخشی  
از آنان برای رسیدن به خواسته‌های خود دست به مبارزه  
خواهند زد.

دراینصورت "رهبری مجاهدین" ابتدا خواهد گفت :  
درحالی که حکومت مشغول مبارزه با امپریالیسم است ،  
کارگران و زحمتکشان بیکار در این مبارزه اخلال میکنند ! در  
حالی که حکومت مشغول ایجاد صنایع سنگین و مادر است ،  
آنان "صبر" نمی‌کنند! درحالی که امپریالیستها ما را  
محاصره اقتصادی کرده‌اند ، کارگران و زحمتکشان تقاضاهای  
بیمورد دارند ! آنان با مبارزه خود در "دولت"  
انقلابی و ضد امپریالیست تردید میکنند ! کارگران و زحمتکشان  
بیکار و محروم آنها - یعنی کمونیستها - تقاضای اصلی و  
فرضی را مخدوش میکنند و تشخیص نمیدهند که تضاد اصلی با  
امپریالیسم است، و...

اگر کارگران و زحمتکشان بیکار در جریان مبارزه خود بر علیه  
 رژیم جمهوری اسلامی این حمله‌ها را تجربه کرده باشند و  
 فریب نخورند و بازم به مبارزه خود ادامه دهند در آنصورت  
 پاسخ حکومت "رهبران مجاهدین" به این مبارزه چنین  
 خواهد بود : سرکوب!

و "مجاهد" بما پاسخ دهد که چه چیز، کدام موضع‌گیری  
 و سیاست "سازمان مجاهدین" و رهبری آن خلاف این  
 استنتاج و پیش‌بینی اصولی را اثبات میکند : راه‌حلهای  
 "مجاهد" در مورد بیکاری یا موضع‌گیری "سازمان مجاهدین"  
 در مورد جنبش مقاومت خلق کرد؟ موضع‌گیریهایی "سازمان

مجاهدین" و "مجاهد" در مورد مبارزات کارگران و زحمتکشان  
 و سرکوب آن توسط رژیم و یا سیاست رهبران مجاهدین در  
 مورد دستگیری، زندان، شکنجه، ترور و اعدام کمونیستها ؟  
 کدامیک؟ پاسخ دهید کدامیک ؟  
 بنظر ما "مجاهد" هیچ پاسخی ندارد که بدهد!

دوستان ! اعضا و هواداران انقلابی سازمان مجاهدین  
 خلق ایران !

روی سخن ما با شماست !

ما موضع‌گیری "مجاهد" در مورد مشکل بیکاری، یعنی  
 مشکل میلیونها کارگر و زحمتکش بیکار و خانواده‌هایشان را به  
 تفصیل مورد بررسی قرار دادیم . ما فزونی و پیگیری "مجاهد"  
 و "رهبری سازمان مجاهدین" را در برخورد به حاکمیت و  
 جناحهای مختلف آن افشا کردیم و نشان دادیم که چگونه  
 آنان، لبرالها را تطهیر میکنند . ما ماهیت لیبرالی و چرکین  
 و راه‌حلهای ارائه شده بوسیله "مجاهد" را در مورد یک  
 مسئله مشخص مورد کارگران و زحمتکشان و یک عرصه مشخص از  
 مبارزه آنان، اثبات کردیم و ادامه مطلق راهی را که رهبری  
 "سازمان مجاهدین" در پیش گرفته است در همین مورد مشخص  
 ترسیم کردیم و نشان دادیم که چگونه این راه به ناگزیر بسبب  
 رویارویی کامل با کارگران و زحمتکشان و مبارزه آنان ختم میشود.  
 ما مدعی شدیم که "مجاهد" و رهبری سازمان مجاهدین شما  
 را فریب میدهند و گمراه میسازند .

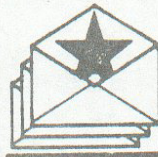
اکنون ثبوت شماست ! به ما پاسخ دهید ! یا ما را قانع  
 کنید و بما اثبات نمایید که اشتباه می‌کنیم و با د ر صورتی که  
 نمی‌توانید چنین چیزی را اثبات نمایید ، با ما همداشتوبند  
 و بر علیه رژیم و رهبری امپریالیسم حاکم بر "سازمان مجاهدین" و  
 برای نبرد آن مبارزه کنید .

کارگران و زحمتکشان هوادار "سازمان مجاهدین خلق ایران" !  
 از شما دعوت میکنم به صفوف مبارزه انقلابی بر علیه بیکاری  
 بپیوندید . برای تشکیل اتحاد رزمندگانی از کارگران شاغل و  
 بیکار در مبارزه علیه بیکاری ، برای تحویل هرگونه معیشت  
 کارگران و زحمتکشان بیکار به سرمایه‌داران و دولت سرمایه‌داری  
 و برای تحقق شعار "بخشی از تولید برای بیکاران" مبارزه  
 کنید .

پیش بسوی "اتحاد کارگری علیه بیکاری"  
 "صعود"

**کاریسابی شماره (۱) وابه**  
**محل تجمع دائمی بیکاران**  
**تهران تبدیل کنیم!**

کارگری سروروست سرمایه نابودست!



پاسخ به نامه‌ها

اینبار برخلاف گذشته نامه‌های نسبتاً زیادی از شما داشتیم و این خود نشانه توفیق ما در پیوند راهی است که در پیش گرفته‌ایم. استقبال روزانزون کارگران و زحمتکشان از نشریه "علیه بیگاری" آنزمان که با احساس مسئولیت خوانندگان در رفع نواقص و هدایت نشر به کیمته ایجاد همراه می‌شود، افق روشن از موفقتهای آتی را در پیش پای ما می‌گشاید.

بهبتر است پاسخ به نامه‌ها را با نامه پر مهر و بی پاسخ یک رفیق دانش‌آموز که براساس خستگی را از تن ما بدر کرده است، شروع کنیم.

درود به رفقای علیه بیگاری:

با وجود اینبه فعالیت و تحرک، کار و کوشش و مبارزه بیگمتران که هم در خیابانها در زمان فروش و بحث و هم در مقالات علیه بیگاری عیان است، خسته نباشید.

سرمقاله شماره ۶ علیه بیگاری را خواندم. بعد از خواندن آن سراپا شور و هیجان شدم. رختخواب را رها کرده و تصمیم گرفتم افکارم را برای شما بازگو کنم. مقاله خیلی خوب بود. امتیازات بسیاری داشت. امتیاز این مقاله در انشای روان و ساده، شیوه بیان و قابل لمس بودن آن بود. امتیاز آن در زیر سوال بردن رهبران سازمانهای کمونیستی (!؟) بود. امتیاز آن در مطرح کردن سوال برای هواداران و اعضا، پایین سازمانهای کمونیستی (!؟) بود. امتیاز آن در کک به ایجاد رابطه متقابل در بین تمامی اعضای سازمانهای کمونیستی (!؟) بود. امتیاز آن در روشن کردن دست سازمانهای کمونیستی (!؟) بود. امتیاز آن در افشای سکناسم عدم برناوه عدم قدرت برخورد به کیمته ایجاد در سازمانهای کمونیستی (!؟) بود. امتیاز آن در این بود که کارگران با خواندن این مقاله دوستان واقعی خود را خواهند شناخت. رفقای علیه بیگاری:

تصمیم داشتم بخاطر موقعیت ویژه محله مان بر روی علیه بیگاری نیروی بیشتری بگذارم. اما با خواندن این مقاله نیروی بیشتری به توان بینهایت بر روی علیه بیگاری خواهم گذاشت. در صورت برخورد به مشکلات هم حتما از شما کمک خواهم گرفت.

رفقای علیه بیگاری

با همان یک ماشین پلی کپن نکستی کار خود را ادامه دهید زیرا مطمئن هستم اگر کمی مسئله‌اش مسئله طبقه کارگر باشد با رسیدن علیه بیگاری و برناه آن بدستش، با تمام قوا به کک شما خواهد شناخت و می‌داند که چنین افرادی کم نیستند.

۰۹/۱۲/۲۹

موفق باشید . ن

اما سرمقاله شماره ۶ اگر رفیق "ن" را سراپا شور و

هیجان کرده است، رفیق مهدی را نهایت درجه عصبانسی کرده. بهتر است عین ناه را بخوانید: برای نشریه علیه بیگاری

رفقا!

سرمقاله نشریه شماره ۶ را خواندم، ولی وقتی به آخر مقاله رسیدم، جز عجز و التماس و زنی و درماندگی چیز دیگری ندیدم. وقتی برای بار دوم آنرا خواندم عصبانیت مرا بیشتر کرد، گفتم شاید من اشتباه می‌کنم ولی از هر رفیقی که پرسیدم آنها هم در کل نظر مرا داشتند.

رفقا! نمی‌دانم چرا ما باید آنچنان حرکت کنیم که ظاهراً بیشتر ضعف ما را برساند تا قدرت ما را، مگر ما بر صحت و درستی مواضع خود اعتقاد نداریم، مگر متکی باین مواضع صحیح در عرصه مشخص بیگاری تاکتیکی درستی اتخاذ نکرده‌ایم و رهنمودهای مشخص ارائه نداده‌ایم؟ چرا باید برای نشان دادن صحت این مواضع و فرا خواندن کل جنبش به زهر این پرچم به خون شهیدان و به قسم "حضرت عباس" متوسل بشیم؟ مگر می‌خواهیم گدائی کنیم که چنین التماس کنان از آنان "استمداد" می‌طلبیم و می‌خواهیم کعبه ما "عنایتی نشان دهند"، چرا از موضع قدرت برخورد نکنیم، چرا با "محکم ترین حملات بلشویکی-پرولتری" آنها را مخاطب قرار ندهیم، چرا حرفهای خود را چون پتک بر مغزشان نگویم، تا مجبورشان کنیم که سکوت را بشکنند؟ (انتقاد من فقط به آخر مقاله است نه تمام آن)

رفیق مهدی! اگر ما عجز و لایه کرده‌ایم و شما عصبانی شده‌اید، اینرا فقط می‌توانیم به حساب علاقتان به کیمته ایجاد بگذاریم و از این همه علاقه قدر دانی کنیم. اما بنظر ما عصبانیت شما نابهجاست. ما عجز و لایه نکرده‌ایم. ما رفقای خود را در سازمانهای کمونیستی به خون ناصر توفیقیان ها، کاکوفو، ها، توماج ها و شهراچا قسم داده‌ایم آنچه می‌دانند با صدای بلند بگویند. این کار ما را تا سطح قسم حضرت عباس دادن تنزل ندهید! ما در واقع ایثار، از خود گذشتگی، پایمردی و جانناز آن رفقای را که برنسیب‌هایشان را با هیچ چیز عوض نکردند به رخ آن دوستانی کشیدیم که از یکسوفد آگاه‌های این فرزند ان دلیر خلق را بحساب سازمانهای خود می‌گذارند و از سوی دیگر بخاطر پیش پا افتاده ترین منافع محدود گروهی برنسیب های یک کمونیست را زهر پا می‌نهند. این با قسم حضرت عباس و عجز و لایه زمین تا آسمان فرق دارد.

شما پرسیده‌اید که "چرا ما باید آنچنان حرکت کنیم که ظاهراً بیشتر ضعف ما را برساند تا قدرت ما را، مگر ما بر صحت مواضع خود اعتماد نداریم مگر متکی به این مواضع صحیح در عرصه مشخص بیگاری، تاکتیکی درستی اتخاذ نکرده‌ایم و رهنمودهای مشخص نداده‌ایم؟"

ما می‌گوئیم مواضع ما درست است، رهنمودهای ما صحیح است، تاکتیکیهای ما بجا و مناسب است، اما وقتی شما از قدرت "ما" حرف می‌زنید منظورتان را درست نمی‌فهمیم. اگر یک نیروی مادی اجتماعی را در نظر دارید پس آنرا بسا "موضع" یا "تاکتیک" یا "رهنمود" فرق بگذارید و در ارزیابی قدرت و نیروی واقعی ما واقع بین باشید.

وقتی کیمته ایجاد علی الموم از "ما" حرف می‌زنند،



منطوقش "ما کارگران و زحمتکشان" است. و شما می دانید که گستردن عده‌ای از طبقه ما که از روی ناآگاهی و استعمال ارز ل‌ترین مقامات دولتی، از پست ترین پرورواها و از حقیرترین مینم این اجتماع هر روز و هر روز بخاطر لقمه نانی گدائی می کنند. و هر روز اینان را نه بخون شهیدان، بلکه بجان بچه‌های تن پرورشان و به روح اجداد مفتخورشان عاجزانه قسم می دهند که تقاضاهایشان را بپذیرند. . . . آیا از این صحنه‌های مکرر به اندازه سرمقاله شماره ۶ عصبانی شده‌اید ؟

آیا در چنین شرایطی به "علیه بیگاری" حق نمی دهید که از رفقای کمونیست خود مخلصانه تقاضا کند و بسا آنطور که شما گفته‌اید "عاجزانه" بخواهد که وقت را تلف نکنند و زود تر عینایی نشان دهند ؟

آیا می دانید که تعداد افرادی که مسئولانه و متعهدانه در انجام و پیشبرد آن "مواضع" تاکتیکی و "رهنمودها" که شما از آنها با تمجید نام برده‌اید می کوشند، از تعداد انگشتان دستان تجاوز نمی کنند؟ آیا می دانید که برای دست زدن به "آن حملات محکم بلشویکی که آنان را مجبور کند سکوت خود را بشکنند" بهر حال تعداد معینی بلشویک سازمان یافته لازم است؟

آیا خود شما تاکنون حرفی را که بتوان "چون پتک بر مفران کوبید" برای ما نوشته‌اید و بیادمان داده‌اید؟ شاید باید بخودتان هم التماس کنیم؟!

در مجموع حرفتان را قبول داریم. تیغ سزاست هر که را فهم سخن نمی کند. اما بگذرید تیغ را آنزمان بکشیم که اولاً حرفتان را زده باشیم و ثانیاً بایک حمله از دستمان نیفتد.

حال اگر عصبانیت خود را فرو خورده‌اید باید بگوئیم ما هم چون شما از سرمقاله شماره ۶ ناراضی هستیم. نمی خواستیم سرمقاله طوری تمام شود که این شبهه را در شبیه ای که رفقای چون شما را عصبانی می کند ایجاد کند. رامتنش را بخواهید غیر از شما عده دیگری از خوانندگان فروشنندگان "علیه بیگاری" این تذکر را داده‌اند. به همه شما که صمیمانه ترصد کمک و مساعدت به ما هستیم می گوئیم که قرار بود آن سه شماری که در زیر سرمقاله شماره ۶ خواندید در پایان سرمقاله شماره ۶ هم بیاید. مطمئناً اگر چنین می شد از ایجاد این شبهه اقل تا حدودی می توانست جلوگیری کند. این یک مسامحه بود که توسط رفقای مسئول

تایپ و حروف جینی اتفاق افتاد و ما از این بابت پشیمانیم. اما در مقابل دیگر خوانندگان که نه کمکی به ما می کنند و نه باری را از دوش ما برمی دارند بلکه فقط انتقاد می کنند، باید بگوئیم: دوستان! سرمقاله شماره ۶ در پایان، بخاطر یک سهل انگاری که همیشه به موضعی افتاده است که مورد نظر ما نبوده است. لکن با این اتفاق ما سهوا در موضعی بهتر برای نقد و انشای سکتاریم، پامینیم و لایه‌های گری شما قرار گرفته‌ایم. شما نگران عزت نفس ما نباشید! ما حتی به شما التماس هم کردیم (اگر مطمئنید که کرده‌ایم) که وظیفه‌تان را انجام دهید و مسئولیتتان را در بیاورید اما هنوز که هنوز است هیچ قدمی برنداشته‌اید!

رفیق در پایان نامه خود همچنین نوشته‌اند:

رفقا!

بطوریکه حتما اطلاع دارید، پاراگراف‌های آخرین صفحه مقاله "سارزه" علیه بیگاری در روسیه (قسمت اول، شماره ۵، صفحه ۲۹) بخاطر اشتباه و بی‌توجهی رفقای تابهیست در هم و نامنظم تایپ شده بطوریکه مطلب برای خواننده به هیچوجه روشن نیست، خودم گفتم که نشریه حتما در شماره بعدی خود مسئله را توضیح داده و اصلاح شده آن قسمت را چاپ میکند ولی در شماره ۶ حتی اشاره‌ای هم به این موضوع نشده بود، پیشنهاد می‌کنم در شماره ۷ اینکار حتما صورت بگیرد، یعنی ضمن توضیح اشتباه اصلاح شده آن هم اراکه شود.

پرویز باشید

مهدی ۶۰/۱/۵

حق با رفیق مهدی است. اینبار انتقاد فقط به رفقا تابهیست و صفحه بند ما بر نمی‌گردد ما هم در توضیح و تصحیح این اشتباه قصور کرده‌ایم. در اولین فرصت اینکار را خواهیم کرد.

\*\*\*

رفیق "ب" هم در نامه خود چند تذکر مختصر و مفید داده‌اند:

- "بهتر بود متن نامه آقای کریمی پور را تایپ می‌کردید (علاوه بر کلیشه کردن متن اصلی) تا راحت تر خواننده شود. در موارد مشابه آتی به این نکته توجه کنید: (چشم حتما خواهیم کرد)

- "در صفحه ۲۶ ستون دوم شماره ۷ - از ۹ میلیون کارگر شافل صحبت می‌شود. بنظر می‌آید ۳ میلیون درست باشد."

در نادرست بودن آمار ۹ میلیون کارگر شافل شکسی نیست. اشتباهی رخ داده است. تعداد کارگران شافل به مراتب کمتر از این است. باید بگوئیم که با این حساب کارگران شافل بسیار بیش از آنچه در مقاله "سخنی بسا کارگران شرکت واحد" آمده است از قرار گرفتن کارگران بیگار، تحت پوشش بیمه بیگاری منتفع خواهند شد.

ما هرچه گشتم تا آمار جدید و معتبر تعداد کارگران شافل ایران را بدست آوریم نتوانستیم. آخرین آمار در دسترس ما مربوط به ده سال پیش بود. از همه شما تقاضا می‌کنم که اگر دسترسی به آخرین آمار مربوط به نیروی کار دارید، حتما ما را مطلع سازید.

اما نکته اصلی نامه رفیق "ب" مربوط است به پاراگراف "آمارشیت محکوم است" از مقاله "کارگران شرکت واحد" شماره ۷ عین نامه را در زیر می‌خوانید:

به رفقای کمیته ایجاد اتحاد کارگری علیه بیگاری! توجه‌تان را به چند نکته در مورد "علیه بیگاری" شماره ۷ جلب می‌کنم:

۱- در مقاله "سخنی با کارگران شریف و زحمتکش شرکت واحد اتومبیلرانی تهران" بخشی آمده است با عنوان "آمارشیت محکوم است!". فکر می‌کنم شکل بیان و استدلال این قسمت می‌تواند توهماتی بوجود آورد. اشکال اساسی این بخش اینست که با پذیرش

مانع اخراج ما، قدرت شورای ماست! دست توانای ماست! کارگران اتحاد!

منطق و نحوه استدلال سردمداران حکومت و بسا استفاده از همان منطق می خواهد به مقابل برخیزد و جوابشان را بدهد. به این صورت که قبول می کند در شرایط فعلی هرگونه افشاش باعث کودتا و روی کار آمدن نیروهای طرفدار اوصی و بختیار می شود و آنگاه سعی می کند نشان دهد که این نه کارگران بلکه آقای رضوانی مدیر عامل شرکت بوده است که ایجاد هر و مرج نموده. توجه کنید که با این منطق اگر اعتصاب از اقدام مستقیم و بدون هرگونه تحریک کارفرما مثلاً جهت افزایش حقوق آغاز می شد، دیگر ما خلع سلاح بودیم و نمی توانستیم حرفی بزنیم. فکر می کنم می باید اساساً منطق حکومت یعنی این موضوع را که مبارزات کارگران ضد انقلاب (بخصوص اپوزسیون امپریالیستی) را نقضت می کند، رد می نمودیم و نشان می دادیم که قدرت متشکل کارگران بهترین حربه مقابله با اقدامات ضد انقلاب مغلوب است.

(ب)

رفقا "جمفر و رضا" هم در نامه مشترک خود به همین بند از مقاله ایراد گرفته اند:

رفیق تقی:

مقاله "سخنی با کارگران شریف و زحمتکش شرکت واحد راتوبوسرانی تهران" را نوسه بار خواندم. اعلامیه و اقدام راه جدیدی در تنظیم و نگارش اعلامیه و مقاله تبلیغی و هم چنین آموزش سیاسی خوانندگان است. مقاله با زبانی توده ای و همچنان علمی به طرح و مبارزه با منطق کم و بیش رایج در بین توده های ناآگاه می پردازد و از این نقطه نظر به هدف خود که آموزش سیاسی خوانندگانش است به بهترین وجهی سرمد. اما بنظر من در قسمت "آنارشیزم محکوم است" انحراف راست در طرح منطق تو بچشم می خورد.

که البته نمی توان گفت این خط غالب مقاله است و بسا یک گرایش سیاسی انحرافی غالب است، لیکن به علت ظرافت مسئله می بایست به این قسمت برخورد شود و به بیان درست و علمی با همان زبان روان مقاله نشان داد که چگونه باز "آنارشیزم محکوم است". بنظر من خود تو باز با بهترین زبانی می توانی نشان دهی که چگونه می توان و می بایست مبارزه با برنامه و مطالبات معین و مشخص را در هر تظاهرات، اعتصابی بطور دقیق مطرح کرد و چگونه می بایست تظاهرات و میتینگ ها را از هدنی در خود، تبدیل به ابزار مبارزاتی برای تحقق خواستها و مطالبات بر حسب کارگران و زحمتکشان کرد. بدون شک خواست و مطالبات کارگران واحد نیز، خواست تمامی کارگران در مورد سود صبر، عیدی و پاداش - این بخش از متمرد کارگران - نیز می باشد. اما آنچه در مبارزه کارگران واحد بچشم می خورد - علیرغم ضعف های رهبری آن - مبارزه متشکل آنها بر سر یک خواست مشترک و معین است، و از این نظر کارگران شرکت واحد در چگونگی طرح خواست و مطالباتشان و چگونگی تحقق بخشیدن به این خواست، بیشک آگاهانه عمل کردند. و از اینرو می توان گفت این حرکت منجمده در جنبش کارگری ما بود، که تأثیر بسزایی در میان اقشار مردم زحمتکش داشت.

اما در مقاله آمده است "استدلال آنها اینست: افشاش در شرایط فعلی بفتح امپریالیسم است و به کودتاگران کمک خواهد کرد و هر کس هرج و مرج ایجاد کند چه خواهد و چه نخواهد در خدمت کودتای امپریالیستی است." به آنها بگوئید ما کارگران هم همین را می گوئیم. "رفیق در اینجا تو می بایست این منطق ارتجاعی را باز کنی، ماهیت و منظور او را از این گفته به همان زبان روشن گردانی، نشان دهی که چگونه ارتجاع حاکم با این منطق که شط بر علیه ما هستند و لاجرم مزدور آمریکا! مبارزات کارگران و زحمتکشان را سرکوب می کند و سپس نشان دهی که چگونه مبارزه متشکل کارگران شریف شرکت واحد نه تنها "هرج و مرج" به مفهوم علمی اش نبوده بلکه مبارزه ای حقانیت دار بنظر کسب بخشی از متمردشان بوده است، یکباره رهنمود داده ای که "به آنها بگوئید ما کارگران هم همین را می گوئیم." و بدین ترتیب هم کارگران را از آموزش واقعی محروم کرده ای، هم منطق ارتجاع را ناخود آگاه تأیید کرده ای و هم اینکه تو هم گمراهی را در این زده ای.

در ثانی، رفیق تو مبارزه کارگران شرکت واحد را بنویسی "افشاش" و "هرج و مرج" معرفی کرده ای که این بنظر من بهیچ وجه با مبارزات کارگران شرکت واحد خوانایی ندارد.

در ادامه مقاله رفیق متأسفانه این درک و استدلال را تعمیق بخشیده ای بطوریکه گفته ای "در شرایط فعلی هرج و مرج و افشاش به نیروهای طرفدار بختیار و اوصی و به ضد انقلاب در بدر شده فرصت می دهد تا با یک کودتا یا با استفاده از شرایطی که ایجاد می شود بر سر کار بازگردند." و "... این ما کارگران شرکت واحد نبودیم که در این شرایط حساس هرج و مرج ایجاد کردیم." در حالیکه بهیچ وجه مرزی بین مبارزه برای رسیدن به خواست و مطالبه برحق با هرج و مرج طلبی، صرفاً ایجاد افشاش کردن، بدون اینکه هدف مبارزاتی داشته باشند، نگشیده ای و از این لحاظ به این جا افتاده ای که بگوئی، "این ما نبودیم که هرج و مرج کردیم." رفیق بیشک در اینجا می بایست نشان داد که مبارزه از نقطه نظر ارتجاع، هرج و مرج و افشاش معنی نمی دهد و از نقطه نظر ما هرج و مرج معنی دیگری دارد. و مبارزه کارگران واحد هرج و مرج نبود. از طرف دیگر تو در اینجا آلترناتیو اپوزسیون امپریالیستی را بر جسته کرده ای و از آن لولوی سرخزنی در مقابل مبارزات کارگران و زحمتکشان کرده ای. که هم تو میدانی و هم هزاران کارگر و زحمتکش آگاه، که ایمن محسوم فکری و کزک ارتجاع در مقابل مبارزات مردم است. در ثانی در اینجا گفته ای که "ما کارگران شرک کت واحد نبودیم که در این شرایط حساس هرج و مرج ایجاد کردیم." و در ادامه مقاله گفته ای "این آقای رضوانی مدیر عامل شرکت بود که در این وضعیت حساس ناگهان قرارداد دست جمعی ما را زهر پسا گذاشت. من نمی دانم منظور از "شرایط حساس" و "وضعیت حساس" و "..... چیست؟" "حساس" بسودن شرایط و وضعیت را با توجه به کدام مسئله ذکر

کرده‌ای و اگر هم نخواهم مثل ملانقطی عمل کرده‌ام ولی لازم می‌دانم این توضیح را بخواهم که "شرایط" به چه علت حساس است؟ آیا شرایط بعثت درگیر بودن دولت ایران در جنگ است که حساس است؟ که در اینصورت باید گفت شرایط بیشتر برای رژیم جمهوری اسلامی بعثت درگیرش در جنگ حساس است! و از برای ما نه به علت درگیری در جنگ بلکه در لحظات سرنوشت ساز انقلاب است حساس است. که بدین وسیله شرایط و مقولات برای ما و رژیم و کل بورژوازی و امپریالیسمنا به علل دیگر حساس است. اما نکته مقاله این استنباط را می‌دهد که مثلا ما هر دو به علت شرایط جنگ و فیره به یکسان و یا در یک جهت در وضع حساسی بسر می‌بریم.

در ادامه مقاله باز آمده است که "این آقای رضوانی بود ... که ... قرار داد دسته جمعی ما را زهر پا گذاشت، ... خود اینکار یعنی افشاش" اینجا دیگر منطق علمی جایش را به جر و بحث کودکانه داده است. اینجا لازم است که ماهیت حرکت بورژوازی را در حمله به سطح معیشت کارگران نشان داده می‌شد - همینطور که در اول مقاله اینکار شده است - نشان داده می‌شد که چطور رضوانی ضد کارگر، برای خوش خدمتی به دولت، حمله به چند رفاذ حقوق و دستمزد کارگران می‌برد. نه اینکه استدلال شود باول او بود که دعوا را شروع کرد و از این قبیل ... بهر حال خلاصه کم بنظر من لازم است که در شماره بعدی قلیه بیگاری به این گوشه مقاله برخورد شود.

جعفر - رضا  
۶۰/۱/۱۶

رفقا در نامه‌های خود به ما هشدار داده‌اند که بخش "آنا رشیست محکوم است" از مقاله فوق‌الذکر می‌توانست استنباطات فلفلی به خواننده بدهد.

باید بگوئیم همینکه خود رفقا چنین استنباطاتی داشته‌اند، اثبات کننده صحت ادعای آنهاست. پس ما هم می‌بذیریم که مقاله ما در این بخش نقایص داشته است که می‌تواند سوء تعبیرهایی را ایجاد کند.

اما ما بر خلاف رفقا هیچکدام از حرفهایمان را در این بخش از مقاله مردود نمی‌دانیم. بدام منطق ارتجاع افتادن نمی‌دانیم، انحراف به راست، دامن زدن به توهمات، هرج و مرج جلوه دادن مبارزات کارگران واحد و فیره نمی‌دانیم. بنظر ما حرف‌ها و استدلال‌ها ما در این بخش همگی درست بوده‌اند، لکن کافی نبوده‌اند. ایبراد مقاله ما تنها در این است که نتوانسته است درها را بروی این "تعبیرات کما بیش رایج" کاملا ببندد. در واقع آن جدل فرضی ما در انتها بحث حرف را هنوز ضربه فنی نکرده رها کرده‌ایم.

همانطور که گفتیم استدلال‌ها ما در این بخش از مقاله صحیح بوده‌اند استنباط رفیق جعفر، استنباط فلفلی است. او می‌گوید که ما "مبارزه کارگران شرکت واحد را بنوعی افشاش و هرج و مرج معرفی کرده‌ایم" اتفاقا این دقیقا همان کاری است که ما نکرده‌ایم. ما موگدا نفس عمل رضوانی را ایجاد هرج و مرج خوانده‌ایم نه عکس‌العمل کارگران در مقابل کار او را...

کارگر توافق کرده است که در مقابل حقوق و مزایای معینی کار کند وقتی حق او را ندهند او هم کار نمی‌کند. می‌بینید که کارگر هیچ چیز را بهم نریخته است!

کارفرما توافق کرده است که حقوق و مزایای معینی را تا تاریخ معین ( سررسید قرارداد دسته‌جمعی) پرداخت کند. علیرغم این توافق در نیمه کاره در می‌آورد و از انجام تعهد خود شانه خالی می‌کند. پس او است که کارها را بهم ریخته و افشاش ایجاد کرده و مطابق حکم ما (وید - می) بنفع امپریالیسم عمل کرده است!

از شما می‌پرسم، در مقام دفاع در مقابل کسی که به کارگر شرکت واحد بخاطر این اعتصاب معین می‌گوید "ایجاد افشاش در شرایط فعلی بنفع امپریالیسم است" کجای این استدلال معیوب است؟

این استدلال کاملا صحیح است اما اشکال اینست که ما یک بحث خاص را مطرح کرده‌ایم بی آنکه آن اصل عامی را که نقطه حرکت و اتکا، ما است، ذکر کرده باشیم.

کارگران شرکت واحد در یک اعتصاب معین، در یک جو اجتماعی معین، با یک شگرد تبلیغاتی معین دولت ضد - انقلابی مواجه می‌شوند. دولت، کارگران را زهر بمباران تبلیغاتی عوامفریبانه خود می‌گیرد و می‌کوشد تا با استفاده از دل‌نگرانی اقشار وسیعی از مردم نسبت به نا اهنسی اوضاع اقتصادی‌شان و با چسباندن مهر هرج و مرج طلب به کارگران شرکت واحد مردم را در مقابل آنان قرار دهد. عوامل رژیم با استفاده از گسترده‌ترین امکانات تبلیغاتی بوق و کرنا بر می‌دارند که به کارگران واحد مانع ثبات اقتصادی اند، هرج و مرج طلبند، افشاش می‌کنند و میخواهند بختیارها و پالیزبانها را بقدرت برسانند. در چنین اوضاعی و در مقابل یک حرکت تبلیغاتی معین رژیم، رهنمود ما به کارگران واحد باید کاملا مشخص باشد. ما می‌خواهیم رژیم را سرپا از این حربه برنده تبلیغاتی محروم کنیم. چه باید بکنیم؟ از کارگران واحد بخواهیم در طی همان مدت‌ها مردم چه بگویند؟ اول: باید بگویند که در این مورد مشخص چه کسی هرج و مرج طلب و جاده صاف‌کن بختیار بوده است، کارگران واحد یا خود حضرات؟! و این تمام بحثی است که در قسمت "آنا رشیست محکوم است" آمده است.

اما اشکال کار هم دقیقا همین است. زیرا گفتن این کافی نیست و در عین لازم بودن می‌تواند توهم‌زا باشد. زیرا در دوم کارگران باید بدانند که هر هرج و مرجی فلفلی نیست. مبارزه علیه سرمایه‌داری در نظم و نسق این نظام اختلال می‌کند، هرج و مرج بوجود می‌آورد. قیام علیه ظلم و استثمار نمی‌تواند دستگاه ظلم و استثمار را دستخوش هرج و مرج نکند اما در این موارد آنچه برای سرمایه‌داران هرج و مرج است، می‌تواند برای کارگران عین نظم باشد، مبارزه‌ای منظم و آگاهانه و حساب شده، کارگران آگاهی که علیه سرمایه‌داری به پا می‌خیزند، برای سرمایه‌داران افشاش به بار می‌آورد و خوب کاری هم می‌کند! این آن اصل عام ما در برخورد به مسئله هرج و مرج است. بحث ما در هر دو حالت ناقص می‌بود اگر برخورد خاص به تبلیغات رژیم را می‌گفتیم و اصل عام را نمی‌گفتیم و یا بالعکس اگر اصل عام را می‌گفتیم و

کارگر، کارگر، (دشمن ارتجاع است!) مظهر انقلاب است! دشمنت ای کارگر!

دشمن انقلاب است!

برخورد خاص را ذکر نمی‌کردیم.

خود را جای آن کارگر و کارمند و آن زن خانه‌دار بگذارید که تمام ننه من فریبم های "ایران شیلی شده" بهزاد نبوی ها راشنیده است و الان مثلا از زبان راننده واحد می‌شنود :

"آری ما هرج و مرج می‌خواهیم، خوب کاری هم میکنیم!" این تمام آن حکمی است که در ذهن شنونده مربوطه، اگر از دانش سیاسی بالایی برخوردار نباشد، حک می‌شود. خودتان درجه توفیق رژیم را در تبلیغاتش، در این حالت تصور کنید.

البته ما می‌توانستیم آنجا که به کارگر واحد تهممت ایجاد افشاشان زده شده است همانگونه از او دفاع کنیم که علی‌المصوم از کل کارگران در مقابل چنین تهمتی دفاع می‌نمائیم. اما این شیوه دفاع همه مضار یک کلی‌گویی را با خود می‌داشت و در واقع شاید بتوان گفت که فلفله می‌بود. بگذارید مثالی از کلی‌گویی در مورد خاص بزنیم تا مسئله روشن شود: (البته مورد مثال را با مسئله مورد بحث مقایسه نکنیم)

مالکیت خصوصی برای بورژوازی مقدس است و "دزدی" از آنجا که دست‌درازی به این مقدمات است در جامعه بورژوا نهایت درجه مذموم است. دزدی کردن، از همان ابتدا بعنوان یک عمل مطلقا نكوهیده و بد در نزد همه بخصوص دانش‌آموزان و کودکان تلقیح می‌شود. حتی طرفداران پرو و پاپا قرص مالکیت خصوصی معتقدند که باید دست‌دزدان را قطع کرد!

رفیق صمد بهرنگی به همه ما و شما بخوبی یاد داده است که چگونه در مقابل مدافعان تقدس مالکیت خصوصی از "دزدان" در یک جامعه طبقاتی دفاع کنیم و نشان دهیم در جامعه‌ای که ثروت اینچنین ناعادلانه تقسیم شده است، دزدی نه تنها مطلقا بد نیست بلکه گاهی خوب است.

حال از شما که آموزشهای رفیق صمد را خوب بخاطر سپرده‌اید می‌پرسیم:

اگر در خیابان پاسیانی به دروغ شما را متهم کند که کیف پول عابری را دزدیده‌اید چگونه از خود دفاع خواهید کرد؟

آیا برای اینکه دفاعیات شما بدر همه روز و همه کس بخورد این را خواهید گفت:

"چه کسی گفته است که دزدی در جامعه طبقاتی کار بدی است؟ گیرم که من دزدی کرده باشم...؟!!"  
یا اینکه مثل هر آدم معمولی دیگری می‌گویید:  
"اشتباه گرفته‌اید من ندزیده‌ام!"

اگر بنوع دوم از خود دفاع می‌کنید (که حتما می‌کنید) به رفتای ما (جعفر، رضا و "ب") نگوئید، چون آنها شمار را متهم خواهند کرد که با این دفاع دیگران را در مقام دفاع از دزدی، در جامعه‌ای که گناه دزدی تنها راه زنده ماندن است، خلع سلاح کرده‌اید!

از شوخی بگذریم و به موضوع برگردیم. فرض این بود که نشان دهیم کلی‌گویی در یک مورد خاص هیچ دردی را بخودی خود دوا نمی‌کند.

با آن شیوه استدلال که حل مسئله معین در مسکن مشخص خودش را در نظر دارد، توانسته‌ایم بعد سیاسی عمل رضوانی را هم برجسته سازیم. بدیهی است که او یک کارگزار بورژوازی در حمله به سطح معیشت کارگران است

(این را هر کارگر واحد بخوبی لمس کرده است) آنچه ما کرده‌ایم این است که با توجه به ذهنیت موجود توده‌ها رضوانی را بعنوان یک زبینه ساز کودتا هم افشا نمودهایم و از هر کس که از موضع ضدیت با امپریالیسم به کارگر واحد حمله کرده است خواسته‌ایم که اگر در ادعای خود بیگمراست به یک آکسیون تعرض معین علیه یک دشمن مشخص کارگران - یعنی رضوانی، بپیوند و یاری رساند.

آیا بنظر رفقا ما می‌توانستیم که با شکل استدلال پیشنهادی آنان به چنین نتیجه مشخص برسیم؟

مگر نه اینست که چند کارگر کارخانه با هر در اثر پرداخت نشدن سود ویژه فریاد جاهد شاه سر دادند؟

آیا شما هم این خطر را حس می‌کنید که ممکن است آن کارگر ناگاه شرکت واحد هم طرفدار آن ژنرال کودتاچی بشود که با شعار "نظم، قانون، امنیت" به میدان می‌آید و تضمین می‌کند که کثبه "قراردادها" مطابق قانون اجرا شوند؟

اگر چنین است باید ما با موافق باشید که مسئله هرج و مرج و افشاش را در رژیمیم تا بتوانیم رضوانی را بعنوان یک زبینه ساز کودتای امپریالیستی نیز افشا کنیم.

اما تاکید بکتابخانه ما بر پاسخگویی مشخص به یک حمله تبلیغاتی مشخص رژیم و ذکر نکردن اصل عام باعث می‌شود که خواننده و از جمله همین رفقا، همان اصل خاص را عام کند و از حرف ما احتمالا این را بفهمد که:

وقتی شما به این طریق عمل رضوانی را که نقص مفید کرده است ایجاد هرج و مرج و در خدمت امپریالیسم معنی می‌کنید، آنگاه ناچارید که در موارد دیگر و معمولتر یعنی وقتی کارگران ابتدا به ساکن، بدون هیچ تحریکی از جانب کارفرما، برای افزایش دستمزدهاشان نقص مفید می‌کنند، آنها را نیز ایجاد کننده هرج و مرج و لاجرم در خدمت امپریالیسم بدانید و در واقع کنار جمهوری اسلامی قرار بگیرید.

رفقا معتقدند که ما با این شیوه استدلال خود را در مقام دفاع از اعتصابات که با اقدام مستقیم کارگران صورت می‌گیرند خلع سلاح کرده‌ایم و نتیجه می‌گیرد که نمی‌بایست مسئله را از سر "ایجاد هرج و مرج" می‌گرفتیم.

اگر ما با ذکر نکردن اصل عام خود منشا "سو" تمهیر شده‌ایم رفقا با خاص ندیدن مسئله به کلی گویی و تکرار اصول می‌افتند و لذا در واقعیت امر به کارگران هیچگونه رهنمودی در باره چگونه غنشی کردن تبلیغات معین رژیم نمی‌دهند. این بحث کلی رفقا ارزش تبلیغاتی ندارد و در مقابل سم پاشی‌های رژیم یک اصل علمی و اصولی در ساره هرج و مرج را قراض می‌دهند. این اصل حتما باید در میان کارگران ترویج شود اما خواستن اینکه کارگران واحد این بحث را با مردم بکنند، آنها را در شرایطی که برای جدا انداختن این بحث در میان تمدن قابل ملاحظه‌ای از خود کارگران واحد باید مدتها تلاش و کوشش کرد، ذهنی‌گرائی است، ندیدن اهمیت و جایگاه ذهنیت موجود مردم در امر تبلیغات کارگری و کمونیستی است.

اما چه چیز باعث شد ذکر آن اصل عام در مقاله کارگران شرکت واحد را فراموش کنیم و در قسمت آخر مقاله مورد بحث تنها به مقابله تبلیغاتی عاجل با تبلیغات رژیم بپردازیم.

علت اینست که به اعتقاد ما، ما نباید در بحث بر سر بقیه در صفحه ۲۶



# اخبار خارجی

## ★ قطع کمبای خارجی

دولت بریتانیا قصد دارد که کمک ۱۰۰ میلیون پوندی خود به کشورهای خارجی را قطع کند. این عمل باعث صدمه خوردن به اقتصاد انگلستان و کشورهای خارجی خواهد شد. بازتاب اصلی قطع کمکها در اقتصاد انگلستان یعنی از دست رفتن ۱۵۰۰۰ شغل در این کشور، بهم خوردن موازنه پرداختها، خسارت دیدن بسیاری از شرکتهای کوچک و وخیم تر شدن وضع اقتصادی حداقل یک ناحیه یعنی اسکاتلند. بنا بر تحقیقات دوفنر از اقتصاد دانهای دانشگاه انسدروز از هر پنج شرکت کوچک در بریتانیا یکی از آنها که از ۱۰۰ نفر شاغل کمتر دارد خسارت خواهد خورد. با توجه به اینکه اسکاتلند ۸/۵ درصد کل محصولات تولیدی بریتانیا را تولید میکند و میزان تقاضایی که دریافت میکند ۲۴/۵ درصد است. قطع کمک خارجی ۱۰۰ میلیون پوندی، بیکاری در این ناحیه را که هم اکنون ۱۱/۶ درصد است به میزان زیادی افزایش خواهد داد.

گاردین - سه شنبه ۵ اسفند

## ★ تمحیف نژادی

روز سه شنبه ۵ اسفند از طرف انستیتوی مطالعات سیاسی که یک تشکیلات مستقل در بریتانیاست گزارش شد. سواره تمحیف نژادی و بیکاری در بین اقلیت های نژادی منتشر شد. این تحقیقات در سال ۱۹۷۹ انجام شده است. بر طبق این گزارش سیاهان بیشتر از سفیدها بیکارند و میزان اخراج سیاهان بیشتر از سفیدهاست. همچنین در این تحقیقات نشان داده شده که ۸۲ درصد از مردان سیاه و ۵۹ درصد از آسیائیهها معتقدند که کارفرمایان در مورد آنها نسبت به سفیدها تمحیف قائل میشوند. مقایسه این ارقام نسبت به تحقیقات سال ۱۹۷۴ نشان میدهد که تمحیضات نسبت به سیاهان افزایش زیادی داشته است. بطوریکه تعداد مردان سیاه که مستقما مورد تمحیف واقع شده اند از ۱۶ درصد در سال ۱۹۷۴ به ۲۸ درصد افزایش یافته و زنان سیاه از ۱۵ درصد در سال ۱۹۷۴ به ۲۵ درصد افزایش یافته است. همچنین رقم بیکاران مشخص و نیمه مشخص بالاترین رقم بین سیاهان و سفیدهاست. میزان اخراج از کار برای سیاهان ۳۱ درصد هندوها و ننگلادشیهها ۲۹ درصد و سفیدها ۱۹ درصد است و ۶۳ درصد از آسیائیهها معتقدند که اخراجشان ضحمانه نبوده است. قابل توجه است که تعداد افرادی که از اقلیت های نژادی به اتحادیه های کارگری پیوسته اند بیشتر از سفیدهاست.

گاردین - سه شنبه ۵ اسفند

## ★ بیکاری دوباره افزایش یافت

بیکاری در ماه اسفند در بریتانیا ۴۳/۸۴۳ نفر بوده است که رقم کل بیکاران را هم اکنون به ۲/۴۶۳/۲۹۴ نفر رسانده که معادل با ۱۰/۲ درصد از کل نیروی کار است. میزان بیکاری از آبان سال گذشته در هر ماه ۱۰۰/۰۰۰ نفر

افزایش داشته است بجز این ماه که به نصف رسیده است. در این ماه ۵۶/۱۰۳ نفر از افراد صن از کار بیکار شده اند. با اینکه ۱۲/۲۶۰ نفر از نرخ التحمیلان مدارس کار پیدا کرده اند هنوز ۹۰/۰۷۵ نفر از آنها بیکارند.

گاردین - سه شنبه ۵ اسفند

## ★ بیکاری در آلمان غربی

آمار بیکاری در آلمان غربی طبق گزارش روزنامه گاردین بین ۴/۵ تا ۵ درصد پیش بینی شده است که این رقم معادل با ۱/۲ تا ۱/۳ میلیون نفر بیکار است. این رقم نسبت به سال قبل که ۹۰۰/۰۰۰ نفر بوده افزایش پیدا کرده است.

گاردین - چهارشنبه ۶ اسفند

## ★ موقعیت بریتانیا در جدول اعتمابها

بر طبق آماري که روز ۵ اسفند منتشر شد تعداد اعتماب های سال گذشته بریتانیا، از هر سالی بعد از ۱۹۴۱ کمتر بوده است و تعداد روزهاییکه صنایع از دست داده اند کمتر از نصف کل اعتمابهای ده سال گذشته بوده است. در سال ۱۹۸۰ تعداد ۱/۲۶۲ اعتماب روی داده است و ۱۱/۹۱۰/۰۰۰ روز از دست رفته، در مقایسه با ۱۹۷۹ که ۱۲/۵۹۸ اعتماب روی داده و ۲۹/۴۷۴/۰۰۰ روز از دست رفته است، ارقام سال ۸۰ به میزان کثری است. حد متوسط مجموع روزهاییکه توسط اعتماب ظرف ۱۰ سال گذشته انجام شده ۱۲/۸۷۰/۰۰۰ روز میباشد. آمار نشان میدهد که بزرگترین سهم روزهای از دست رفته در سال گذشته متعلق به اعتماب عمومی کارگران نولاد است که سبب شد ۸/۸ میلیون روز از دست برود. شش اعتماب باعث از دست رفتن ۸۰ درصد از کل روزها شده است. البته دربارتمان استخدام فقط روزهایی را که اعتماب برای افزایش دستمزد و شرایط کار بوده بحساب آورده است. بریتانیا اکنون موقعیت مابقی را در جدول اعتماب بین المللی دارد. بیشتر بین اعتماب طبق معمول در ایالات متحده، کانادا، استرالیا و ایتالیا بوده است.

گاردین - ۶ اسفند

## ★ در مقابله با افزایش کرایه اتوبوس بین ۱-۸ پنس (معادل

۱ پنس) در بریستول شرکت اتوبوسرانی سراسری، ۹ نفر از رانندگان خود را اخراج کرده و ۳۰ نفر دیگر راهم که از افزایش کرایه در اتوبوسها سرپیچی کرده اند حکمشان را معلق گذاشته است. از ساعت ۴ روز ۱۹ اسفند ۳۰۰ نفر از کارگران بلکمیک از طرف مدیریت اظهار و مورد بازخواست قرار گرفته و متهم به "بی نظمی" در کار شده اند و بطور موقت در همانروز به منزل فرستاده شده اند. رانندگان شرکت میگویند که در حال حاضر این شرکت بیشترین کرایه اتوبوس را در سراسر بریتانیا میگیرد و شرکت در آخرین افزایش کرایه حدود ۹ درصد از تعداد صانران خود را از دست داده است و در حال حاضر کرایه اتوبوس برای هر ایستگاه ۱۱ پنس است. "دیگر مردم قادر به پرداخت این کرایهها نیستند"، رهبر یکی از شعبه های اتحادیه رانندگان گفت که "اگر ما همین ترتیب به افزایش کرایهها ادامه دهیم شغلان را برای همیشه از دست خواهیم داد." مدیریت شرکت اتوبوسرانی برای جبران ۲ میلیون پوند ضرر سال گذشته طرح جدیدی برای سرویس اتوبوسرانی داده است که در این

طرح چهار آمادگاه اتوبوس بسته خواهد شد که منجر به بیگاری شدن ۵۵۰ نفر از کارمندان براندگان این شرکت خواهد شد.

گاردین - ۲۱ و ۲۰ بهمن ۵۹

★ روز چهارشنبه ۱۱ نوبه (۲۲ بهمن) هیئت مدیره ذغال سنگ انگلستان (NCB) اعلام کرد که در عرض دو سال آینده بین ۲۰ تا ۵۰ گودال بسته خواهد شد که منجر به بیگاری شدن ۲۰/۰۰۰ نفر از ۲۳۰/۰۰۰ نفر نیروی کار در این رشته خواهد بود. رهبران اتحادیه معدنچیان اظهار داشتند که کارگرانی که بیگاری میشوند حدود ۳۰/۰۰۰ نفر میباشند و نه ۲۰/۰۰۰ نفر. آنها اظهار داشته اند که اگر راههای آنها برای جلوگیری از اخراج کارگران به نتیجه نرسد، اتحادیه برای اعتصاب عمومی رای گیری خواهد کرد. مناطق جنوب ویز، اسکاتلند و نورث ایست جزو مناطقی است که بیشترین عمده رادراثر بسته شدن گودالها خواهد خورد. مجموع گودالهایی که در حال حاضر کار میکنند ۲۱۹ عدد میباشد که ۸ عدد آن در سال گذشته بسته شده است.

گاردین - ۲۲ بهمن ۵۹

★ رهبران اتحادیه کارمندان اداری کمپانی انگلیسی لیلاند که ۱۹۰۰۰ نفر از کارمندان اداری را نمایندگی میکنند روز ۲۱ بهمن توسعه به برگزاری جلسه عمومی برای بحث را کردند تا درباره اخراج اجباری کارمندان این کمپانی که بر آنها تحمیل شده است گفتگو و تصمیم گیری بکنند. در پیرو مذاکره بین رهبران این اتحادیه و نمایندگان کمپانی قطع شد زیرا که مذاکرات در مورد زمان و چگونگی کاهش کارمندان به نتیجه نرسید. کمپانی لیلاند انگلیس اعلام کرده است که بایست ۲۰۰ نفر از کارمندان خود را کاهش دهد. تاکنون ۳۳۴۲ نفر داوطلبانه حاضر به ترک کار خود شده اند. اولین سری اخراجها از اواخر نوبه درین سال که حدود ۹۰۰ نفر میباشد آغاز خواهد شد.

گاردین - ۲۱ بهمن ۵۹

★ کامپیوتر اضافی برای محاسبه مالیات حقوق بیگاران

طبق گزارش اداره استخدام بریتانیا تعداد بیگاران تا آخر اسفند سال بالغ بر ۳/۱ میلیون نفر خواهد رسید. اداره استخدام اعلام کرد که ۱۷۰۰ نفر کارمند جدید برای شعبه های این اداره تا آخر نوبه درین اختصاص خواهد داد. سخنگوی اداره استخدام اعلام کرد که دولت در نظر دارد دو عدد کامپیوتر جدید یکی از نوع ICL 2956 و دیگری از نوع ICL 2926 اولی در بهار و دومی در پاییز اسفند در اسکاتلند نصب کند. این کامپیوترها برای محاسبه میزان مالیات سنگین دولت از حقوق بیگاران بدست میآورد. علاوه بر دو کامپیوتر فوق در حال حاضر چهار کامپیوتر دیگر از نوع DHSS با ظرفیت ترکیبی وجود دارند که قادر به رسیدگی تا میزان ۲/۸ میلیون بیگاری است.

گاردین - ۲۱ بهمن ۵۹

★ شرکت نساجی و الیاف کورتالوز ۱۹۰۰ نفر از کارگران خود را اخراج کرد و تولید نخ ناپلئون را متوقف کرده است. بیشترین تعداد کارگران اخراجی در نواحی هستند که میزان بیگاری ر آنجا بالاست، یکی در کارخانه مرس سائز ناحیه ای

از لیونپول است که ۱۵۵۰ نفر از کارگران خود را اخراج کرده و کارخانه دیگر در بلفاست است که ۳۰۶ نفر از کارگران خود را بیگاری کرده است. بقیه کارگران بیگاری شده در نواحی کاونتری و ناحیه اسپادن در داون شایر هستند. کارگران اعلام کرده اند که در آخر این هفته در لندن دست به تظاهرات خواهند زد تا علیه این اخراجها اعتراض کنند. بالاترین رقم کارگران مازاد بر احتیاج (بیگاری) از کارخانه کورتالوز بوده است که در عرض ۱۸ ماه گذشته تعداد ۲۵۰۰۰ نفر از کل نیروی کارگری خود را اخراج کرده و تعداد کارگران را به ۷۰۰۰ نفر کاهش داده است. شرکت کورتالوز اعلام کرده است که قطع تولید بدلیل کاهش بازار از سال ۱۹۷۳ در زمینه های الیاف ناپلونی، انواع مختلف بانتهای نساجی بوده است. بویژه که تعداد زیادی از مشتریان این کارخانه بحالت بحران اقتصادی موجود بیگاری گشته اند. تولید اسفند ۳۵ درصد کاهش یافته و این کاهش در زمانی است که قیمت ها افزایش یافته، حجم تولید زیاد اروپا، بالا بودن ارزش پوند همراه با فشار واردات بخصوص از ایالات متحده که فشار زیادی در کاهش آوردن قیمت ها داشته است. رهبران اتحادیه کارگری در مرس سائز بلفاست بلافاصله نگرانی خود را نسبت به شرکت کورتالوز مبنی بر اخراج کارگران اعلام کرده است. یکی از رهبران اتحادیه کارگران حمل و نقل اظهار داشته که کورتالوز می خواهد هر چه زودتر از رشته صنایع نساجی خارج شود. این تصمیم نه فقط در ایرلند شالی است بلکه در سراسر بریتانیا است!

گاردین - ۴ اسفند ۵۹

★ یکی از بزرگترین کمپانیهای خصوصی نولاد که برای صنایع اتومبیل و هواپیما سازی نولاد تهیه میکند در پیرو اعلام کرد که نزدیک به ۱۰۰۰ نفر از نیروی کار خود را که شامل کارگران و مهندسان این کمپانی است باید کاهش دهد. مدیر کمپانی اظهار داشت که ۱۲۵۰ شغل در عرض چند ماه آینده باید از دست برود که از این عده ۹۰۰ نفر از کارگران ساعتی و ۳۵۰ نفر از کارمندان خواهد بود. این شرکت برای مدت سه ماه ساعات کار کارخانه را کم کرده بود. نمایندگان کارگران امروز جلسه ای تشکیل دادند تا پیشنهادات کمپانی را برای مستثنی کردن کارخانه شش و مفتول مطالعه کنند. کارخانه دیگری که بایست بسته شود، کارخانه قطعات آهنگری سبک در شیلد است. مدیر شرکت گفت بریتانیا امروز در بدترین نوع رکود نسبت به سالهای گذشته زندگی میکند و کمپانی ها بحالت بالا بیبودن ارزش پوند، نرخ بهره بالا، قیمت بالای انرژی و افزایش نرخها بطور سختی خسارت می بینند.

گاردین - ۲۹ بهمن ۵۹

★ شرکت شکر انگلستان که تنها شرکت انحصاری تصفیه کننده و تولید کننده چغندر قند در بریتانیا است در پیرو اعلام کرد که ۴ کارخانه از ۱۷ کارخانه خود را بسته است. بسته شدن این کارخانهها منجر به از دست رفتن ۷۵۰ شغل تمام وقت و ۵۰۰ شغل نیمه وقت شده است. این خبر وقتی اعلام شد که رهبران اتحادیه کارگران برای جلوگیری از بسته شدن کارخانه قند لیونپول متعلق به شرکت تیت ولیل که تنها رقیب شرکت شکر است نباید در ۲۲ آوریل بسته شود ناعالیست میکنند. بحران اقتصادی وضعیتی بریتانیا باعث کاهش زیاد

خود بخشی از گروه بین‌المللی صنایع نوسیکومینی سپاست . این کمپانی بسته شدن کارخانه راهبخت کاهش تقاضا در محصولات این کارخانه و کاهش فروش اتومبیل عنوان کرده است .  
منجستر ایونینگ نیوز- ۱۱ اسفند ۵۹

★ کمپانی G & N در انگلستان که یکی از بزرگترین کمپانیهای مهندسی سازنده قطعات تراکتور و وسایل نقلیه است در سال گذشته تعداد ۱۶۰۰۰ نفر از کارگران خود را کاهش داده - است و در بروز اعلام کرده که بعلت رکود و کاهش تقاضای قطعات این کارخانه ۱۲۰۰ نفر دیگر از کارگران خود را کاهش داده - است . بهترین تعداد کارگان بیکار شده در ناحیه تل‌نورد بوده است . با این تعداد میزان بیکاری در این ناحیه به ۱۶/۷ درصد رسیده است که بالاترین رقم بیکاری ناحیه‌های در انگلستان است . سخنگوی کمپانی سال گذشته اظهار داشته است که تعداد کارگران انگلیسی این شرکت به ۱۰۰۰۰-۵۹۰۰۰ کاهش خواهد یافت ، لازم به تذکر است که این کمپانی در نیمه اول سال ۱۹۸۰ صلخ ۲۲/۴ میلیون پوند سود برای فروش در خارج از بریتانیا داشته است .  
گاردین- ۱۷ اسفند ۵۹

## خبرهای کوتاه

★ کارخانه Seddon Atkenson سازنده کامیون در بروز اعلام کرد که بعلت رکود و رقابت در کاهش قیمت در بازار کامیون این کارخانه ۸۱۰ نفر از ۱۸۰۰۰ نفر از کارگران خود را مازاد بر احتیاج اعلام کرده است

★ کارخانه سازنده ماشین تحریر Smith - Corona در وست میدلند انگلستان در بروز بسته شد و ۲۳۰ نفر از کارگران این کارخانه بیکار شدند .

★ Bulmers سازنده شرابهای سبب در بروز اعلام کرد ۱۳۰ نفر از کارگران خود را در عرض یکسال کاهش خواهد داد .

★ شرکت مهندسی Crawley سازنده دستگاههای علمی در انگلستان که دارای ۶۰۰ نفر کارگر متخصص است در بروز ۵۶ نفر از کارگران خود را مازاد بر احتیاج اعلام کرد .

خبرهای کوتاه همگی از گاردین- ۱۷ اسفند

صرف شکر وقت در این کشور شده است . هر دو شرکت ادعا کرده‌اند که آنها در رابطه با رقابت با یکدیگر و همچنین کشورهای مشترک‌المنافع راه دیگری جز بستن این کارخانه و افزایش کارایی کارخانه موجود نداشته‌اند تا بتوانند سه تن شکر اضافی تولید شده در بازار انگلستان را بفروش برسانند . مدیر اجرایی شرکت شکر انگلستان اعلام کرد که سهمیه تولید این کارخانه ۱۵ درصد کاهش خواهد یافت و به میزان ۱/۱۵ میلیون تن خواهد شد . اوگت که کاهش تقاضا برای شکر و رقابت شدید کارخانه قند لیورپول عامل بسته شدن این چهار کارخانه بوده است . این شرکت در سال گذشته بعد از کسر مبالغت مبلغ ۳۱ میلیون پوند سود ثبت کرده است و ناظران اظهار عقیده کرده‌اند که بسته شدن چهار کارخانه این شرکت بخاطر بالا نگه داشتن سود شرکت در سال جاری بوده است . بسته شدن چهار کارخانه قند هم برای این شرکت ۸/۵ میلیون پوند تمام شده است . مدیر شرکت اظهار داشت با بالا بردن میزان بازدهی کارخانه‌های دیگر میزان سود این شرکت در سال جدید قبل از کسر مبالغت حدود ۳۵ میلیون پوند تخمین زده میشود . تصمیم به بسته شدن کارخانه قند لیورپول بعد از شکست خوردن این شرکت در گرفتن سهمیه تولید رقیب گئونی خود بوده است که میزان تولید این کارخانه را تا ۹۳۶۰۰ تن کاهش داده است .  
گاردین - ۲۸ بهمن ۵۹

★ ستولان پنج اتحادیه کارگری در بروز اعلام کردند که طرح آنها برای به عقب انداختن بسته شدن چهار کارخانه شکر انگلستان با شکست مواجه شده است .

گاردین- ۲ اسفند ۵۹

★ صفهای حقوق بیکاری در ناحیه نورت وست در منجستر به چندین برابر رسیده است . رقم اخراجیها نسبت به سال گذشته در همین زمان به میزان ۹۴/۶ درصد بوده است . بیش از ۷۷۰۰ نفر از افراد مختلف مازاد بر احتیاج (بیکار) شده‌اند . اداره استخدام اعلام کرده است که در ماه آینده حدود ۳۸۰۰۰ نفر دیگر ممکن است کار خود را از دست بدهند . کارگران صنعت نساجی بطور بدی در این ناحیه صدمه دیده‌اند و مشاغل از دست رفته در وسعتی برابر ۱۵۰۰ میل نسبت به ژانویه گذشته سه برابر شده است . بیش از ۲۰۰۰ از در قسمت مهندسی کار خود را از دست داده‌اند . این رقم بیش از ۴ برابر نسبت به ژانویه سال گذشته است . همچنین به صنایع تولیدی ، ساختمانی و بخش خدمات خسارات زیادی در این ناحیه وارد شده است .

منجستر ایونینگ نیوز- ۱۲ اسفند

“علیه بیگاری” نشریه  
“کمیته ایجاد اتحاد کارگری علیه بیگاری”  
را بخوانید!  
و دیدگان بدهید!

★ کمپانی لاک واسپنسر سازنده ماشینهای سنگ زنی و سنگ ستاده یکی از قدیمیترین کارخانههای موجود است با ۱۰۴ سال سابقه کار در این رشته از صنعت . این کارخانه اعلام داشته که در اواخر می (خرداد) بسته خواهد شد . بدین ترتیب ۱۸۰ نفر در این کارخانه شغل خود را از دست خواهند داد . این کارخانه تا سال ۱۹۶۰ مستقل بوده و سپس به کمپانی جهانی چرخ ستاده پیوسته که خود این کمپانی بخشی از گروه صنایع یونیورکون است و یونیورکون نیز

به دلیل حجم زیاد مطالب و خبرها مجبور شدیم در آخرین رتایق. که علیه بیکاری به زیر چاپ میرفت مقاله " سکوت معنی دار کار " را حذف کنیم و آنرا به شماره آینده " علیه بیکاری " موکول کنیم .

نابعه‌ای از جنوب شهر تهران

رفقا من دختری از جنوب شهر تهران هستم . نثریه علیه بیکاری را خواندم و بسیار خوشحال شدم که حامیان طبقه کارگر برای کارگران بیکار نثریه‌ای ترتیب داده‌اند که وقتی بخوانی مطالبش را جذب نمی‌کنی نه آرم سازمانی بخصوص را . بهرحال شما تقاضای کمک مالی کردید گرچه وضع ما زیاد خوب نیست ولی مقداری عیدی جمع کرده بودم که با اضافه پول روزانه مقدار ناقابلی برای هدیه شما ترتیب داده‌ام فقط از شما خواهش می‌کنم علیه بیکاری را در جایی که کارگزارانی بیکار جمعند بفروشید نه در میدان انقلاب ، کالج و امثال اینهاها . موفق باشید - م - خ رفیق !

۳۶۰ تومان کمک مالی شما بدستمان رسید . امیدواریم لیاقت اعتماد شما را داشته باشیم . این مقدار ابتدا ناقابل نیست ، هر ربهال کمک مالی شما که خوب می‌دانیم با خون جگر بدست آمده است ، خوبی تازه در درگاهای ما می‌دواند . از این پس نگران کمیت کمک های مالی خود نباشید .

ما هم چون شما می‌دانیم که باید فروشنده‌های نثریات کارگری به محلات کارگری بروند اما خودتان خوب می‌دانید که همه مردم در همه جا از آزادی دفاع نمی‌کنند . اگر شما مردم زحمتکش دوستان ما را از گرسد حمله اوباشان در امان دارید نزل می‌دهیم که نثریه را مثل روزنامه فروش های حرفه‌ای به در خانه تک تک کارگران برسانیم .

تا وقتی زحمتکشان پاسداری از آزادی را وظیفه خود ندانند ، کار ما در مبارزه سخت تر خواهد بود . شما با پیشنهاد خود در واقع از ما مبارزه بیشتری را طلب کرده‌اید و ما دقیقاً بخاطر همین امر از شما زحمتکشان حمایت بیشتری را طلب می‌کنیم .

رفیق ! از این جهت که ما را حامیان طبقه کارگر نامیده‌اید و از آنانکه تنها مبلغ بک آرم هستند متمایز نموده‌اید ، خوشحالیم . اما لازم است تذکر دهیم که آرم سازمان معینی را تبلیغ کردن بخودی خود کار غلطی نیست . بهرحال نیروهای که برای اهداف کارگران مبارزه می‌کنند باید در یک سازمان گرد آیند و از همان سازمان نیز دفاع کنند . بنظر ما تبلیغ کردن ناموشان سازمانی که بیکارگران خدمت می‌کنند نه تنها ابرادی ندارد بلکه وظیفه همه کارگران است .

هواداران نثریه " علیه بیکاری " در اصفهان

اعلامه‌ای با عنوان " همه بیکاری تا زمانی که کار ایجاد نشده است به تمام بیکاران پرداخت باید کرد " . و با امضای هواداران نثریه " علیه بیکاری " - اصفهان ، بدستمان رسید .

در بخش‌هایی از این اعلامیه که خطاب به کار آموزان مبارز نوشته شده است می‌خوانیم .

" رژیم تنها زمانی که مبارزه بیکاران اوج می‌گیرد و کارگران و زحمتکشان بر سر تحقق خواست‌هایشان پای می‌نهند ، قدمی به عقب می‌گذارد ، اما آنقدر عقب نشینی می‌کند که مطمئن باشد که می‌تواند به اعتبار آن ، شور مبارزه و توان انقلابی آنها را تحریف دهد و با با عقب نشینی موقتی اش در صفوف کارگران تزلزل و شکاف اندازد ... "

" بیکاری یکی از خمیسه‌های عام و ذاتی شیوه تولید سرمایه‌داری است و تنها پاسخ قطعی به آن سوسیالیسم است " .

" بیکاری تنها مشکل کارگران و زحمتکشان بیکار نیست بلکه مساله کل آنهاست و مبارزه علیه آن را شاغلین و بیکاران متحداً باید به پیش برند " . ...

برای " هواداران نثریه علیه بیکاری " در اصفهان آرزوی موفقیت می‌کنیم و امیدواریم با تلاش پبگیر خود نقش موشی در اتحاد کارگران ناغل و بیکار و پیشبرد مبارزه آنان ایفا نمایند . و سرمشتی باشند برای همه هواداران کمیته ایجاد در شهرستانهای دیگر .

پیش بسوی " اتحادگاری علیه بیکاری " ! ک . ا .

**" علیه بیکاری " به کمک مالی شما نیازمند است**



شهید :

« اخراج کارگران کارخانه تیم »

در روز ۲۴ اسفند مدیریت کارخانه تیم شهید تصمیم می‌گیرد که ۳۰ کارگری را که طبق لایحه شورای انقلاب ( ۵۵٪ ) استخدام شده بودند بیکار نماید . از مدت ۶ ماه قرارداد در حدود یک ماه باقی مانده بوده است . این کارگران اخراج می‌شوند و سپس ۱۵ نفر دیگر نیز که از طریق استانداری استخدام شده بودند اخراج می‌شوند . کارگران اخراجی اعتراض می‌کنند و حکم مدیریت را قبول نمی‌کنند . به اداره کار شکایت کرده و خواستار رسیدگی به وضع خود می‌شوند .

در جلسه‌ای که با شرکت نماینده وزارت کار و کارگران اخراجی و کارفرما تشکیل می‌شود ، وزارت کار حق اخراج توسط کارفرما را عملی قانونی دانسته و به کارگران اتهام اخلاک‌گر و ضد انقلاب می‌زند . و کارگران بدون هیچگونه دستاوردی آنها را ترک می‌کنند . موضوع مطرح شده ما بین خود و کارفرما و اداره را با سایر کارگران کارخانه در میان می‌گذارند و از آنها خواستار پشتیبانی در مورد عدم اخراج خود می‌گردند ، حتی عده‌ای از آنها حاضر می‌شوند با مزد بسیار کمتری کار کنند . اما کارفرما نمی‌پذیرد . کارگران کارخانه بسا شنیدن گفته‌های کارگران و مطلع شدن از برخورد وزارتکار ناراحت شده و عده‌ای در حدود ۳۰۰ نفر ( نصف تعداد کل کارگران در سه شیفت ) از آنها پشتیبانی کرده و به مدت ۴ روز اعتصاب ، تحمّن و کم کاری می‌کنند . عده‌ای نیز در حدود ۳۰۰ نفر که اغلب از کارگران روستا نشینی بوده و در دهات اطراف زندگی می‌کنند ، از تخریب اخراج خود از کارگران اخراجی جابجاء معال نکرده و بسا حتی بعضی از آنها مخالفت هم می‌کنند . در اثر فشار کارگران شاغل کارخانه ، مدیریت و وزارت کار مجبور می‌شوند که یک جلسه دیگر ترتیب بدهند ، در اینجا هم مانند قبل کارگران اخراجی محکوم می‌شوند . کارفرما در این مدت برای بستن دهان کارگران چند کارگر روستا نشینی جدید استخدام می‌کند . کارگران اخراجی بدون هیچگونه تصمیم مشترکی و بدون داشتن هیچ رهنمودی به انفعال کشیده می‌شوند . کارگران آگاه ، کارگران را برای جلب پشتیبانی کارگران کارخانه‌های دیگر بسیج می‌کنند و بدنبال آنان ۳۰ کارگر اخراجی به کارخانه ایبران ناسیونال می‌روند ، با اینکه درب کارخانه را بازنجیر فلج کرده بودند و با اینکه نگهبانان مانع از ورود آنها به کارخانه می‌نمودند ، کارگران به حیاط کارخانه رفته و مشکلات خود را با آنها در میان می‌گذارند . اغلب کارگران ایران ناسیونال از کارگران اخراجی پشتیبانی کرده و برای حمایت از آنان تومار جمع می‌کنند .

فشاری که کارگران ایران ناسیونال به دولت می‌آورند ( این کارخانه از حساسیت مهمی هم برای کارگران و هم برای دولت برخوردار است ) باعث می‌شود که روز اول اردیبهشت کارگران جلسه‌ای دیگر داشته و موضوع را بیکری نمایند ... میارزه همچنان ادامه دارد .

۶۰/۱/۲۲ بدم شهید

**کاریابی شماره (۱) رابه  
محل تجمع دائمی بیکاران  
تهران تبدیل کنیم!**

**علیه بیکاری را**

**بخوانید و در**

**تکثیر و پخش آن**

**ما را یاری**

**دهید!**

**برقرار باد جمهوری انقلابی - دموکراتیک کارگران و زحمتکشان ایران!**

**زنده باد سوسیالیسم!**

با سخ به نامهها بقیه از صفحه ۲۰

هر مسئله، کلبه مواضعمان و انبان اعتقاداتمان را روی دیواره برینیم. کمیته ایجاد بارها و بارها این جمله را تکرار کرده است که کارگران هر اندازه بتوانند اراده انقلابی خود را بجای نظم و قانونمندی سرمایه بنشانند، بیشتر خواهند توانست در حل مضلات و مشکلات خود توفیق یابند. این جمله تقریباً در تمام شماره‌های "علیه بیگاری" به نحوی تکرار شده است و در همان شماره ۲ عین همین معنی را در خط آخر ستون اول، صفحه ۲۱ می‌توانید بخوانید. پس اگر کسی خواست بداند که کمیته ایجاد در مقابل اعتصاب‌های ابتدای به ساکن کارگران چه می‌گوید باید که بجای تعمیم دادن یک نوعیه مشخص در جواب به یک حمله تبلیغاتی مشخص دشمنان به یک اعتصاب معین کاری، نظر کمیته ایجاد را از مجموعه نظرات آن استخراج کند. (نظر کمیته ایجاد در مورد اعتصاب کارگران را حتی می‌توان از بخشهای دیگر همان مقاله نیز دریافت.)

البته همانطور که گفتیم ما می‌پذیریم که در این مورد بخصوص برای جلوگیری از هرگونه سوء تعبیر باید در همان قسمت "آنازیسم محکوم است" این اصل عام را همانطور که فوفا تعریف کرده‌یم، ذکر می‌کردیم.

با توجه به آنچه گفتیم فکر می‌کنیم نشاءاً ایهامات رفقا درباره عبارت "ما کارگران هم همین را می‌گوئیم" و یا اینکه "ضد انقلاب بختیاری" را لولو کرده‌ایم یا معنی طبقاتی عبارت "شرایط حساس" را باید باز می‌کردیم... نیز روشن شده باشد. هر جا که انسان بخشی از حرفه‌هایش را و آنچه با یک هدف بسیار مشخص بیان می‌کند، برخی لغات و عبارات برجستگی بیشتری پیدا می‌کنند و می‌توانند مایه سوء تعبیر شوند. این توضیحات، قبل و بعد مسئله و سابقه

ذهنی خواننده است که اهمیت واقعی این با آن عبارت را روشن می‌کند...

در خاتمه باید به یک نکته دیگر نیز اشاره کنیم. تاکتیکها و نحوه‌های فلت مبارزاتی از جمله می‌توانند تاکتیکها و شیوه‌های آنازیستی باشند. رفقا جعفر و رضا بخصوص به این نکته توجه کنند که برای اثبات آنازیستی نبودن یک تاکتیک یا حرکت مبارزاتی کافی نیست تا ثابت کنیم حرکت در تعقیب یک خواست بر حق و همچنین سازمانیافته بوده است.

مثلاً اگر کارگران یک کارخانه بطور متشکل و سازمانیافته برای دستیابی به یکی از حقوق مسلم خود (مثلاً سود سه‌روزه) زن و بچه کارفرما را گروگان بگیرند و تهدید به قتل آنها کنند کارشان آنازیستی است در حالی که آن دو شرط دیگری که شما بطور یکجانبه بر آنها تاکید کرده‌اید موجودند. امیدواریم این توضیحات کافی بوده باشند.

با سخ به نامه‌ها به درازا کشید به همین دلیل از پاسخ دادن به نامه‌های رفقای دیگر در این شماره خودداری می‌کنیم. ما ارائه پاسخ مشروح به رفقا جعفر، رضا، مهدی و "ب" را از این جهت لازم دانستیم که موضوعات مبهمی را طرح کرده بودند که پاسخ به آنها می‌توانست جبران‌کننده نقائص کار گذشته ما و از این بابت برای عموم خوانندگان علیه بیگاری مفید باشد.

با سخ به نامه‌های همه رفقا با این طول و تفصیل همواره برای ما مقدور نیست و نخواهیم توانست که حتی به همه آنها در نشریه‌مان بپردازیم، با این وجود مشتاقانه در انتظار نامه‌های شما می‌مانیم.

پهروز باشید.

## فراخوان بین الملل سندیکاهای سرخپه کارگران بیگار

۱۳۳۱

"شما اولین رنج کشید ه‌های این مبارزه بودید و باید اولین کسانی باشید که دست بتعرض میزنند و ولوسی فراموش نکنید که نهاد رصورتی پهروز میشوید که صفوف خود را با سایر کارگران فشرده متراخته و از منافع تمامی طبقه کارگر دفاع نمائید. کارگرانی که هنوز بکار اشتغال دارند نباید تصور کنند که بسر نوشت بیگاران دچار میشوند. مبارزه برادران بیگار باید مورد پشتیبانی کارگران قسرا ر بگیرد و سندیکاهای سرخ باید همه اقدامات لازم را انجام دهند تا مبارزه بیگاران، زیر پرچم سندیکائی به پیش رود و ترکیب گردانهای رزمندگان، هم از کارگران بیگار و هم از کارگران شاغل تشکیل شود."

نقل از کتاب "سندیکای سرخ"



## متن پاسخ کتبی "جنبش مستقل کارگری" به سئوالات ما

آنچه در زیر میخوانید متن پاسخی است که رفقای سازمان مبارزه برای ایجاد جنبش مستقل کارگری به سئوالات ما داده اند.

سئوال ۱- آیا بیکاری را یکی از مسائل مهم کارگران و زحمتکشان ایران میدانید؟

پاسخ- بیکاری اصولاً یکی از ویژگیهای ذاتی جوامع سرمایه داریست و تنها به بخشهای عقب مانده سرمایه داری محدود نمیشود. همین امروز نیز در کشورهای امپریالیستی میلیونها نفر کارگر بیکار وجود دارد. مسئله بیکاری مناسب سرمایه داری آنچنان بایکدیگر مجین شده اند که اقتصاد دانان بورژوازی در کشورهای امپریالیستی نیز بطور غیر مستقیم به این مسئله اعتراف کرده و میگویند که در جامعه ای که ۲/۵ درصد از کارگران آن بیکار هستند (یعنی از هر ۱۰ میلیون کارگر ۲۵۰ هزار نفر) کماکان ۳ اشتغال کامل وجود دارد. بصورت دیگر اینکه حتی سرسخت ترین مدافعین سیستم سرمایه داری نیز در برابر واقعیات سرسخت اجباراً اعتراف میکنند که مناسبتهای سرمایه داری "حتی در بهترین حالات و شرایط" قادر به ایجاد کار برای همه نمیشاند. البته تعداد بیکاران میتواند کم و زیاد شود ولی مسئله بیکاری بعنوان یک مشکل لا ینحل در درون سیستم سرمایه داری باقی میماند و کارگران نه فقط آنها که قبلاً محل کار خود را از دست داده اند، بلکه آنان که بکار اشتغال دارند نیز همواره مورد تهدید بیکاری قرار دارند. پس مسئله بیکاری در درون جوامع سرمایه داری نه فقط یکی از مسائل مهم کارگران و زحمتکشان بیکار که در همین حال مسئله کارگران شاغل نیز میباشد و اصولاً سیستم سرمایه داری بدون بیکاری و مشخصاً بدون "سباه ذخیره کارگران" قابل تصور نیست. البته واقعیت موجود در سراسر جهان سرمایه داری و وجود میلیونها کارگر بیکار در قلع و توابع تولید سرمایه داری صحت این نظر را به رأی المین و در عمل نشان میدهد و جای انکار برای کسی که چشمی برای دیدن و گوشه برای شنیدن دارد باقی نمیگذارد. مارکسیسم اما برخلاف اقتصاد بورژوازی مسئله بیکاری را مسئله ای سوبژکتیویستی نمیداند و آنرا نه از تصمیمات شخص این یا آن سرمایه دار، که از مکانیسم ذاتی مناسبتهای سرمایه داری استنتاج میکند یعنی آنرا عمدتاً از تغییر در ترکیب ارگانیک سرمایه نتیجه گیری میکند که خود آن ناشی از رقابت میان سرمایه داران جداگانه و تمایل ذاتی سرمایه به ارزش افزایی میباشد. با این ترتیب که رقابت میان سرمایه داران برای تولید هر چه بیشتر اضافه ارزش موجب بکارگرفتن تکنیک جدید و استفاده از اختراعات و اکتشافات تازه میشود و خود این امر ترکیب ارگانیک سرمایه را منفع سرمایه ثابت تغییر میدهد یعنی بطور نسبی (نسبت به سرمایه ثابت) از تعداد کارگران میکاهد.

حال سرمایه داری در پروسه گردش خود دائماً به مناطقی که در شرایط ماقبل سرمایه داری قرار دارند نیز نفوذ میکند. اولین نتیجه بلاواسطه گسترش سرمایه داری به مناطق مذکور "آزاد شدن نیروی کار وابسته به زمین میباشد."

مارکس میگوید:

"به محض اینکه تولید سرمایه داری بر کشاورزی حاکم شد و در همان حدودی که این تسلط برقرار گردید، انباشت سرمایه ای که در این بخش بکار افتاده موجب کاهش مطلق تقاضای کار در مورد جمعیت کارگران کشاورزی گردید بدون آنکه، مانند صنعت غیر کشاورزی، این واژش بوسیله پایش بزرگتری جبران گردد. بنابراین بخشی از جمعیت روستایی دائماً در حال دورخیز بطرف پرولتاریای شهری یا مانوانا کسوری قرار داشت و در کمین اوضاع و احوال مساعدی برای انجام این تفریز بود."

بدینسان این سرچشمه اضافه جمعیت نسبی مستراً جاری است. ولی جریان آن بسوی شهرها، خود وجود یک اضافه جمعیت نهانی را در روستا منروض میدارد که وسعت داشته آن تنها هنگامی مریض میگردد که مجاری سیلان بطور استثناسی کاملاً گشوده شود."

در ایران گسترش مناسبتهای سرمایه داری به روستاها باعث شد که سالانه هزاران نفر از روستائیان برای یافتن کار بشهرها مهاجرت کنند (تعداد این مهاجرین در نیمه دوم سالهای ۴۰ هرسال بطور متوسط ۳۰۰/۰۰۰ نفر بود) تعداد کثیری از روستائیان مزبور به اشکال مختلف جذب بخشهای صنایع و خدمات شدند. ولی سرمایه داری بهمان نسبتی که مناسبتهای سنتی ماقبل سرمایه داری را درهم میریخت و روستائیان را "آزاد" میساخت، قادر به جذب آنها در پروسه تولید نبود و در نتیجه هرروز بر تعداد بیکازان می افزود... بعد از قیام ۲۲ بهمن بحران سیستم سرمایه داری در ایران شدت گرفت و کارگران نیز با تظاهرات شدیدا ضد سرمایه داری خود در برابر سرمایه داران و دولت باسدار مناسبتهای سرمایه داری و نمایندگانش (هیئت های مدیره انتصابی) دست به مقاومت زدند و چنین شد که از نظر آن بخش از سرمایه دارانی که از ایران فرار نکرده بودند، "اضیت سرمایه" خطر افتاده و بسیاری از آنها رضیت چندانی برای سرمایه گذاری در بخشهای صنعتی از خود نشان ندادند و در نتیجه تعداد زیادی از کارخانهها بحالت نیمه تعطیل یا تعطیل درآمد و کارگران آنها نیز از کار بیکار شدند. مبارزاتی که این کارگران تحت شعار "کار برای بیکار بدون سرمایه دار" بخصوص در کماله اول بعد از قیام انجام دادند مویب جهت گیری درست و ضد سرمایه دارانه آنها بود. آنها خواهان بازگشت سرمایه داران فراری و "نجات" اقتصاد ورشکسته و بحران زده سرمایه داری نبودند، آنها کل نظامی را مورد سئوال قرار میدادند که در گذشته و حال در "بهترین حالات و شرایط" نه فقط هیچیک از مضرلات آنها را حل نکرده بود بلکه دست آخر نیز بدون کو چکترین حمایتی آنها را بحال خود واگذاشته بود. بنابراین وقتی ما صحبت از حل مسئله بیکاری می گیم، منظورمان تقاضا از دولت و سرمایه داران برای سرمایه گذاری بیشتر نیست و حل انقلابی آنرا در نظر داریم، یعنی حذف کامل بازار کار از نظام اقتصادی - اجتماعی، با بصارت دیگر

زندگی بیکاران، با بیمه بیکاری تأمین باید گردد!

حذف نیروی کار بیش از کلا و این امر شدنی نیست مگر با براندازی مناسبات سرمایه داری از طریق انقلاب دموکراتیک پرولتاریائی و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا .

سؤال ۲- آیا قبول دارید که این بیگاری میلیونی تاثیر مخرب و بازدارنده ای بر کل مبارزات طبقه کارگر دارد ؟  
پاسخ- شعار سرمایه دار برای کارگران همواره این است که : بهتر کار کنید و بیشتر کار کنید تا بیکار نشوید . ولی ما میدانیم که حتی بیشتر و بیشتر کار کردن کارگران نیز اصولا ارتباطی با بیکار شدن آنها ندارد . وجود دائمی ارتش ذخیره بیکاران در جوامع سرمایه داری شاهد این واقعیت است . اما اینکه آیا این بیگاری تاثیر مخرب بر مبارزات کل طبقه کارگر دارد یا نه ، بی شک پاسخ ما مثبت است . بخصوص در وضع بالا بودن حجم بیگاری و فشار ارتش ذخیره نیروی کار است که سرمایه داران بیش از هر زمان دست به تهدید آنها برای اخراج یا کاهش دستمزدها میزنند . نمونه ای را که مثلا میتوانیم ارائه دهیم مورد کش ملی است . یکی از اعضا هیئت مدیره در جریان اعتصاب اخیر کارگران علنا اعلام کرد که : سه میلیون بیکار در بیرون در منتظرند در صورت ادامه اعتصاب همه را اخراج خواهیم کرد . حال با در نظر گرفتن اینکه کارگران فاقد تشکیلات سندیکائی میباشند و رقابت نیز میان آنها گامگاز شده است ، روشن میشود که چرا بخش عظیمی از کارگران قادر به پیشبرد مبارزات خود نشده و تعالیت های آنان در نیمه راه متوقف میشود .

مسئله دوم اینست که همگون کردن مبارزات کارگران بیکار و شاغل امری بسیار مشکل و پیچیده میباشد ( و تا بحال کمتر سازمانی باین مسئله توجه کرده است ) و خود این جدائی نیز در حال حاضر موجب تضعیف مبارزات کارگران میگردد و بعنوان یک عامل بازدارنده تاثیر مخرب بر کل مبارزات طبقه کارگر باقی میگذارد .

سؤال ۳- آیا حل مسئله بیگاری و با رنج و تخفیف عوارض وحشتناک آنرا در توان حکومت فعلی می دانید ؟  
پاسخ- همانطور که گفتیم سیستم سرمایه داری در پیشرفته ترین شکل خود و حتی در بهترین " حالات و شرایط " خود قادر به حل مسئله بیگاری با رنج عوارض وحشتناک آن نیست . و ایندو : بیگاری و سرمایه داری همزاد یکدیگر میباشند و تنها با احوال سیستم سرمایه داری است که چهره کریه بیگاری نیز برای همیشه از جامعه بشری محو میشود . اما در مورد آنچه که مربوط به این حکومت جمهوری اسلامی میشود باید بگوئیم که این حکومت وارث اقتصاد ورشکسته و بحران زده رژیم پیشین است و خود زندگی بهتر از هر آموزگار دیگری در همین مدت کوتاه بها نشان داده است که این حکومت نه تنها قادر به کنترل و محدود کردن " این بحران نیست بلکه هر روز که میگذرد بر دامنه این بحران نیز افزوده میشود .

سؤال ۴- آیا این حکومت ، بزعم شما قدمی در راه بهبود وضع معیشت میلیونها نفر کارگر بیکار که اکنون نان خستوسوز خواهران و برادران شاغلشان شدنند ، همیل خود برخواهد داشت ؟

پاسخ- بخاطر دارید که در اثر مبارزات کارگران بیکار در ماههای اول حکومت دولت موقت ، وزیر کار ابتدا قولهایی در مورد پرداخت حق بیمه بیگاری بآنها داد و بعدا نیز لایحه ای در دولت موقت تصویب شد که نقطه بیکارانی را که قبلا شش ماه حق بیمه پرداخته بودند ، در بر میگرفت . ولی با نبروش کردن مبارزات کارگران بیکار که عمدتا معلول بسی

اعتنائی سازمانهای انقلابی به این مسئله و مشخصا نتیجه خیانت رهبری سازمان چریکهای فدائیی خلق بود ، این مبارزات نیز بجائی نرسید .

نمایش نکتیم که اگر امروزه در بسیاری از کشورهای امپریالیستی حتی بنام بیمه بیگاری وجود دارد ، این امر از یکطرف نتیجه مبارزات خود کارگران است و از طرف دیگر معلول وضعیت اقتصادی آن کشورهاست . اقتصاد سرمایه داری ایران امسال یک اقتصاد ورشکسته است و کمبود مواد اولیه زندگی در کلیه سطوح چشم میخورد . در چنین اوضاع و احوالی یک دولت باسدار مناسبات سرمایه داری چه تمایلی میتواند به بالا بردن قدرت خرید توده های مردم داشته باشد . و بدیهی است که آنها هیچگاه به میل خود حتی حاضر به پرداخت بیمه بیگاری که حق مسلم میلیونها تن بیکار میباشد ( برای گرفتن حق نیز آنها می باید مبارزه کنند ) نخواهد شد . وهم از اینروست که رژیم در تبلیغات شبانه روزی خود دائما صحبت از اینست میدارند که ما " برای خیزش و برتقال و شکم انقلاب نگردهایم " و بنا بر این حتی در حرف نیز نه نقطه تمایلی به بهبود وضع معیشت زحمتکشان ( خواه شاغل و خواه بیکار ) نشان نمیدهند ، که در برابر این خواست واقعی و برحق زحمتکشان ، بی عوارضی و فریبکاری نیز متوسل شده اند .

سؤال ۵- آیا بنظر شما کارگران نباید برای خلاصی از عوارض فلاکتبار بیگاری که تاثیری مخرب بر کل مبارزات طبقه دارد مبارزه ویژه ای را به پیش برند ؟  
پاسخ- اصولا مبارزه برای " خلاصی از عوارض فلاکتبار بیگاری " امر برحق و درستی است و اینکه این امر در چهارچوب سیستم سرمایه داری و شرایط کنونی اقتصاد ورشکسته ایران تا چه حد قابل تحقق است ، به هیچ وجه نباید و نمیتواند نانی ضرورت و حقانیت این امر باشد .

سؤال ۶- آیا سازمان شما بعنوان یک سازمان طرفدار طبقه کارگر ، این را وظیفه خود میدانید که برای پیشبرد این مبارزه فعالانه شرکت کند و نیرو اختصاصی دهد ؟ برنامه سازمان در این زمینه چیست ؟

پاسخ- سازمان ما بدون تردید با توجه به امکاناتی که در اختیار دارد و با در نظر گرفتن مجموعه وظایفی که کادرها و اعضای آن برعهده دارند ، شرکت در چنین مبارزاتی را وظیفه خود میدانند .

سؤال ۷- آیا شما در این مبارزه همکاری و وحدت عمل با نیروهای فعال دیگر را لازم و ممکن میدانید ؟ اگر نه چرا ؟  
پاسخ- سازمان ما با توجه به پراکندگی جنبش کمونیستی و حرکت از این نقطه نظر که تنها وحدت عمل کمونیست ها در لحظه کنونی قادر است از یکسو با حرکت های غیر دموکراتیک خرده بورژوازی سنتی - مذهبی و از دیگر سو با عوامفریبی های باصطلاح آزاد بخواهانه بورژوازی مبارزه کند ، در مورد مسئله مشخص مبارزه با بیگاری نیز از هرگونه وحدت عمل با نیروهای انقلابی استقبال میکند و آنرا گامی در جهت تشکیل طبقه کارگر میدانند .

سؤال ۸- آیا پلانترم کمیته ایجاد را بعنوان خط کلی حرکت در مبارزه علیه بیگاری ، قابل قبول میدانید ؟  
پاسخ- خط عمومی آنرا برای اتحاد عمل نیروها قابل قبول میدانیم .

سؤال ۹- اگر آنرا اصولی و قابل قبول میدانید ، آیا

حاضرید که صریحا و رسما در ارگان خود پذیرش آنرا از طرف سازمان اعلام کنید ؟ اگر نه چرا ؟

پاسخ - بله این مسئله از نظر ما بلامانع است .

سوال ۱۰ - آیا در این صورت حاضرید علنا به هواداران خود بگوئید که کمک رساندن به ک . ا . از نظر سازمان بلامانع است ؟ اگر نه چرا ؟

پاسخ - بله

سوال ۱۱ - اگر بالاتریم کمیته ایجاد را غلط یا قابل انتقاد میدانید آیا نقد آنرا بطور علنی در سطح جنبش وظیفه خود میدانید ؟ اگر نه چرا ؟

پاسخ -

سوال ۱۲ - آیا اصولا کمیته ایجاد می تواند به کمک و همکاری شما امیدوار باشد یا نه ؟

پاسخ - بله

سوال ۱۳ - اگر نه دلایل امتناع شما از کمک و همکاری چیست ؟

پاسخ -

سوال ۱۴ - و اگر پاسخ مثبت است شرایط شما برای همکاری ، کمک و یا وحدت عمل چیست ؟

پاسخ - صرنظر از مسائل تکنیکی که نیازی به اعلام علنی آنها نمی بینیم ، معتقدیم که اولاً هرگونه همکاری باید با حفظ استقلال سازمانی و شناختن حقوق برابر سازمانهای عضو صورت گیرد . ( سازمانهای بزرگتر دارای حق ویژه نسبت به سازمانهای کوچکتر نیستند ) . دوماً باید از ورود روبریزونیست ها و هائی از قبیل حزب توده و اکریتی ها و ترتمکست ها به کمیته اکیدا جلوگیری شود - در صورتیکه تحت پوشش ها و عناوین مختلف بدرون آن نفوذ کردند به محض تشخیص این امر از آنجا اخراج شوند .

"سازمان مبارزه برای ایجاد جنبش مستقل کارگری"

کرده اند . . . توجه رفتار را بخصوص به این نکته جلب میکنم .

\* در بخشی از پاسخ به سوال ۴ رفتار سازمان چریکهای فدائی خلق را مستقیما مسئول شکست کارگران در یک دوره از مبارزاتشان دانسته اند . کمیته ایجاد مسئولیت دفاع از چنین حکمی را بعهده نمیگیرد . رفتار خود در صورت لزوم از احکام خود دفاع خواهند کرد .

\* در بخش دیگری از پاسخ به سوال ۴ علت امتناع دولت از پرداخت حق بیگاری و اصولا بالا بردن قدرت خرید توده های مردم ، "ورشکستگی اقتصادی توضیح داده شده است نه ماهیت آن ."

بنظر ما اعم از اینکه اقتصاد جامعه سرمایه دار ورشکسته باشد یا در حال رونق ، کارگران باید در جهت افزایش سطح زندگی شان مبارزه کنند . این تصور که در شرایط رونق اقتصادی دولت پاسدار سرمایه ممکن است بمیل خود در جهت بهبود وضع معیشت توده های مردم گام بردارد ، تصور نادرستی است .

\* ما پاسخ رفتار را به سوال ۱۴ کافی نمیدانیم .

بنظر ما نیز ، حزب توده ، "اکریتی" ، حزب رنجبران ، حزب توفان و چند سازمان دیگر از این دست ، عملا با سازمانهای پلیسی نرخی ندارند و کسانی که در این سازمانها مشغول شده اند اما به پلیس خدمت نمی کنند ، در واقع برتنسپ های سازمانی شان را زیر پا گذاشته اند . ما نیز چون رفتاری جنبش مستقل کارگری خوب میدانیم که باید ورود پلیس به هر سازمان انقلابی جلوگیری کنیم . سوال ما مربوط به اصول حاکم بر وحدت عمل با سازمانهای انقلابی دیگر بود که تقریبا بی جواب مانده است .

در پایان لازمت از برخورد صمیمانه و رفیقانه رفتاری جنبش مستقل کارگری تشکر کنیم . امیدواریم "سازمان" عملا به سئوالات ۹ و ۱۰ ما پاسخ دهد ؟

ک . ا .

نیشابور :

### اخراج به شیوه مکتبی!

در نیشابور یکی از کارگران را به این علت که در تاشید سخنان کارفرما "اللهو اکبر" گفته است اخراج کرده اند !!

مبتکر این شیوه جدید اخراج کارگران ، سرهنگ سازنشسته است بنام خلخالی که سرپرست اردوگاه باغ رود ( مهاجر شهر خیام ) در ۱۲ کیلومتری نیشابور است .

این اردوگاه که قبلا اردوگاه بهداشتی بوده است قرار است به محل اسکان ۲۰ هزار آواره تبدیل شود و کارگری که اخراج شده است در این پروژه مشغول بکار بود .

جالب اینجاست که کارگران دیگر از ترس اخراج خود ، اعتراضی به این عمل کارفرما نکرده اند !

از ماست که بر ماست !

چند نکته :

\* بنظر ما چند جمله آخر پاسخ رفتار به سوال اول ، مبهم و تا حدودی دوپهلوست . یکبار دیگر به این جملات توجه کنید : "وقتی ما صحبت از حل مسئله بیگاری میکنیم . . . حل انقلابی آنرا در نظر داریم ، یعنی حذف کامل بازار کار از نظام اقتصادی - اجتماعی ، پایه عبارت دیگر حذف نیروی کار بمثابة کالا و این امر شدنی نیست مگر با براندازی مناسبات سرمایه داری از طریق انقلاب دموکراتیک پرولتاریائی و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا ."

آیا انقلاب دموکراتیک پرولتاریائی مناسبات سرمایه داری را بر می اندازد ؟

آیا برانندادن مناسبات سرمایه داری همان استقرار دیکتاتوری پرولتاریاست ؟

آیا برانندادن مناسبات سرمایه داری نسبت به دیکتاتوری پرولتاریا تقدم زمانی دارد ؟

اینها سئوالاتی است که این جملات مبهم در ذهن ما ایجاد

لیبرال ؛ خائن است ؛ مکتبی ، خائن است ؛ بختیار ؛ دشمن است !

# اول اردیبهشت

## سالگرد کشتار دانشجویان انقلابی است

اول اردیبهشت سالگرد روزی است که جمهوری اسلامی ثابت کرد در عقاوت و جنایت و در نهمنی انقلاب جهیزی از رژیم شاه کم ندارد .  
اول اردیبهشت سالگرد روزی است که اتحاد نفوس همه جناحهای حکومت در سرکوب انقلاب و انقلابیون بر همه کس هویدا شد .

اول اردیبهشت سالگرد روزی است که دانشجویان انقلابی با مبارزه و شهادت قهرمانان انقلاب ثابت کردند که هر رژیمی که بخواهد نظام موجود را با ناداری کند چاره‌ای جز سرکوب و وحشیانه آزادی و دموکراسی نخواهد داشت .

اول اردیبهشت سالگرد روزی است که کارگران آگاه بهتر از هر روز دیگر میتوانند ضرورت مبارزه برای آزادی و دموکراسی را به توده‌ها نشان دهند و به همگان بگویند که اگر طالب آزادی و دموکراسی هستند باید که به زیر پرچم کارگران گرد آیند ، دولت حامی سرمایه دار را به زیر پرچم جمهوری انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران را برپا دارند .

با سپیدان اول اردیبهشت و نفرت از جمهوری اسلامی همه در دلمان زنده خواهد بود

### بقیه مقاله از صفحه ۴

را تشریح خودشان میدانند و خواستار همه گیر شدن آنند و اطمینانی را در میان بگذاریم .  
دوستان کارگر!

واقعتاً این است که تشریح "علیه بیکاری" را عمدتاً فرزندان شما می‌فروشند و بخش می‌کنند، نه خود شما! امروز یکی از روش‌های دولت در ممانعت از کارفرزندان آگاه و انقلابی شما، بسیج اراذل و واباش و گورده‌آوری لایمپن‌هاست. آنها به گرد دختران و پسران نوجوان کمونیست و مبارز - این فرزندان خلف شما - حلقه می‌زنند، توهین می‌کنند - متلک می‌گویند ، مسخره می‌کنند، تهدید می‌کنند و گاه وقاحت را از حد گذرانده دست به اعمالی می‌زنند که هیچ فرد شریفی با رای تحمل آنرا ندارد. تکیه یک جانبه بر این عزیزان در رساندن نشریات کارگری بدست کارگران کاری نادرست است. آنروز که نشریات کارگری بدست هر قدرت شما عرض اندام کند، هیچ لایمپنی جسارت ایجاد مزاحمت نخواهد کرد.

آنروز که نشریات کارگری بدست شما کارگران محافظت شود، هیچ عریضه‌جوی قدره‌بندی جرات پاره کردن آنها را نخواهد داشت .

ما از شما - از تک تک شما - می‌خواهیم که حتی اگر در روز فقط ده دقیقه وقت اضافه دارید، چند نشریه

"علیه بیکاری" را بدست بگیرید و در معابر شهر به دوستان کارگر و زحمتکش خود علناً معرفی کنید و بفروشید. این کار شما توطئه‌های ردیبلان رژیم در سازماندهی با تدهای سیاه که با اتکاء به هوچیگری و ارباب مانع بخش و فروش نشریات کارگری می‌شوند را خنثی خواهد کرد. مطمئن باشید که تبلیغ فالانژها بر کارگران، کارگر نیست!

از سوی دیگر این عمل شما باعث خواهد شد که آن سازمان‌های سیاسی هم ، که دنباله روی شما را وظیفه خود میدانند، بکمک ما بیایند! پس از این کار کوتاهی نکنید.

کارگران و زحمتکشان تهران!

سرنوشت انقلاب ایران بستگی کامل به حدت مبارزه ما دارد. با تعلل در این امر خطیر و با کناره‌گیری از مبارزه‌ای بی‌امان و غستگی ناپذیر، حکم اسارت خود را تا مدت‌های مدید امضاء کرده‌ایم . پس به میدان بیایید! رخوت و سستی را دور بیاندازید ، با دانت‌های هر قدرت خود پرچم مبارزه را برافراشته خراسازید و مطمئن باشید که پیروزی از آن ماست!

پیروز باد مبارزات پرولتاریای انقلابی!

بخش بسوی اتحاد کارگری علیه بیکاری!

هرگز برخاستن! هرگز برداشتن! زنده باد انقلاب!

## زادروز لنین گرامی باد!

دوم اردیبهشت صدوپا زدهمین سالگرد تولد آموزگار کبیر بروتاریای جهان ولادیمیر ایلیچ لنین است. از دستاورد های ارزشمند مبارزات پرشور مردم انقلابی ایران یکی این است که امروز هرکارگری می‌تواند به آثار بی‌نظیر این رهبر کبیر دسترسی داشته باشد. از دستاوردهای انقلاب پاسداری کنید و بکوشید تا از لنین بیاموزید!

## مبارزه علیه بیگاری از دیدگاه لنین

نمنا داروی علاج بیمار . سوسیالیسم است ولی تا زمانیکه انقلاب اجتماعی بوقوع نپیوسته است ، تا زمانیکه رژیم سوسیالیستی برقرار نشده است ، سندیگاها باید اجباراً " یکسری اقداماتی در زمینه مبارزه با بیگاری و کشاندن توده های کارگر به مبارزه علیه بیگاری انجام دهند . این اقدامات کدامند و چه شعارها و رهنمودهایی باید از طرف سندیگاها طرح شود؟ قبل از هرچیز شاری که باید شمار اساسی راهنمای مبارزه علیه بیگاری باشد اینست که مخارج زندگی بیکاران باید توسط کارفرمایان یا دولت یا سندیگای کارفرمایان تامین شود بیکاری محصول رژیم سرمایه داری است و بنابراین سرمایه دارها موظفند مخارج زندگی و نگهداری کارگران بیکار را بپردازند . شعار دیگر . ایجاد کار برای کارگران بیکار است . کارگران بیکار نباید کار کنند ، و در روند تولید شرکت نمایند ، دولت و سرمایه داران موظفند برای کارگران بیکار کار پیدا کنند و تا آزمون مخارج زندگی کارگران و خانواده آنها و یکسری حقوق دیگر اجتماعی آنان را تضمین کنند . در این میان ، وحدت بین کارگران ( کارگران بیکار و کارگران شاغل ) باید حفظ شود .

برخی از کارگران که کار میکنند بیم آنرا دارند که با اشتغال بیکاران دستمزد آنها کم شود . این گرایشات محافظه کارانه در محیط کارگری باید توسط سندیگاها نقابلی طرد شود . محور تبلیغات و آژیتاسیون باید جذب بیکاران در پروسه تولید ، و تامین مخارج بیکاران توسط دولت و سرمایه داران باشد .

سرنوشت بیکاران با سرنوشت تمامی کارگران عجین شده است بزرگترین خطر در شرایط رشد بیگاری ، بوجود آمدن شکاف و اختلاف بین بیکاران و کارگران شاغل است . بدین جهت در ایجاد سندیگای بیکاران باید احتیاط زیاد بکار برد . این نوع سازمانها از سایر سازمانهای کارگری انقلابی تر ، مصمم تر و پراورزی ترند ، اما صهذ باید مواظب بود که با بوجود آوردن نژمانهای مختلف کارگری ( جدا از هم ) بخصوصی در مورد کارگران بیکار ، اختلاف و دود ستنکی بین کارگران مشغول و کارگران بیکار بوجود نیاید . دوباره تکرار میکنیم ، باید در جهت وحدت تمامی کارگران ( چه بیکار و چه مشغول ) در یک سازمان واحد طبقاتی کوشا بود و در صورتی که سازمانهای کارگران بیکار بوجود میآید ، نهایت احتیاط را بکنیم تا شکافی بین طبقه کارگر بوجود نیاید . بالاخره سندیگای انقلابی باید در نظر داشته باشد که تمام اقدامات آنها در جهت مبارزه با بیگاری ، نمیتواند در چار چوب نظام سرمایه داری به حل مسئله بیگاری بی انجامد . مبارزه اساسی باید نه از طریق رفم بلکه بوسیله مبارزه طبقاتی علیه سرمایه داران ، نه از طریق دولت بورژوازی بلکه از طریق انقلاب سیاسی و تخریب دولت بورژوازی صورت گیرد .

## نقل از کتاب "سندیگای طبقاتی"

## دروود بر عبدالکریم کریمی پور!

در شماره پیش نامه سرگشاده آقای عبدالکریم کریمی پور نماینده محترم آوارگان خرمشهری مقیم شیراز همراه با انتقادات ما بچاپ رسیده بود .

آقای کریمی پور نامه دیگری را بتاريخ ۶۰/۱/۳۰ برابمان فرستاده اند . در این نامه به انتقادات ما مسئولانه ، رفیقانه و صادقانه برخورد کرده اند و توضیحاتی داده اند که مختصراً خلاصه آنرا به منظور زدودن هرگونه سوء تفاهم خوانندگان "علیه بیگاری" نسبت به ایشان بازگو میکنیم .

آقای کریمی پور فرد زحمتکشی است که ۳۰ سال در خرمشهر زندگی کرده ، در جریان انقلاب و پس از آن همواره با مردم بود . و با کارگران زحمتکش ایران ترمینال و استیو دورینگ و شرکت های کشتیرانی درمبارزه رزاتشان عملاً همدردی کرده است . پس از اشغال خرمشهر به شیراز آمده و از طرف آوارگان موظف می‌شود که سخنگو و نماینده آوارگان در برخورد با مسئولین مملکتی باشد .

آقای کریمی پور تاکید کرده اند که این نمایندگی صرفاً در چهارچوب مسائل و خواسته های منفی آوارگان بوده است و نه سیاسی . اخیراً ایشان بغاظر پیگیری و با فشاری بر روی خواست های آوارگان عملاً مجبور به مهاجرت از شیراز شده اند و دست اندکاران نامشخص دیگری را بجای نماینده انتخابی آوارگان قرار داده اند .

باید اعتراف کنیم که نامه دوم آقای کریمی پور تصویر جدیدی از ایشان در ذهن ما ایجاد کرده است . اکنون اگر بخواهیم در باره ایشان با همین شناخت مختصر ، قضاوت کنیم باید بگوشیم که آوارگان مقیم شیراز با رفتن ایشان ، نماینده ای جدی ، دلسوز ، صادق و آگاه را از دست داده اند .

برخورد ایشان به کمیته ایجاد و نشریه علیه بیگاری و انتقادات آن ، برخوردی صادقانه و قابل تحسین است . آقای کریمی پور در این نامه نشان داده اند که به توده ها ایمان دارند . اگر استنباطی جز این در ذهن خوانندگان "علیه بیگاری" ایجاد شده است باید که تصحیح شود .

آقای کریمی پور در بخشی از نامه خود نوشته اند : "تنها خواهش من از شما برادران رزمنده اینست که ترتیبی بدهید که یک گزارش از تمام محل های سکونت آوارگان تهیه و از نزدیک با آوارگان تماس حاصل گردد . بلکه از طریق شما بشود کار بهتری برای آنها انجام داد" .

ما عین همین خواهش را از طرفداران کمیته ایجاد که امکان تهیه گزارش از این محل ها را دارند ، می‌کنیم . گزارش های خود را در باره اوضاع و احوال آوارگان در اردوگاه های سراسر کشور بدست ما برسانید .

آقای کریمی پور ما هم برای شما رزوی پهن روی و موفقیت داریم .

# دعوت مجدد از کارگران بیکار تهران

دوستان کارگر!

کاربایی، باید وزارت کار را مجبور کنیم تا برای ما کار پیدا کند.  
 پس به کاربایی بیاشید! همگی هر روز آنجا جمع می‌شویم تا این فشار دائمی و طاقت فرسا را به فشاری سیاسی در جهت حل مناسبت تبدیل کنیم.  
 هیچ پاسی نخواهد توانست کارگر بیکار را از کار باسی بیرون کند، مگر اینکه خودش را به عنوان دشمن کارگران افشاء نماید...  
 اگر می‌خواهد دشمنان خود را بهتر بشناسد به کاربایی بیاشید...  
 اگر هنوز نمی‌دانید که چه موافقی بر سر راه احقاق حقوق کارگران وجود دارد، به کاربایی بیاشید تا اولین و بزرگترین مانع را می‌حاضر نشانان دهم!

ما قبلاً از شما تقاضا کرده‌یم که به کاربایی شماره یک بیاشید و آنجا را تبدیل به محل تجمع دائمی کارگران بیکار تهران نمائید. بسیاری از شما به کاربایی آمدید و می‌آید. اما فقط برای سرکشی! می‌آئید و می‌روید! آیا به کاربایی می‌آئید که سرگرم شوید؟ آیا باید حتماً "خبری" باشد تا بماند؟! اگر حتماً باید "خبری" باشد به اطلاع همه شما می‌رسانیم که در کاربایی "خبرهاشی" هست. ضد انقلاب در یافته است که تجمع کارگران در کاربایی خطرناک است. پاسداران هر روز به کاربایی می‌آیند، پس حتماً خبرهاشی هست!  
 اگر بیکارید، اگر بدنتان کارگشته‌اید، اگر هنوز در پی کار هستید، بدانید که وزارت کار دوا بیری دارد بنام

## کاربایی شماره ۱ یا تون کارگران بیکار تهران!



آدرس: میدان انقلاب - خیابان کارگر (امیرآباد سابق) - بالاتر از خیابان فرصت - کوچه رهنما - داخل کوچه - کاربایی شماره ۱

# کارگران جهان متحد شوید!